

جنایتکاران بزرگ تاریخ

میگویند مسلمانان، تروریست هستند!! و دین منشا خشونت! اما بزرگترین جنایتکاران تاریخ چه کسانی هستند؟

ژوزف استالین

او ۲۰ میلیون انسان را قتل عام کرد که ۱۴.۵ میلیون نفر آنها از گرسنگی مردند! او یک ملحد بود. عامل جنایت: دیکتاتوری



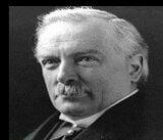
هیتلر

او آغازگر جنگ جهانی دوم با ۷۰ میلیون کشته در جهان و یک مسیحی بود. عامل تجاوز و جنگ افروزی: نژادپرستی



دیوید لوید جرج

نخست وزیر انگلستان در جنگ جهانی اول که یک فقره از جنایاتش، قتل عام ۹ میلیون نفر از مردم ایران با ایجاد قحطی ساختگی بود. عامل جنایت: استعمار مادی و فکری



<http://m-barani.com>

هری ترومن

رئیس جمهور آمریکا، ۲۲۰ هزار ژاپنی را قتل عام کرد و هولناک ترین جنایت تاریخ را رقم زد. او یک باپتیست (مسیحی صهیونیست) بود. عامل جنایت: سلطه سیاسی



رادوان کاراجیچ معروف به قصاب بوسنی

او عامل نسل کشی ۸۰۰۰ مسلمان بیگناه سربرنیتسا و ۱۲۰۰۰ تن از مردم سارایوو بود. عامل جنایات: نژادپرستی صرب!



مائو تسه تونگ (چینی)

بین ۲۰ تا ۲۰۱۴ میلیون نفر از مردم خودش را قتل عام کرد. او یک ملحد بود. نه مسلمان. عامل جنایت: اقتصاد



بزرگترین جنایت های

تاریخ را **ملحدان**،

یهودیان و مسیحیان

مرتکب شده اند و

مسلمانان همواره

قربانی آنها بوده اند.

سران اسرائیل؛ وحشی ترین قوم زمین

اشغال و نسل کشی مستمر ۷۰ ساله در فلسطین که تنها در جنگ ۲۰۱۴، بیش از ۲۳۰۰ نفر را شهید کردند که ۵۰۰ تن از آنها کودک بودند. آیا مناخیم بگین، بن گوریون، موشه دایان، گلدامایر، شارون، پرز، رایین، اولمرت، نتانیاو و.. مسلمان بودند؟! یا قربانیان آنها؟ عامل جنایات: نژادپرستی یهودی



محمد تقی صرفی پور



مقدمه

الحمد لله رب العالمين و الصلواه و السلام على سيد الانبياء و المرسلين محمد و اهل بيته الطاهرين

با اینکه خداوند مهربان برای هدایت بشر، هزاران پیامبر و کتابهای متعدد فرستاد و در او عقل را بعنوان پیامبر باطنی قرار داد تا بشر راه درست را انتخاب کند و به سعادت در جهان دست پیدا نماید ولی همواره عده ای از انسان ها مخالف راه مستقیم حرکت کرده و مرتب در برابر فرامین خداوند، عصیان و سرکشی می نمایند و گاه دست به کشتن افراد بی گناه می زنند در حالی که خداوند به بنی اسرائیل فرمود اگر یک نفر را بکشید گویا همه را کشته اید. مخصوصا اگر مومنی را عمدا بکشند مورد لعن و غضب الهی قرار گرفته و در جهنم تا ابد در عذاب عظیم هستند.

وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعْنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا

ایه 93 بقره

و هر کس مؤمنی را به عمد بکشد مجازات او (آتش) جهنم است، که در آن جاوید (معدّب) خواهد بود و خدا بر او خشم و لعن کند و عذابی بسیار شدید بر او مهیا سازد

ولی جنایتکارانی در طول تاریخ پیدا شدند که برای رسیدن به مقاصد خود، کشتار راه می انداختند و علاوه بر کشتن پیامبران و امامان علیهم السلام، مردم عادی را هم کشتار می نمودند که عذاب اینها در جهنم بسیار دردناک است.

البته شریک همه این جنایات، شیطان لعین است که با وسوسه خودانهارا وادار به این جنایات نمود.

در این کتاب به چند مورد از این افراد جنایتکار و دوتهای جنایتکار اشاره می شود.

کرمانشاه. پاییز 1400

جنایتکاران بزرگ تاریخ

نمرود:

طاغوتی به نام نمرود و خواب هولناک او

در سرزمین بین النهرین (بین دجله و فرات واقع در کشور عراق کنونی) شهری زیبا و پر جمعیت به نام بابل قرار داشت که (روزگاری اسکندر، آن را پایتخت ناحیه شرقی امپراطوری خود نموده بود)، طاغوتی دیکتاتور به نام نمرود فرزند کوش بن حام در آن جا کرد سلطنت می.

بابل پایتخت نمرود، غرق در بت پرستی و انحرافات مختلف و فساد بود، هوسبازی، شرابخواری، قمار بازی، آلودگیهای جنسی، فساد مالی و هر گونه زشتی از در و دیوار آن بارید می.

کردند و در مجموع به دو طبقه زیر دست و زبر دست، مردم در طبقات گوناگون زندگی می تقسیم شده بودند، حاکم خود پرست که سراسر زندگیش در تجاوز و فساد و انحراف کرد، محیط از هر نظر تیره و تار بود و شب شد، بر آن مردم فرمانروایی می خلاصه می ظلمانی گناه و آلودگی بر همه چیز سایه افکنده بود، و در انتظار صبح سعادت به سر برد می.

کرد، چنان که امام صادق - علیه نمرود علاوه بر بابل، بر سایر نقاط جهان نیز حکومت می السلام - فرمود: «چهار نفر بر سراسر زمین سلطنت کردند، دو نفر از آنها از مؤمنان به نام

سليمان بن داود و ذو القرنين و دو نفر از آنها از كافران به نام نمرود و بخت النصر
[بودند.]»⁴

خداوند به مردم ستمديده و رنج كشيده بابل لطف كرد و اراده نمود تا رهبري صالح و لايق
به سوي آنها بفرستد و آنها را از چنگال جهل و ناداني، بت پرستي و طاغوت پرستي نجات
دهد، و از زير چكمه ستمگران نمرودي رهايي بخشد، آن رهبر صالح و لايق، همان ابراهيم
.خليل بود، كه هنوز چشم به جهان نگشوده بود

عموي ابراهيم به نام آزر، از بت پرستان و هواداران نمرود بود و در علم نجوم و ستاره
.آمدشناسي اطلاعات وسيع داشت، و از مشاوران نزديك نمرود به شمار مي

گشايد آزر با استفاده از علم ستاره شناسي چنين فهميد كه امسال پسري چشم به جهان مي
كه سرنگوني رژيم نمرود به دست او است، او بي درنگ خود را به محضر نمرود رسانيد و
.اين موضوع را به نمرود گزارش داد

اي در آسمان عجيب اين كه در همين وقت همزمان نمرود در عالم خواب ديد كه ستاره
.درخشيد و نور آن بر نور خورشيد و ماه، چيره گرديد

پس از آن كه نمرود از خواب بيدار شد، دانشمندان تعبير كننده خواب را به حضور طلبيد و
خواب ديدن خود را براي آنها تعريف كرد، آنها گفتند: تعبير اين خواب اين است كه: «به
».شود آيد كه سرنگوني تو و رژيم تو به دست او انجام مي زودي كودكي به دنيا مي

نمرود بر اثر گزارش منجم، و تعبير دانشمند تعبير كننده خواب، به وحشت افتاد، بسيار
نگران شد، منجمين و دانشمندان تعبير خواب را حاضر كرد و با آنها به مشورت پرداخت،

سرانجام اطمینان یافت که گزارشات، درست است، اعصابش خرد شد، و وحشت و [نگرانیش افزایش یافت، و اضطراب و دلهره تار و پود وجودش را فرا گرفت.]5

دو فرمان خطرناک نمرود

برای آن که نطفه ابراهیم - علیه السلام - منعقد نشود، نمرود فرمان صادر کرد که زنان را از شوهرانشان جدا سازند و به طور کلی آمیزش زن و مرد غدغن گردد، تا به این وسیله، از انعقاد نطفه آن پسر خطرناک، در آن سال جلوگیری شود.

این فرمان اجرا شد، و مأموران دژخیمان آشکار و نهان نمرود، همه جا را تحت کنترل شدید خود درآوردند، و برای این که این فرمان، به طور دقیق اجرا شود، زنان را در شهر نگه داشتند، و مردان را به خارج از شهر فرستادند.

ولی در عین حال تاریخ پدر ابراهیم - علیه السلام -، با همسرش تماس گرفت و کاملاً به دور از کنترل مأموران، با او همبستر شد، و نور ابراهیم - علیه السلام - در رحم مادرش منعقد گردید.]6

در این هنگام دومین فرمان نمرود، چنین صادر شد:

ها و هرکس در هر جا که توانست، زنان باردار را تحت کنترل و مراقبت ماماها و قابله « قرار دهند، هنگام زایمان، کودکان را بنگرند اگر پسر بود کشته و نابود گردد، و اگر دختر بود زنده بماند، این فرمان حتماً باید اجرا شود، برای متخلفین از اجرای فرمان، مجازات «. شدید در نظر گرفته شده است... حتماً... حتماً

کنترل شدید در همه جا اجرا گردید، جلّادان خون آشام نمرودی، در همه جا حاضر بودند، گذاشتند کشتند، و نوزادهای دختر را زنده می‌نوزادان پسر را می‌

کار به جایی رسید که به نوشته بعضی از تاریخ نویسان 77 تا 100 هزار نوزاد کشته شدند.¹

قاتل حرام زاده ی یحیی(ع)

پادشاه خنده ای هزیانی کرد و چشمان پف آلودش به بالا چرخید. جام شراب در دستش کج شده بود و شرّه ای از شراب سرخ از گوشه ی آن به زمین می ریخت. نگاهی به زن بلندبالای جذّابی کرد که رو به رویش ایستاده بود و لباس حریر و ابریشمی اش، او را در نظر شاه همچون موجودی فرازمینی کرده بود. پادشاه با دست اشاره ای به زن کرد که: «جلو تر بیا!» و دخترک، خرامان، همچون طاووس های ترانه خوان، با نازک ترین ناز، خود را کنار تخت پادشاه رساند.

پادشاه، جام را به زمین انداخت تا دخترک را در چنگال خود بگیرد؛ جام با صدای دلنگ به زمین خورد و شراب سرخ کف قصر ریخت و دختر، فرز و چابک از دست او گریخت. پادشاه با حیرت گفت: «چرا می روی؟ نزدیک تر بیا!» دختر، وزیر پادشاه را از جا بلند کرد و بر جایش نشست و قرص و محکم پایش را روی پای دیگرش انداخت و گفت: «نمی شود!» پادشاه که شراب، زبانش را کند کرده بود، ابروهایش را بالا انداخت و گفت:

1. ناسخ التواریخ پیامبران، ج 1، ص 160¹

«عزیزکم! مگر نمی خواهی هر چه جواهر در عالم است به پایت بریزم؟» دختر سرش را به سوی دیگری گرفت و پاسخی نداد.

جام دیگری در دست پادشاه قرار گرفت. پادشاه همانطور که با چشمان گُر گرفته به زن می نگریست، آن را لاجرعه سرکشید. در سرش هیچ هوای دیگری، جز رسیدن و وصل به دختر وجود نداشت. وقتی روترش کردن دختر را دید، قلبش به طرز دیوانه واری تپیدن گرفت. فقط گفت: «هر چه می خواهی به تو می دهم!» و صدای لطیف دخترک را شنید: «مانعی بین من و تو نیست سرورم! من، خواهرزاده ی تو و در اختیار تو هستم. اما چه کنم که دیگران نمی گذارند من و تو به هم برسیم.»

پادشاه نعره ای زد و جام را به سمت دیوار پرت کرد. عربده کشید: «چه کسی؟! چه کسی؟! آنگاه خودش را از تخت به زمین انداخت و دامن کشان به پای دخترک انداخت و با زاری گفت: «او کیست؟ سر او را برایت خواهم آورد...» چشمان دخترک شعله ای شیطانی کشید و گفت: «بین من و تو مانعی نیست سرورم؛ جز یحیی...»(1)

قاتلان پیامبران، زنازاده اند

ماجرای حضرت یحیی بن زکریّا(علی نبینا و آله و علیه السلام)، ماجرای سوزناکی است؛ چرا که آن نبیّ خدا، به خاطر هوا و هوس چند جفاکار ظالم به نحو خونباری به شهادت رسیدند. آن حضرت(ع) که به امر خداوند مأمور شده بود که در شهرها تبلیغ کند که ازدواج با محارم حرام است، به دست پادشاه بنی اسرائیلی هوس بازی که می خواست با خواهرزاده ی خود ازدواج کند، به قتل رسید.(2) نحوه ی کشته شدن حضرت یحیی(ع) شبیه به امام حسین(علیه السلام) است؛ هرچند که خانواده ی آن حضرت اسیر نشدند و شدّت مصائب همچون مصائب کربلا نبود.

آنچه که در روایات از قاتلان پیامبران روایت شده آن است که قاتلان انبیا همگی زنازاده و محصول گناه بوده اند. در روایتی به وضوح آمده است که «قاتلان امام حسین(علیه السلام) و حضرت یحیی(ع) زنازاده بودند.»(3) همچنین درباره جایگاه قاتلان این دو پاکزاده در

روایات آمده است که در جهنم جایگاهی است که ویژه و مخصوص قاتلان آن پیغمبرزادگان گرامی است.(4)

در روایات آمده است که وقتی سر خونین حضرت یحیی(ع) را در شهرها گرداند و در تشتی مقابل آن ستم پیشه گذاشتند، سر به سخن درآمد و آخرین موعظه ی خویش را خواند: «با تو هستم! از خدا بترس؛ این کار برای تو حلال نیست.»(5) آنگاه قطره ای از خون رگ حضرت یحیی(ع) بر زمین ریخت و از آن نقطه، تا چندین سال بعد، خون می جوشید، به نحوی که بر روی آن خاک می ریختند و خون از آن خاک ها بالا می آمد و آنقدر در آن نقطه خاک ریخته بودند که به صورت تپه ای درآمد بود.(6)

در روایات آمده است که مردم شهر آن پادشاه ظالم، به کشته شدن یحیی بن زکریا(ع) راضی بودند؛ بدین ترتیب، خداوند به دست بُخْتَنْصَر از همه ی مردم آن شهر انتقام سختی گرفت؛ به طرزی که یک نفر را در آن شهر زنده نگذاشت.(7) بیان این نکته نیز ضروری است که بختنصر از مخلوقات ظالم خداوند بود؛ قاتلان حضرت یحیی(ع) و شریکان خون آن حضرت نیز همگی ستمگر بودند. در سنت خداوند اینگونه است که گاهی اوقات ظالمی را بر دیگر ستمگران مسلط می کند و بدین ترتیب هر دو همدیگر را از بین می برند.(8)

پی نوشت:

1. برگرفته از روایتی از امام صادق(علیه السلام)؛ قمی، علی بن ابراهیم، «تفسیر القمی»، قم، دارالکتاب، چاپ سوم، 1404ق. ج 1، ص 86.

2. جزائری، نعمت الله بن عبد الله، قصص الأنبياء، تهران، اسلامیه، چاپ اول، 1381، ص566.

3. روایتی از امام صادق(علیه السلام)؛ ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، ترجمه ذهنی تهرانی، تهران، پیام حق، چاپ اول، 1377، ص250.

4. رسول خدا(صلی الله علیه وآله)؛ ابن قولویه، جعفر بن محمد، همان، ص 244.

5. برگرفته از روایتی از امام صادق(علیه السلام)؛ قمی، علی بن ابراهیم، «تفسیر القمی»، همان.

6. همان.

7. عبدالله بن سنان می گوید: امام صادق(علیه السلام) فرمودند: همانا خداوند عزّ و جلّ آن هنگام که اراده می کند که دوستانش را یاری کند آنها را با مخلوقات شرّش یاری می کند و هنگامی که ارده کرده کرد که آنان را برای خودش یاری کند، با دوستانش یاری شان می کند؛ همانا خداوند یحیی بن زکریا را با بختنصر یاری رساند.» (قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله، قصص الأنبياء علیهم السلام،

مشهد، مرکز پژوهش های اسلامی، چاپ: اول، 1409 ق. ص218).

8. از ابو بصیر، از امام مجتهد باقر (ع) روایت است که فرمود: «خداى عز و جل از هیچ ظالم انتقام نکشیده، مگر به ظالمی دیگر. و این است معنی قول خداى عز و جل که فرموده: «وَكَذَلِكَ نُؤَلِّي بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا» [الأَنْعَام: 129] و این گونه برخی از ستمکاران را به [کیفر] آنچه به دست می آوردند، سرپرست برخی دیگر می گردانیم.»

نرون

کشته 5750

دسامبر سال 37 میلادی 15: تولد

ژوئن سال 68 میلادی 9: مرگ

اکثر سال 54 – 9 ژوئن سال 68 13: دوران حکومت

او به رفتار ظالمانه شهره است. نرون نه تنها هزاران مسیحی را از دم تیغ گذرانید بلکه نزدیکانش را هم به راحتی کشت. او رسمی از شکنجه و آزار و اذیت ها را باب کرد که تا صدها سال پابرجا ماند.

فرعون:

فرعون (رامسیس دوّم) طاغوت خودسر و مغرور مصر بود، او مردم را به دو طبقه مستضعف و مستکبر (بردگان و اشرافیان) به نام سبطیان و قِبْطیان، تقسیم نمود، قبطیان همان فرعونیان بودند که در اطراف فرعون به هوس بازی و عیش و نوش و ظلم و ستم سرگرم بودند، و همه اختیارات کشور در دست آنها بود، ولی به عکس، سبطیان طبقه پایین

اجتماع، و ستم‌دیدگانِ مستضعف بودند، که همواره زیر چکمه و چنگال فرعونیان، رنج می‌بردند، موسی (علیه‌السلام) و بنی‌اسرائیل از سبطیان بودند، ولی فرعون از قبطیان

به این ترتیب نژادپرستی عجیبی در کشور مصر و اطراف، حکمفرما بود، و قبطیان می‌خواستند، همین وضع ادامه یابد، چهارصد سال این وضع نابسامان ادامه یافت تا اینکه خداوند بر بنی‌اسرائیل لطف کرد، که پیامبری به نام موسی (علیه‌السلام) بفرستد، و آنها را از زیر یوغ استعمار و استثمار فرعون نجات بخشد

در همین ایام، یک شب فرعون در عالم خواب دید: آتشی از طرف شام شعله‌ور شد و زبانه کشید و به طرف مصر آمد و به خانه‌های قبطیان افتاد و همه آن خانه‌ها را سوزانید، و سپس کاخ‌ها و باغ‌ها و تالارهای آنها را فراگرفت و همه را به خاکستر و دود تبدیل نمود

فرعون در حالی که بسیار وحشت‌زده شده بود، از خواب برخاست و در غم و اندوه فرو رفت، ساحران، کاهنان و دانشمندان تعبیر خواب را به حضور طلبید، و به آنها رو کرد و گفت: «چنین خوابی را دیده‌ام، تعبیرش چیست؟» یکی از آنها گفت: «چنین به نظر می‌رسد که به زودی نوزادی از بنی‌اسرائیل به دنیا آید و واژگونی تخت و تاج فرعون، و نابودی [فرعونیان، به دست او انجام شود.]» [۳]

کنترل شدید برای جلوگیری از تولد نوزاد - ۴

فرعون پس از مشاوره و گفتگو با درباریان و ساحران، دو تصمیم خطرناک گرفت، نخست اینکه فرمان داد در آن شبی که منجمین و ساحران، آن شب را به عنوان شب انعقاد نطفه کودک موعود (موسی) مشخص کرده بودند، زنان از همسران‌شان جدا گردند.

این فرمان اعلام شد و در همه‌جا کنترل شدیدی به وجود آمد، مردان از شهر بیرون رفتند و زنان در شهر ماندند، و هیچ همسری جرئت نداشت با همسر خود تماس بگیرد.

دومین تصمیم فرعون، کشتن نوزادان پسر بود که به طور وسیع، و بسیار خطرناکتر از تصمیم نخست، اجرا شد، از دربار فرعون خطاب به عموم مردم، این اعلامیه صادر گردید:

همه مأموران و قابله‌ها باید در میان بنی‌اسرائیل، مراقب اوضاع باشند، هرگاه پسری از « آنها به دنیا آمد، بی‌درنگ سر از بدن او جدا کنند و او را بکشند، ولی دختران را برای کنیزی نگه‌دارند.» به دنبال این اعلامیه، جلّادان خون‌آشام حکومت فرعون به جان مردم افتادند، تمام زن‌های باردار تحت مراقبت شدید قرار گرفتند، قابله‌ها از هر سو، زنان را کنترل می‌کردند، در این گیرودار، شکم بسیاری از زنان شکافته شد، و بسیاری از نوزادهایی که در رحم مادرانشان بودند، بر اثر فشار و لگزدن مأموران سنگدل، سقط شدند، و کشتن نوزادان پسر **به هفتاد هزار نفر** رسید^۲

قران در این باره می‌گوید:

وَإِذْ نَجَّيْنَاكَ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكَ سُوءَ الْعَذَابِ يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ ۚ وَفِي ذَٰلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ

ایه 49 بقره

مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۵۵-۵۱^۲

و (به یاد آرید) هنگامی که شما را از ستم فرعونیان نجات دادیم که از آنها سخت در شکنجه بودید، (به حدی که) پسران شما را کشته و زنانتان را زنده نگاه می‌داشتند، و آن بلا و امتحانی بزرگ بود که خدا شما را بدان می‌آزمود.

چنگیز:

چنگیز خان مغول به هر کجا لشکر می کشید و دست می یافت جنایتهای بزرگ علیه مردم انجا انجام می داد از جمله در ایران جنایات بزرگی انجام داد که به یک نمونه ان در حمله به نیشابور و کشتار مردم انجا اشاره میشود:

چگونگی تصرف نیشابور در حمله مغولان

چنانکه اشاره شد، نیشابور پیش از حمله مغولان اهمیت بسیاری داشت و در ردیف شهرهای چهارگانه خراسان بزرگ شامل مرو، بلخ و هرات به شمار می آمد. این شهر از مراکز عمده سامانیان و غزنویان بود و در عهد سلجوقیان و خوارزمشاهیان نیز از مراکز معتبر و آباد بود. نیشابور چندین بار بر اثر زلزله و حمله غزنویان ویران شده بود، به طوری که در هنگام حمله مغول در پیرامون نیشابور قدیم، شهر معتبر دیگری به نام «شادیاخ» بنا شده و در واقع در این دوران همین شهر شادیاخ است که از آن به عنوان نیشابور یاد می شود. (اقبال آشتیانی، تاریخ مغول، ص ۵۵) در نخستین عبور لشکریان جَبّه نویان و سبتای بهادر سرداران مغول که مأموریت دستگیری سلطان محمد از طرف چنگیز به آن ها داده شده بود، از خراسان، حکمران نیشابور تصمیم به تسلیم گرفت و با تقدیم هدایای نفیس و علوفه لشکر به آنان برای شهر نیشابور و مردم آن امان گرفت و اینگونه

شهر را به دست خود و به فرمان سران سپاه مغول ویران نمود. از طرف دیگر طرفداران ترکان خاتون و اوزلاغ شاه برادر کوچکتر جلال‌الدین در صدد قتل جلال‌الدین خوارزمشاه برآمدند. جلال‌الدین به ناچار به خراسان گریخت و فتوحاتی نیز به دست آورد و قدرت و نفوذی یافت. مردم خراسان چون خبر فتوحات او را در پروان شنیدند، به نوسازی دیوار شهرها اقدام کردند. مردم نیشابور نیز از اطاعت حاکم توس که دست نشانده مغولان بود، سر باز زدند و مردم توس را نیز تحریک کردند تا حاکم مغولی را نابود کنند. شورشیان توس نیز آن حاکم شهر را کشتند و سرش را به نیشابور فرستادند. به دنبال این شورش، داماد چنگیز، شهر (TokucharNoyan) «سپاهیان چنگیز به سرداری» تغاجار نویان نیشابور را محاصره کردند و در سومین روز محاصره، داماد چنگیز بر اثر تیر یکی از کمانداران نیشابور کشته شد. جانشین این سردار، سپاهیان را به دو قسمت تقسیم کرد، بخشی را به توس فرستاد و بخشی را با خود به سبزوار برد و به تلافی مرگ تغاجار نویان سبزوار را ویران و خون بسیاری از مردم را جاری کرد. (گرایلی، نیشابور شهر (فیروزه، ۱۳۰)

در همین ایام جلال‌الدین خوارزمشاه که در خراسان بود مدت کوتاهی به نیشابور رفت و با استقبال مردم آن شهر روبه‌رو شد. او سه روز در نیشابور ماند و از سردارانی که مقاومت کرده بودند، تمجید به عمل آورده و مصالحه‌کاران را مورد خشم قرار داد. پس از رفتن جلال‌الدین سپاهیان مغولی به فرماندهی تولی پسر چنگیز که به تازگی مرو را گشوده بودند، رو به نیشابور گذاشتند. در این موقع در نیشابور قحطی آذوقه بود و همین گرسنگی و ضعف از قدرت و توان جنگجویان مبارز شهر می‌کاست. مردم شهر به ناچار قاضی شهر را به صلح و تسلیم نزد تولی فرستادند؛ اما او که قصد انتقام قتل تغاجار را داشت، این مصالحه را نپذیرفت. با آن که مردم ۳۰۰۰ چرخ بر دیوار حصارها کار گذاشته بودند و

۳۰۰ عراده و منجیق نصب کرده بودند و به نفت‌انداز مجهز بودند، تاب پایداری نیاوردند و پس از سه روز جنگ سخت و کشته شدن تعداد بسیاری از دو طرف، مغولان پیروز شدند. سرانجام در روز دهم صفر در فصل بهار ۶۱۸ مغول‌ها به شهر نیشابور ریختند. مغولان نخست حاکم شهر، مجیرالملک کافی و تنی چند از بزرگان آن شهر از جمله ضیاءالملک (زوزنی و شیخ فریدالدین عطار شاعر و عارف بزرگ را کشتند. (همان، ۱۳۱)

مغولان تمامی زنان و مردان نیشابور را در صحرا جمع کردند و از میان آنان حدود ۴۰۰ نفر از صنعتگران را جدا کردند و بقیه را کشتند. در این زمان بود که دختر چنگیز و زن تغاجار که شوهرش در محاصره شهر نیشابور کشته شده بود، برای انتقام به این شهر (Boyle, The Cambridge History of Iran, 314) رسید و خود وی نیز در کشتار بازماندگان شرکت کرد:

در این باره آمده است (Boyle, The Cambridge History of Iran, 314):

و به کینه تغاجار فرمان شده بود تا شهر را از خرابی چنان کنند که در آنجا زراعت توان کرد و تا سگ و گربه آن را به قصاص زنده نگذارند و دختر چنگیزخان که خاتون تغاجار بود، با خیل خویش در شهر آمد و هر کس که باقی مانده بود، تمامت را بکشتند، مگر ۴۰۰ نفر را که به اسم پیشه‌وری بیرون آوردند و به ترکستان بردند و اکنون از بقایای ایشان فرزندان هستند و سرهای کشتگان را از تن جدا کردند و مجلس به نهادند، مردان را جدا و (زنان و کودکان را جدا) (بایمت‌اف، «فاجعه نیشابور»، ۶۱).

تولی پس از محو کردن نیشابور راه هرات را پیش گرفت و یکی از سرداران خویش را با ۴۰۰ مرد جنگجو آنجا گذاشت تا اگر جانداری را یافتند، بی‌امان نابود سازند. (گرایلی، نیشابور شهر فیروزه، ۱۳۴). مغولان در ضمن خرابی نیشابور، آبادی‌های توس را نیز ویران کردند و شهر مشهد کنونی را هم که به مناسبت مزار علی ابن موسی الرضا و قبر هارون الرشید محل توجه مسلمانان بود، به باد غارت و انهدام دادند. (موسوی، توس شهر خفته در تاریخ، ۴۰)

پیامد لشکرکشی مغولان به نیشابور

به نظر می‌رسد که صدمات و لطمه‌های روحی و فرهنگی حمله مغول بیش از ویرانی فیزیکی و خسارت‌های اقتصادی آن بوده‌است. مغول‌ها بر ایران مسلط شدند بدون آنکه ایدئولوژی جدیدی با خود آورده باشند (علمداری، چرا ایران عقب ماند و غرب پیش رفت؟، ۳۵۸). در این حمله مراکز علمی و فرهنگی نیشابور ویران شد. پس از ازبین رفتن مراکز علمی و فرهنگی، پویایی جامعه رو به افول گذاشت و عرفان و گرایش‌های غیرعقلانی گسترده‌تر از قبل شد و عملاً مردم را نسبت به سرنوشت خود بی‌اعتنا ساخت (همان: ص ۴۸۰). حمله مغول بر رونق تصوف افزود زیرا در دوران ویرانی و مصیبت، تصوف به مهم‌ترین پناهگاه روحی و فکری مردم تبدیل شد و بسیاری به آن گرویدند. (میرعابدینی، «تصوف (بخش اول)»، دانشنامه جهان اسلام).

کشتار و کاهش جمعیت در خراسان

یکی از عناصر مهمی که پس از حمله مغول باعث رکود اقتصادی ایران گردید، کاهش جمعیت شهرها و مناطق اسکان دائم بود. منابع هیچ آمار جامعی از جمعیت ایران قبل و بعد از این حمله به دست نمی‌دهند. هر چند آمار و ارقام کشتارها و قتل‌عام‌های ذکر شده در منابع طرفدار و مخالف مغولان برای این حمله آنچنان کلان ذکر شده است که حتی باور وجود شهرهایی با چنین جمعیت کلانی را در آن زمان، مشکل می‌کند؛ اما همین آمارها (Morgan, "Mongols", Encyclopaedia of Islam) شواهدی از شیوه نگرش مردم به تهاجمات مغول هستند جوینی که خود از تاریخ‌نویسان طرفدار مغول به‌شمار (Encyclopaedia of Islam) می‌رود، می‌نویسد «هر کجا که ۱۰۰ هزار کس بود، ۱۰۰ کس نماند.» به غیر از قتل‌عام‌ها باید در نظر داشت که بسیاری از مردم را به اسارت بردند و بسیاری نیز در اثر بیماری‌های واگیر یا گرسنگی که در پی هر تهاجم خارجی پیش می‌آمد، جان خود را از دست دادند. همچنین روش جنگی مغولان چنین بود که هزاران اسیر را به‌عنوان حشر (قشون

غیرنظامی) در جلوی لشکریان خود به حرکت درآورده و از آنان در تسخیر شهرها و نقاط جدید بهره می‌جستند. این اسرا درحقیقت همچون سپر انسانی مورد استفاده قرار گرفته و نیزه‌ها و سلاح‌های دیگری که ازطرف مدافعان شهر به‌سوی قوای تهاجمی مغول پرتاب می‌شد، به این اسرا اصابت می‌نمود (زیباکلام، ما چگونه ما شدیم؟، ۱۵۳). عدد کشتار مغولان در نیشابور را عباس اقبال آشتیانی 1.748.000 نفر بیان می‌کند که بیانگر کاهش جمعیت و دگرگونی در بافت جمعیتی و قومی آن منطقه است.

معاویه:

یکی از بزرگترین جنایتکاران تاریخ، معاویه است که دستش به خون هزاران بیگناه اغشته است. و برای چند سال حکومت کردن افراد زیادی از جمله شیعیان امیر مومنان علی علیه السلام رو کشت و بشهادت رساند.

شهید کردن امام دوم شیعیان

معاویه برای جعهده همسر امام حسن مجتبی علیه السلام زهر فرستاد و گفت اگر امام را بکشی تو را عروس خودم می کنم و..

و جعهده هم امام را بشهادت رساند ولی معاویه به قولش عمل نکرد و...

معاویه دستور کشتن شیعیان را صادر کرد از جمله آنان حُجر بن عدی که شبی هزار رکعت نماز می خواند بدست معاویه بشهادت رسید و..

معاویه با زهری که برای یکی از عمالش فرستاد مالک اشتر را بشهادت رساند و...

نعمان بن بشیر را با هزار نفر برای سرکوب مردم عین التمر فرستاد (۱)

سفیان بن عوف را با شش هزار نفر برای سرکوب مردم هیت و از آنجا به انبار و مدائن (۲) فرستاد.

عبدالله بن مسعده بن حکمه فزاری که از دشمنان امیرالمؤمنین (علیه السلام) بود با (۳) هزار و هفتصد نفر به تیماء فرستاد.

ضحاک بن قیس را با سه هزار نفر به واقعه برای غارت هرکس که در طاعت امام علی (۴) (علیه السلام) است فرستاد. و در مقابل، حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) حجر بن عدی را با چهار هزار نفر برای مقابله با او فرستاد.

عبدالرحمن بن قباث بن اشیم را با جماعتی به بلاد جزیره فرستاد، که حضرت کمیل را (۵) برای مقابله با او فرستاد.

حرث بن نمر تنوخی را نیز به جزیره فرستاد تا با هرکس که در اطاعت امام (۶)

. [علی (علیه السلام) است مقابله کند که در آن واقعه افراد زیادی کشته شدند. [۱]

در سال ۴۰، بُسر بن أُرطاة را با لشکری به سوی مکه و مدینه و یمن فرستاد او هنگامی (۷) که به مدینه رسید، عبیدالله بن عباس که عامل مدینه از طرف امام علی (علیه السلام) بود، از آنجا فرار کرده و در کوفه به حضرت ملحق شد ولی بُسر هر دو فرزند او را به شهادت . [رسانید. [۲]

یکی دیگر از مناطقی که سر راه بُسر مورد غارت قرار گرفت منطقه ای بود که گروهی از قبیله همدان و شیعیان حضرت علی (علیه السلام) در آن جا سکونت داشتند. بُسر با حرکتی غافلگیرانه به آنها حمله کرد. بسیاری از مردان را کشت، و تعدادی از زنان و فرزندان آنان

را به اسارت برد. و این اولین بار بود که زنان و کودکان مسلمین به اسارت برده می‌شدند.
[۳]

مسعودی در مورد بسر بن ارطاة می‌گوید: او افرادی از خزاعه و همدان و گروهی را که معروف به الانباء از نژاد ایرانیان مقیم یمن بودند کشت. و هرکسی را که مشاهده می‌کرد [میل به علی دارد یا هوای او را در سر دارد، می‌کشت]. [۴]

ابن ابی الحدید می‌گوید: بسر به طرف اهل حسان که همگی از شیعیان علی (علیه السلام) بودند، آمد و با آنان سخت درگیر شد و به طور فجیعی آنان را به قتل رسانید. و از آنجا به طرف صنعا آمد و در آنجا صد نفر از پیرمردان را که اصالتاً از فارس بودند کشت، تنها به جرم اینکه دو فرزند عبیدالله بن عباس در خانه یکی از زنان آنان مخفی شده است. و بسر [در حمله هایش حدود سی هزار نفر را به قتل رساند و عده ای را نیز در آتش سوزاند]. [۵]

او نیز می‌نویسد: معاویه در نامه ای به تمام کارگزارانش نوشت: به هیچ یک از

شیعیان علی و اهل بیتش اجازه شهادت ندهید. و در مقابل، شیعیان عثمان را پناه داده و آنان را اکرام کنید.... و نیز در نامه ای دیگر به کارگزاران خود نوشت هرکسی که ثابت شد محب علی و اهل بیت اوست اسمش را از دیوان محو کرده و عطا و روزیش را قطع نمایید. و در ضمیمه این نامه نوشت: هرکس که متهم به ولای اهل بیت (علیهم السلام) است او را دستگیر کرده و خانه او را خراب کنید. بیشتر مصیبت بر اهل عراق بود خصوصاً [اهل کوفه....]. [۶]

ر. ک. الاغانی، ج ۱۵، ص ۴۴. تاریخ ابن عساکر، ج ۱۰، ص ۱۵۲. الاستیعاب، ج [۱]:

۱/۶۵. تاریخ طبری، ج ۵، ص ۱۳۴؛ الکامل، ج ۲، ص ۴۲۵

تاریخ طبری، ج ۵، ص ۱۳۹. کامل ابن اثیر، ج ۲، ص ۴۲۵. تاریخ دمشق، ج ۱۰، ص [۲]:

۱۵۲. البدایة والنهاية، ج ۷، ص ۳۵۶

العقد الفريد، ج ۵، ص ۱۱ [۳]:

مروج الذهب، ج ۳، ص ۲۲ [۴]:

شرح ابن ابی الحديد، ج ۱، ص ۱۱۶ ۱۲۱ [۵]:

همان، ج ۱۱، ص ۴۴ ۴۵ [۶]:

زیاد بن ابیه پدر ابن زیاد ملعون!

در سال 45 هجری، یعنی پنج سال پس از شهادت علی(ع)، زیاد حاکم بصره شد و اندکی بعد، حکومت سرزمین‌های هند، خراسان و سیستان، بحرین و عمان نیز به وی سپرده شد و او توانست با سیاست‌مداری و خشونت این مناطق را رام و آرام کند. سپس در سال 50 هجری حکومت کوفه به زیاد سپرده شد. پیش از او مغیره بن شعبه، سیاست‌مدار

نیرنگ‌بازی که زمینه حکومت و خلافت یزید را فراهم کرد، حاکم کوفه بود. با مرگ مغیره، عراقین (بصره و کوفه) همزمان تحت حکومت زیادبن ابیه قرار گرفت و این نخستین بار بود که کسی حکومت عراقین (کوفه و بصره) را در دست می‌گرفت (همان، ج 5: 234).

اینک کسی قدرت را در دست گرفته بود که روزگاری دوست و همراه علی(ع) و شیعیان او بود و اکنون دشمن سرسخت آنان شده بود، و چون شناخت دقیق و گسترده‌ای نسبت به سران و رهبران و طرفداران علی(ع) داشت، شروع به سرکوب، زندان کردن، قتل، بیرون کشیدن چشم‌ها از حدقه، قطع دست و پا و تبعید و ویران کردن خانه‌ها کرد.

زیاد هرکس از یاران علی(ع) را که می‌یافت می‌کشت و بر درختان خرما به دار می‌زد. گفته‌اند چنان کرد که احدی از شخصیت‌های معروف شیعه در عراق باقی نماند. ابن ابی‌الحدید می‌گوید: اختناق به قدری شد که افراد به خادم و حتی همسر خودشان نیز اعتماد نداشتند و اگر می‌خواستند سخنی را به آنان بگویند قبلاً آن‌ها را قسم می‌دادند که (مطالب را به حکومت گزارش ندهند) (ابن ابی‌الحدید، بی‌تا، ج 2: 45).

ابن اعثم می‌گوید: زیاد به‌طور دائم در پی شیعیان علی(ع) بود و هر کجا آن‌ها را می‌یافت به قتل می‌رساند ... همچنین شیعیان را در مسجد جمع می‌کرد تا اظهار بیزاری از علی(ع) (کنند) (ابن عساکر، 1404، ج 9: 88).

در سال 45 هجری، یعنی پنج سال پس از شهادت علی(ع)، زیاد حاکم بصره شد و اندکی بعد، حکومت سرزمین‌های هند، خراسان و سیستان، بحرین و عمان نیز به وی سپرده شد و او توانست با سیاست‌مداری و خشونت این مناطق را رام و آرام کند. سپس در سال 50

هجری حکومت کوفه به زیاد سپرده شد. پیش از او مغیره بن شعبه، سیاستمدار نیرنگبازی که زمینه حکومت و خلافت یزید را فراهم کرد، حاکم کوفه بود. با مرگ مغیره، عراقین (بصره و کوفه) همزمان تحت حکومت زیادبن ابیه قرار گرفت و این نخستین بار بود که (کسی حکومت عراقین (کوفه و بصره) را در دست می‌گرفت (همان، ج 5: 234

اینک کسی قدرت را در دست گرفته بود که روزگاری دوست و همراه علی(ع) و شیعیان او بود و اکنون دشمن سرسخت آنان شده بود، و چون شناخت دقیق و گسترده‌ای نسبت به سران و رهبران و طرفداران علی(ع) داشت، شروع به سرکوب، زندان کردن، قتل، بیرون کشیدن چشم‌ها از حدقه، قطع دست و پا و تبعید و ویران کردن خانه‌ها کرد.

زیاد هرکس از یاران علی(ع) را که می‌یافت می‌کشت و بر درختان خرما به دار می‌زد. گفته‌اند چنان کرد که احدی از شخصیت‌های معروف شیعه در عراق باقی نماند. ابن ابی‌الحدید می‌گوید: اختناق به قدری شد که افراد به خادم و حتی همسر خودشان نیز اعتماد نداشتند و اگر می‌خواستند سخنی را به آنان بگویند قبلاً آن‌ها را قسم می‌دادند که مطالب را (به حکومت گزارش ندهند (ابن ابی‌الحدید، بی‌تا، ج 2: 45

ابن اعثم می‌گوید: زیاد به‌طور دائم در پی شیعیان علی(ع) بود و هر کجا آن‌ها را می‌یافت به قتل می‌رساند ... همچنین شیعیان را در مسجد جمع می‌کرد تا اظهار بی‌زاری از علی(ع) (کنند (ابن عساکر، 1404، ج 9: 88

یزید:

یزید پلید ترین انسان از زمان حضرت ادم تا روز قیامت است! جنایتهای او بزرگترین

مصیبت ها در جمیع اسمان ها و زمین را رقم زد!

یزید در مدّت کوتاه خلافت خویش که سه سال و چند ماه بیشتر طول نکشید، جنایات بزرگی مرتکب شد که هر یک از آن ها به تنهایی برای میزان خباثت این فرد پلید کافی است. از میان آن ها به سه جنایت مهم اشاره می شود

1- فاجعه خونین کربلا: مهمترین جنایتی که به دستور یزید در ابتدای حکومت وی انجام

شد، ماجرای خونین کربلای سال 61 هجری و شهادت امام حسین(علیه السلام) و یاران پاکبخته و با ایمان او و به اسارت بردن زنان و کودکان حریم نبوی(صلی الله علیه و آله) به دست عمّال وی می باشد

یزید در ابتدای حکومت خویش نامه ای به «ولید بن عتبّه» - والی مدینه - نوشت و از وی

خواست به هر قیمتی که شده از امام حسین(علیه السلام)، عبدالله بن عمر و عبدالله بن

(1).زبیر برای او بیعت بگیرد

مطابق نقل «ابن عثم» هنگامی که یزید از خودداری امام حسین(علیه السلام) و عبدالله بن

زبیر آگاه شد، نامه دیگری به ولید نوشت و در آن تأکید کرد که در صورت امتناع

حسین(علیه السلام) از بیعت، سرش را برای من بفرست، تا جوایز فراوانی نصیب تو

(2).شود

با امتناع امام(علیه السلام) از بیعت و حرکت به سمت مکه و کوفه، در نهایت کار به حادثه

کربلا ختم شد.

ماجرای خونین کربلا و جنایات لشکریان یزید و سرداران سپاه او در این واقعه در کتاب

های شیعه و سنی به طور مشروح آمده است و حتی میان غیر مسلمانان نیز مورد بحث و

بررسی قرار گرفته است و کتاب های فراوانی در این زمینه نوشته شده است

-

2-کشتار وسیع مردم مدینه: این فاجعه در ذی حجه سال 63 هجری واقع شد

پس از حادثه خونین کربلا و آگاهی مردم از ماهیت یزید و پلیدی و خباثت وی، و اعلام

قیام و جهاد از سوی «عبدالله بن حنظله غسیل الملائکه» و برخی دیگر از صاحب نفوذان،

انقلاب خونینی در مدینه آغاز شد.

مردم مدینه نخست با عبدالله بن حنظله تا پای جان بیعت کردند و آنگاه «عثمان بن محمد

بن ابوسفیان»، والی مدینه را بیرون کردند. بنی امیه در منزل مروان بن حکم اجتماع کردند

و همگی در آن جا محبوس شدند

مردم مدینه یزید را از خلافت خلع کرده و به بدگویی و سبّ و لعن وی پرداختند. یزید که

از ماجرا مطلع شد، لشکر عظیمی فراهم ساخت و فرماندهی آن را به عهده مردی خونریز

(5). به نام «مسلم بن عقبه» گذاشت

این فرمانده سفاک، پس از محاصره مدینه، مقاومت آنان را درهم شکست و به قتل و

غارت مدینه پرداخت و کشتار وسیعی را در این شهر به راه انداخت

ابن اثیر می نویسد: مسلم بن عقبه، مدینه را سه روز بر لشکریانش مباح ساخت که هر گونه

بخوانند در آن عمل کنند. آنان به کشتار وسیع مردم پرداخته و اموال آنان را نیز غارت

(6). کردند

- 3- آتش زدن کعبه: لشکر یزید پس از غارت مدینه برای نبرد با عبدالله بن زبیر به

(7). سوی مکه حرکت کرد. مسرف بن عقبه در بین راه به هلاکت رسید

وی به هنگام مرگ، به سفارش یزید، «حصین بن نمیر» را به فرماندهی لشکر انتخاب کرد.

لشکریان شام مکه را محاصره کردند و ابن زیبر را که به مسجد الحرام پناهنده شده بود،

مورد حمله قرار دادند. آنان با منجنیق، حرم الهی را آتش باران کردند که در نتیجه پرده

ها و سقف کعبه آتش گرفت و سوخت

مورخان نوشته اند که این آتش سوزی در سوم ربیع الاول سال 64 هجری واقع شده است

محاصره و درگیری شامیان با عبدالله بن زیبر و طرفدارانش ادامه داشت، تا آن که خبر

(8). مرگ یزید به شامیان رسید و پس از آن، آن ها متفرق شدند و به شام بازگشتند

آری، یزید در مدت کوتاه خلافتش، هر سالی را با جنایتی بزرگ سپری کرد و به جان و

مال و ناموس مسلمین دست تعرض دراز کرد و از همه عظیم تر، جنایت بزرگ عاشورای

سال 61 هجری را پدید آورد

این بحث را با جمله ای از «ذهبی» - دانشمند معروف اهل سنت - به پایان می بریم؛ وی در

معرفی یزید می نویسد

كَانَ نَاصِبِيًّا، فَظًّا، غَلِيظًا، جَلْفًا، يَتَنَاولُ الْمُسْكِرَ، وَ يَفْعَلُ الْمُنْكَرَ، إِفْتَتَحَ دَوْلَتَهُ بِمَقْتَلِ الشَّهِيدِ»

الْحُسَيْنِ، وَ اخْتَتَمَهَا بِوَاقِعَةِ الْحَرَّةِ؛ (یزید ناصبی (دشمن علی و خاندانش)، خشن، تندخو و

بی ادب بود. مسکرات می نوشید و مرتکب منکرات می شد. دولت وی با کشتن حسین

(9). (شهید آغاز و با واقعه حرّه (مدینه) پایان یافت

(10)! نفرین تمام نفرین کنندگان جهان بر او باد

أَمَّا بَعْدُ! فَخُذْ حُسَيْنًا وَعَبْدَ اللَّهِ بْنَ عُمَرَ وَ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ الزُّبَيْرِ» (1) **پی نوشت**
بِالْبَيْعَةِ أَخْذًا شَدِيدًا، لِيُسْتَفِيهِ رُخْصَةً، حَتَّى يُبَايَعُوا». (تاریخ طبری، ج 4، ص
250) و کامل ابن اثیر، ج 4، ص 14

وَلْيَكُنْ مَعَ جَوَابِكَ إِلَى رَأْسِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، فَإِنْ فَعَلْتَ ذَلِكَ فَقَدْ» (2)
جَعَلْتُ لَكَ أَعْنَةً الْخَيْلِ، وَ لَكَ عِنْدِي الْجَائِزَةُ وَ الْحِظُّ الْوَقْرُ». (فتوح ابن اعثم
(کوفی، ج 5، ص 26)

کامل ابن اثیر، ج 4، ص 120 و تاریخ طبری، ج 4، ص 374. (3)

حرّه» به معنای زمین سنگلاخی و سنگستان است و چون بخشی از مدینه از «
سنگلاخ و سنگ های آتش فشانی پوشیده شده است، آن منطقه «حرّه» نامیده شد و
به علت پیدایش این فاجعه در آن منطقه و نفوذ سپاه شام به مدینه از طریق
(«حرّه و اقم» به «واقعۀ حرّه» نیز معروف شده است. (لسان العرب، واژه حرّه

معاویه به یزید سفارش کرده بود که در صورت نقض بیعت توسط مردم
مدینه، آن ها را با مسلم بن عقبه درهم بشکن! (کامل ابن اثیر، ج 4، ص 112 و
(الامامه و السیاسة، ج 1، ص 231)

کامل ابن اثیر، ج 4، ص 117. (6)

پس از دفن مسرف در آن مکان و حرکت لشکر شام، زنی قبر وی را شکافت
و جنازه اش را به دار آویخت، مردم پس از اطلاع از این ماجرا، به آن مکان
(آمدند و جنازه اش را سنگباران کردند. (الامامة والسياسة، ج 1، ص 242

رجوع کنید به: تاریخ طبری، ج 4، ص 381-384؛ کامل ابن اثیر، ج 4، ص
123-124؛ الامامة و السیاسة، ج 1، ص 241 و ج 2، ص 19 و تاریخ الخلفاء، ص

. سير اعلام النبلاء، ج 5، ص 83 . (9)

گرد آوري از كتاب: «عاشورا ریشه ها، انگیزه ها، رویدادها، . (10)
پیامدها»، سعید داودی و مهدی رستم نژاد، (زیر نظر آیت الله العظمی ناصر مکارم
شیرازی)، انتشارات امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، قم، 1388 ه. ش، ص

ابن زیادو شمر و عمر بن سعدو حرمله و خولی !

عبدالله ابن زیادو زیردستانش در پرونده سیاه خود جنایتهایی چون بشهادت رساندن امام حسین علیه السلام و یارانش و اسارت اهل بیتش و بشهادت رساندن جناب مسلم بن عقیل و هانی بن عروه و دیگر شیعیان را ثبت نموده اند و با این جنایتهای بزرگ، تا ابد مورد لعن خوبان قرار گرفتند و مورد غضب الهی واقع شد و عذاب فراوانی در انتظار آنهاست..

در روایت است که امام زمان علیه السلام بعد ظهور، همه قاتلان امام حسین علیه السلام را زنده می کند و از آنها انتقام می گیرد.

مصعب بن زبیر:

مُصْعَب بن زُبَیر (کشته شده در سال ۷۲ قمری) فرمانده آل زبیر که به قیام مختار پایان داد.
مصعب از طرف برادرش عبدالله بن زبیر به حکومت بصره رسید. او پس از کشتن مختار،
پنج هزار نفر که به آنان امان داده بود، را نیز به قتل رساند

حجاج:

مشهور است که 120 هزار نفر شیعه بدست حجاج خونخوار بشهادت رسیدند!

عبدالملک مروان:

او قاتل امام سجاد علیه السلام و یکی از فرمانداران او همین حجاج خونخوار بوده است!

هشام بن عبدالملک:

او قاتل امام محمدباقر علیه السلام است

منصور داونقی:

او قاتل امام جعفر صادق علیه السلام است و معروف است که سادات را در لای دیوارها زنده دفن می نمود!

هارون:

او قاتل امام موسی کاظم علیه السلام است و دستور بشهادت رساندن سادات و شیعیان را داده بود

مامون:

او قاتل امام رضا علیه السلام است

معتصم:

او قاتل امام جواد علیه السلام است

معتمد:

او قاتل امام هادی و امام عسکری علیهما السلام است

هیتلر:

او عامل اصلی جنگ جهانی دوم بوده است! او میخواست بر دنیا حکومت کند!

جنگ جهانی دوم دومین جنگ جهانی بین سالهای ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵ بود که بیشتر کشورهای جهان از جمله قدرت‌های بزرگ در آن دخیل شدند. در این نیروهای تقابل‌گر در قالب دو اتحاد نظامی در برابر هم قرار گرفتند. این دو اتحاد نظامی یک جنگ تمام‌عیار به راه انداختند، که در اثر آن بیش از صد میلیون نفر در بیش از ۳۰ کشور جهان درگیر شدند. بیشتر شرکت‌کنندگان در این جنگ، تمام قدرت اقتصادی، صنعتی و توانایی‌های علمی‌شان را در جهت پشتیبانی نظامی بسیج کردند. با حدود ۷۰ تا ۸۵ میلیون کشته این جنگ به مرگبارترین درگیری نظامی در طول تاریخ بشریت تبدیل شد. تلفات ناشی از

بمباران‌های راهبردی، قحطی، بیماری و جنگ‌افزارهای هسته‌ای و هولوکاست در آمار خسارت انسانی جنگ جهانی دوم شمرده می‌شوند

استالین:

از ۱۹۲۴ تا ۱۹۳۸ استالین که رهبر شوروی بود «رفقا» ی کمونیست و هم‌حزبی‌ها و هم‌زمان سابقش را اخراج کرد و کشت، اخراج کرد و کشت، اخراج کرد و کشت... پس... از ۱۹۲۷ نزدیکترین یارانش، کامنف و زینویف را نیز از میدان به در کرد. تا اینکه تا اینکه نوبت به «ارباب بزرگ» رسید: ۱۹۳۶ تا ۱۹۳۸. در این دو سال وحشتناک حدود ۱٫۵ میلیون نفر (از جمله بخش عمده رهبران کمونیست شوروی) بازداشت و ۷۵۰ هزار نفر اعدام شدند. در نظام اردوگاهی گسترده شوروی، موسوم به «گولاگ»، ده‌ها میلیون نفر بازداشت شدند. به ناچیزترین بهانه‌ها فردی را به ۱۰ سال زندان محکوم می‌کردند. الکساندر سولژنیتسین، نویسنده نامدار روس که گولاگ را تجربه کرده بود و با کتاب «مجمع‌الجزایر گولاگ» این نظام اردوگاهی را به جهانیان معرفی کرد، تعریف می‌کند: خیاطی حین کار سوزنی را به روزنامه‌ای که بر دیوار بود زد. سوزن در عکس روزنامه، در چشم یکی از سیاستمداران کشور فرو رفت، خبرچینی این ماجرا را دید و گزارش کرد. !مرد خیاط به ۱۰ سال حبس در سیبری محکوم شد

قربانیان سرکوب استالین از شمار خارج است، اما مسئله‌ام در اینجا، قساوت او در کشتار رفقای انقلابی‌اش است. به جز چند مورد انگشت‌شمار، او همه رهبران انقلاب روسیه را به اسم انقلاب کشت! معروف است که هیتلر کمونیست‌ها را می‌کشت، اما در کمونیست‌گشی به گرد استالین نرسید! ضمن آنکه هیتلر، فقط در چند مورد رفقا و هم‌زمان سابقش را کشت

عیدی امین دادا اومه

Idi Amin Dada عیدی امین دادا اومه به انگلیسی

تاریخ تولد حدود ۱۹۲۵ و تاریخ مرگ ۱۶ آگوست ۲۰۰۳، رهبر خودکامه، دیکتاتور نظامی و همچنین سومین رئیس جمهور اوگاندا از ژانویه سال ۱۹۷۱ تا آوریل سال ۱۹۷۹ بود.

او که فرماندهی ارتش اوگاندا را در اختیار داشت، قدرت را با کودتا علیه میلتن اوبوته به چنگ آورد و در دوران حکومت خود در زمینه نقض حقوق بشر از جمله اعدام‌های خودسرانه، سرکوبی مخالفان سیاسی و اقلیت‌های قومی و اخراج آسیائیان از کشور کارنامه سیاهی از خود به جای گذاشت. مقتولان دوران فرمان‌روایی وی بین صد تا پانصد هزار نفر. شمارش می‌شوند.

پل پوت!

زاده ۱۹ مه ۱۹۲۵ - درگذشته ۱۵ آوریل ۱۹۹۸) سیاستمدار کامبوجی، Pol Pot پل پوت که پول پوت. که جنبش خمر سرخ به رهبری او از ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹ بر کامبوج حکم راند یک مائوئیست بود در سال ۱۹۷۵ با یک کودتا علیه سینگهام پادشاه این کشور قدرت را به دست گرفت و در مدت ۴ سال حکومت خمرهای سرخ دو میلیون نفر از جمعیت هشت میلیون نفری کامبوج را در کشتزارهای مرگ در گودال‌هایی که در زمین حفر کرده بودند، به رگبار بسته و سپس همانجا به خاک می‌سپاردند. سرنگونی خمرهای سرخ در سال ۱۹۷۹. با حمله ارتش ویتنام انجام گرفت

او اسیران را به سه گروه تقسیم کرده بود، گروه اول افراد کاملاً "راست، گروه دوم کاندیدها و گروه سوم ذخیره‌ها که گروه سوم را به منظور نابودی و کشتار لیست برداری می‌کردند و پیوسته از رادیوی سراسری کامبوج ادعا می‌کردند که تنها برای دوباره سازی مزارع

اشتراکی به تعداد یک میلیون و یا دو میلیون نیاز است و بقیه بیهوده زندگی می‌کنند و ضرب المثل معروف خود پل پوت (نگهداری تو هیچ نفعی ندارد، نابودی تو نیز هیچ ضرری ندارد) نیز بوی غلیظی از کشتار را به مشام همه می‌رساند

صدها هزار از مردم کامبوج که تحت نام ذخیره‌ها، طبقه بندی می‌شدند در مزارع مرگ با دست خودشان قبرهای دسته جمعی شان را می‌کنند و سپس سربازان پل پوت آنها را با اشیاء فلزی، پتک و چکش می‌زدند تا بمیرند و یا گاهی نیز همان طور زنده زنده بر روی آنها خاک می‌ریختند

ولاد سوم

Vlad III, Vlad ، ولاد سوم، ولاد به میخ‌کشنده یا ولاد دراکولا به رومانیایی Vlad Tepes زاده ۱۴۳۱ - مرگ دسامبر ۱۴۷۶) وویوودای (Drăculea, (تسپیش) Țepeș افلاخونیه (رومانی کنونی) بود

او در سه بازهٔ زمانی فرمانروایی کرد؛ ۱۴۴۸، ۱۴۵۶ تا ۱۴۶۲ و ۱۴۷۶. او را بیشتر از برای مجازات‌های سنگینی که در روزگار فرمانرواییش اعمال می‌کرد می‌شناسند. شخصیت او را الهام‌بخش داستان دراکولا دانسته‌اند

بیش از 20 هزار مرد و زن و کودک در دوران فرمانروایی او کشته شدند

ایوان مخوف!

ایوان چهارم واسیلیویچ متولد ۲۵ اوت ۱۵۳۰ در مسکو، و Ivan IV of Russia در گذشته در ۱۸ مارس ۱۵۸۴ میلادی در مسکو یکی از تزاران امپراطوری روسیه بود. به Ива́н (به روسی) «ایوان مخوف» خاطر جنایات بی‌بدیلش در کشور روسیه به او لقب داده‌اند (Гро́зный).

او در سال ۱۵۵۳ به شاهزادگی اعظم مسکو رسید. در زبان روسی به او لقب داده‌اند که به معنای توانایی قدرت و سختی است. هر چند که در (Grozny) گروزنی فارسی امروز آن را مخوف ترجمه نموده‌اند.

او حدود هزار نفر را در ماهیتابه سرخ کرد و سوزاند.

سرانجام ایوان مخوف در سن ۵۵ سالگی در روز ۱۸ مارس ۱۵۸۴ میلادی در مسکو در حین بازی شطرنج بر اثر سکته قلبی درگذشت و در پی مرگش روسیه برای چندین دهه دچار آشوب و هرج و مرج گردید.

لئوپولد دوم

Léopold Louis Philippe Marie Victor به فرانسوی **لئوپولد دوم**

زاده ۹ آوریل ۱۸۳۵، درگذشته ۱۷ دسامبر ۱۹۰۹ دومین پادشاه بلژیک بوده است.

او که در بروکسل به دنیا آمد، دومین پسر لئوپولد یکم و لوییز اورلئان بود. وی بعد از پدرش در ۱۷ دسامبر ۱۸۶۵ به تخت نشست و تا زمان مرگ پادشاه بلژیک بود. این پادشاه خونخوار بلژیکی در طول مدت اشغال جمهوری دمکراتیک کنگو موجب قتل و مرگ بیش از ۱۰ میلیون نفر از مردم این کشور شد.

نسل کشی ارمنی‌ها

نسل کشی ارمنی‌ها که به پاکسازی نژادی و کشتار ارمنه نیز معروف است در سال‌های ۱۹۱۵ تا ۱۹۱۷ همزمان با جنگ جهانی اول علیه ارمنه ساکن در سرزمین‌های مستعمره عثمانی رخ داد. در این نسل کشی ترکان عثمانی نزدیک به یک میلیون و ۸۰۰ هزار ارمنی را از خانه‌های خود بیرون کردند و پس از رها کردن آن‌ها در بیابان‌ها، در گروه‌های بزرگ به قتل می‌رساندند. در این کشتار جمعی ۵۰ درصد جمعیت ارمنی‌های ترکیه امروزه به قتل رسیدند.

کشتار جمعی اندونزی

در سال‌های ۱۹۶۵ و ۱۹۶۶ به تحریک ارتش و دولت وقت اندونزی نزدیک به ۳ میلیون نفر در جریان پاکسازی کمونیست‌ها کشته شدند.

نسل کشی رواندا

درگیری‌های میان دو قوم «هوتو» و «توتسی» در سال ۱۹۹۴ رواندا به دنبال سقوط هواپیمای رئیس‌جمهور وقت این کشور و شرایط بی‌حکومتی رخ داد. در این نسل‌کشی ۱۰۰ روزه که عنوان تاریک‌ترین فاجعه انسانی را گرفته بیش از ۸۰۰ هزار مرد و زن و کودک کشته شدند و به ۵۰۰ هزار زن تجاوز شد.

نسل کشی یونان

نسل‌کشی یونان کشتار منظم جمعیت یونانی مسیحی سرزمین عثمانی در سال‌های ۱۹۱۴ تا ۱۹۲۲ بود که در طول جنگ جهانی اول در آناتولی رخ داد و نزدیک به ۹۰۰ هزار یونانی که ۲۵ درصد جمعیت یونانی منطقه آناتولی بود کشته شدند. این نسل‌کشی نیز با هدف پاکسازی نژادی رخ داد.

کشتار سربرنیتسا

در این کشتار که بزرگ‌ترین نسل‌کشی در اروپا پس از جنگ جهانی دوم محسوب می‌شود بیش از ۸ هزار مرد و پسر ساکنان مسلمان بوسنی در شهر مسلمان نشین سربرنیتسا از

سوی ارتش صرب قتل عام شدند. به رغم گذشت بیست و پنج سال هنوز از گورهای جمعی این منطقه هزاران استخوان انسان خارج می شود

بمباران شیمیایی حلبچه

در اسفند ۱۳۶۶ حکومت بعث عراق در واکنش به آنچه که همکاری کردها با نیروهای ایرانی و خیانت به صدام نامیده می شد، شهر مرزی حلبچه را بمباران شیمیایی کرد. علی حسن المجید معروف به علی شیمیایی که پسرعمومی صدام نیز بود دستور بمباران شیمیایی این شهر را اجرا کرد. در پی این حمله حدود ۵ هزار تن از مردم حلبچه که غیرنظامی بودند، کشته شدند

نسل کشی روهینگیا

در سالهای ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ **دولت میانمار** با هدف پاکسازی قومی و با مطرح کردن ادعای همکاری مسلمانان روهینگایی با گروه های تروریستی علیه جمعیت بوداییان به آنها حمله کرد. این حملات باعث شده نزدیک به یک میلیون مسلمان روهینگایی به سمت مرزهای بنگلادش فرار کنند. بیش از یک هزار روهینگایی در این حملات کشته شدند و به هزاران زن تجاوز شد

کشف سومین گور دسته جمعی کودکان بومی در کانادا

در کانادا بقایای اجساد ۱۸۲ کودک دیگر در محل یک مدرسه شبانه‌روزی کلیسای کاتولیک پیدا شده است.

به گزارش ایسنا، جاستین ترودو، نخست‌وزیر کانادا دستور داد تا روز پنجشنبه هم‌زمان با جشن ملی، پرچم این کشور همچنان به حالت نیمه‌افراشته باقی بماند. دلیل دستور ترودو، کشف یک گور دسته‌جمعی جدید در مدارس شبانه‌روزی سابق کودکان بومی است.

به گزارش دویچه وله، پرچم کانادا از اواخر ماه مه سال جاری به حالت نیمه‌افراشته درآمده است. در آن زمان بقایای اجساد ۲۱۵ کودک در یک مدرسه شبانه‌روزی سابق برای کودکان بومی در نزدیکی شهر کوچک کامپلوپس در ایالت بریتیش کلمبیا پیدا شده بود.

پیش از آن نیز در یک مدرسه شبانه‌روزی کاتولیک دیگر در ایالت ماریول ساسکاچوان، کارشناسان ۷۵۱ قبر ناشناس پیدا کردند.

روز چهارشنبه سومین گور دسته‌جمعی کودکان پیدا شد.

از مهم‌ترین اقوام بومی کانادا گفتند اجساد (First Nation) جامعه فرست نیشن کودکان کشته شده که در عمق یک متری دفن شده بودند، دانش‌آموزان مدارس شبانه‌روزی بین هفت تا ۱۵ سال بودند.

کشف گورهای دسته‌جمعی کودکان خشم و انزجار مردم را برانگیخته و و در روزهای گذشته کلیساهای کاتولیک به آتش کشیده شدند. در تازه‌ترین مورد هم پس از کشف گور دسته‌جمعی کودکان دو کلیسای دیگر کاتولیک به آتش کشیده شد.

در گذشته، ۱۵۰ هزار کودک بومی کانادا به اجبار از خانواده‌هایشان جدا و در مدارس و اماکن کلیسای کاتولیک اسکان داده شدند. بسیاری از این کودکان مورد بدرفتاری یا سوء

استفاده جنسی قرار گرفتند. بیش از سه هزار و ۲۰۰ نفر از این کودکان در نتیجه این آزار و اذیت‌ها کشته شدند.

در یک تحقیق شش ساله که گزارش آن سال ۲۰۱۵ منتشر شد از این اقدام به عنوان "قتل عام فرهنگی" یاد شده است. در این گزارش، جزئیاتی از آزارهای وحشتناک جسمی، تجاوز، سوء تغذیه و دیگر جنایات بیان شده است.

مدارس کاتولیک از سال ۱۸۴۰ تا دهه ۱۹۹۰ توسط کلیساها اداره می‌شدند.

در نتیجه جنایاتی که انجام گرفته نه تنها کودکان بلکه بزرگسالان بومی نیز سرنوشت تلخی داشتند. در حال حاضر هم بومی‌های کانادا مشکلات اجتماعی فراوانی مانند اعتیاد به الکل دارند. میزان خودکشی نیز در میان آنان افزایش یافته است.

جنايات شاهان ايران!

جنايات شاه اسماعيل

شاه اسماعيل پس از فتح #شيراز و شهرهاى اطراف در 882 خ دستور قتل عام صادر مىکند. مداحان فتوحات اين شاه شريعت پناه با افتخار نوشته اند که قزلباشان سگ ها و گربه هاى اين شهرها را هم به اتهام ناصبى بودن قتل عام کردند.

دراواخر همان سال شاه به سمت سمنان حرکت مىکند. قزلباشان قتل عام را از ولايات اطراف شروع مىکنند. غياث الدين خواندمير مینويسد "مردم اين آبادى ها تماما از صغير و کبير، پير و جوان عرصه تيغ شدند و در آن ديار کسى زنده نماند."

شاه اسماعيل سپس راهى سوادکوه مىشود. حاکم سوادکوه حسين کيای چلاوى به قلعه اى درکوهستان پناه مىبرد. پس از محاصره و قطع آب ورودى قلعه، حسين کيا حدود 50 روز مقاومت مىکند و سرانجام به سبب کمبود آب تسليم مىشود.

شاه اسماعیل دستور میدهد حسین کیا رادرون قفسی چوبی بگذارند. سپس زن و دختر و پسر و برخی از نزدیکانش را در برابر قفس او، برهنه میکنند و بدستور شاه تعدادی قزلباش باوحشیگری تمام مشغول تجاوز به اعضای خانواده و نزدیکان وی میشوند.

درپایان بدستور شاه سیخ بلندی را از بدن آنان عبور میدهند. بطوریکه یکسرش از زیر پوست آخرین ستون فقرات میگذشت و یکسر دیگر از پشت گردن بیرون می آمد، سپس آن بیچارگان را که از درد و خونریزی بخود میپیچیدند بر فراز آتش گرفتند تا اندک اندک و درمیان ضجه های جانخراشان بریان شوند.

حسین کیا که شاهد تجاوز و به سیخ کشیدن عزیزانش است، گردن خود را به چوب قفس میسابد تا رگ او پاره شود و بیش از این شاهدضجه های عزیزانش نباشد. قزلباشان متوجه شده و مانع از خودکشی او میشوند.

سپس قزلباشان بدستور شاه گوشت کباب شده لاشه این افراد را خورده و استخوان هایشان را به آتش انداخته و خاکسترشان را بر باد دادند.

لب التواریخ عبداللطیف قزوینی

در آخر و بدستور شاه بدن حسین کیا را خراشیدند و بر زخم‌ها و خراش‌ها شیره مالیدند و قفس او را پُر از مورچه و حشرات کردند. وی چند روزی بسختی زیست. پس از آن درون زخم‌ها کرم ایجاد شد و از شدت هجوم حشرات و عفونت زیاد، در گذشت. جسدش را سوزاندند و خاکسترش را برباد دادند.^۳

کشتن سادات و زن و بچه‌ها

در حمله شاه اسماعیل به هرات یکی از ولایت‌های بین راه را محاصره نموده و قلعه مذکور را جبراً قهرماً فتح نمود و تمام اهل قلعه را قتل فرمود. سادات آنجا با عیال و اطفال پناه به مسجد جامع آن بلده برده و کسی را نزد سردار قزلباش فرستاده عرض نمودند که: ما از منتسبان دودمان خاندان نبوی و مرتضوی ایم و مترصد حمایت و عنایت آن زبده آل [شاه] مانده ایم، ولی سردار قزلباش دستور داد تمام سادات، زنان و اطفال را به قتل برسانند.

چگین‌ها (آدمخواران قزلباش): قزلباش‌ها یا فداییان شاه

شاه اسماعیل صفوی که نفش موثری در به قدرت رسیدن وی ایفا کردند عموماً از قبایل نه گانه تاتار اناتولی (ترکیه امروزی) بودند که تا پیش از همراهی با شاه اسماعیل هرگز وارد ایران نشده بودند و با زبان و فرهنگ و مذهب مردم به کلی بیگانه بودند. برخی از مورخان جنایات و فجایعی که این گروه در آغاز تشکیل دولت صفوی ابتدا در تبریز و بعدها در دیگر نقاط ایران مرتکب شدند را با جنایات اسکندر

تاریخ شاه اسماعیل صفوی، امیرحسین خنجی^۳

وچنگیز قابل مقایسه دانسته اند. قزلباشان شاه اسماعیل را بر گزیده خداوند بر روی زمین و نماینده و نایب امام زمان می دانستند و حاضر بودند در راه او به هر جنایتی دست یازند. در میان قزلباشان عده ای بودند که به چگین ها یا ادمخواران معروف بودند. اینان مردمانی سنگدل و بیرحمی بودند که به فرمان شاه دشمنان او را می خوردند. ترتیب خوردن انسان ها چنین بود که ابتدا گوشش را با دندان می کنند و می خوردند سپس به سراغ بینی و گوشت بازوان و ران های قربانیان می رفتند. این کار را تا وقتی که فرد کشته می شد ادامه می دادند. این رفتاری بود که چگین های شاه طبق "حکم ولایی" با بسیاری از بزرگان ایران و حتی مردم عادی داشتند. یکی از کسانی که جسدش به دستور شاه اسماعیل توسط ادمخواران تکه پاره گردید شهید خان (شهبیک خان) حاکم وقت نواحی وسیعی از شمال شرق ایران بود. مولف جهانگشای خاقان در وصف نحوه ادمخواری قزلباشان می نویسد: "شاه اسماعیل فرمودند هر که سر مرا دوست دارد از گوشت دشمن من طعمه سازد. به مجرد سماع این فرمان ازدحام برای اکل میته شهبیک خان به مرتبه ای رسید که صوفیان تیغ ها کشیده قصد یکدیگر نمودند و ان گوشت متعفن با خاک و خون اغشته را به نحوی از یکدیگر ربودند که چرغان شکاری در حال گرسنگی اهورا بدان رغبت از یکدیگر بر بایند.

کشتن پیرمرد بیگناه

شاه صفی بسیار سختگیر و بی گذشت بود و گاهی در مجازاتهایش تا حد قساوت پیش می رفت. در یکی از روزها که وی مشغول شکار بود، مردی بینوا که نماینده روستایی بود از پشت سنگی بیرون آمد تا برای شکایت از حکام ایالتی که با رعایایش بدرفتاری می کرد عریضه ای به شاه بدهد. ماه ها در دربار معطل مانده بود بی آنکه بتواند به شاه نزدیک شود یا کسی را بیابد که عریضه اش را به حضور شاه ببرد، زیرا هر حاکم ایالت دیگر نیز مانند حاکم شیراز بزرگانی در دربار دارد که به ملاحظه هدایایی که برای آنها می فرستد از او حمایت می کنند و هر چیزی که بتواند سود و زیانی برای او داشته باشد به اطلاعش می رسانند. پیرمرد با کاغذی که در دست داشت از پشت سنگ بیرون آمد و فریاد کشید: «شاهها به داد من برس.» شاه صفی بی آن که پاسخی به او بدهد کمان را گرفت و دو تیر به سوی پیرمرد

انداخت و او را کشت. آنچه شاه صفی را به چنین عمل سفاکانه‌ای واداشت، حضور چند تن از زنانش در آن شکارگاه بود. در این برخوردها هر شخصی سر راه شاه یا حتی نواحی مجاور پیدا شود هیچ بخشی وجود ندارد

قتل و کور کردن دولت‌مردان و خانواده سلطنتی

شاه صفی

[درباره کشتن دو عموی کور خود]: چون کورند وجودشان بیفایده است .

بازهم جنایات شاه صفی

شاه صفی چند سال پس از رسیدن به تاج و تخت، برای هر کسی که شک، سوءظن یا بی‌علاقگی داشت دستور به قتل می‌داد. در زمان جانشینی شاه صفی، عمه او زبیده‌بیگم، که دارای سه فرزند بود با حامیانش به مخالفت با جانشینی شاه صفی پرداختند. زبیده بیگم در اواخر حکومت شاه عباس بزرگ، پسر بزرگ خود را نامزد سلطنت کرد که با مخالفت روبه‌رو شد. شاه صفی او را متهم به تلاش برای مسموم کردن خود نمود و نهایتاً در سال ۱۶۳۲ میلادی زبیده بیگم، شوهرش (عیسی خان قورچی باشی) و فرزندان‌ش به دستور شاه صفی به قتل رسیدند.

در همین سال؛ زینل خان شاملو سپهسالار، حیدرسلطان قویله حصارلور و ملو، چهار پسر خلیفه سلطان و یک یا دو پسر میرزا محسن رضوی متولی‌باشی مشهد مقدس و یک پسر میرزا رضی صدر و دو یا سه پسر میرزا رفیع که از نبیره‌های شاه عباس بودند، همگی به امر شاه صفی کور شدند یا به قتل رسیدند. همچنین، چهار پسر حسن خان استاجلو که از نوادگان شاه طهماسب یکم بودند در شهر قم و ساوه به قتل رسیدند. تخته‌خان استاجلو، میر محمد طاهر وزیر عیسی‌خان، چراغ‌خان قورچی‌باشی. سنجر میرزا و

پسرش، همچنین پسر شاه ظهیرالدین علی که از نوادگان شاه اسماعیل دوم بود کور شدند. سلطان حسین خان پسر علی قلی میرزا شاملو که از نییره‌های دختری شاه اسماعیل دوم بود به قتل رسید. از غلامان گرجی و چرکسی که به قتل رسیدند می‌توان از یوسف آقا و جمع کثیری از نزدیکان و یاران وی، و نیز امام‌قلی خان والی فارس و سه پسرش به نام‌های صفی‌قلی خان، فتح‌علی بیگ و علی‌قلی بیگ نام برد. از میان وزرای فارس‌زبان، مهم‌ترین شخصیتی که کشته شد میرزاطالب خان اردوبادی است.

شاه صفی، تنها برادر خود سلطان‌سلیمان میرزا، عموی کور خود محمد میرزا و امام‌قلی میرزا و حتی نجف‌قلی میرزا (پسر امام‌قلی میرزا) به قتل رساند. بر اساس نظر پروفیسور دیوید بلو، توطئه دادگاه ۱۶۳۲ که ریشه‌اش از حرم‌سرا و از اقلیتی از زنان که ضدحکومت شاه صفی بودند، نشأت می‌گرفت، منجر به دستور زنده‌به‌گور کردن ۴۰ نفر از زنان حرم شد.

دخترهای شاه عباس نیز عاقبتی بهتر از پسران شاه و دایی‌هایشان نداشتند و اکثر نوه‌های دختری شاه عباس نیز توسط پسر دایی خود (شاه صفی)، کور شدند.

بنا به گفته دانشنامه ایرانیکا، با وجود اینکه زینل‌خان، ابوالقاسم‌بیگ و زینب بیگم پادشاه شدن شاه‌صفی را پشتیبانی کرده بودند، باند رستم‌بیگ دیوان‌بیگی برای انحصار قدرت باعث حذف این عده شد. [۲۶] در زمان مرگ شاه‌صفی، ساروتقی و مادر شاه عباس دوم در دربار قدرت را بدست گرفته و سیطره رستم‌بیگ و غلامان خاصه را پایان داده بودند.

خشونت شاه صفی

برای نشان دادن خشونت شاه صفی مثال می زنند که در سال ۱۰۴۲ ه.ق / ۱۶۳۲ میلادی، حاکم قم به حکم شخصی خود، بدون این که به شاه صفی بنویسد، عوارض مختصری به سبدهای میوه که وارد شهر می شد بسته بود. هنگامی که خبر به شاه رسید، به قدری متغیر شد که دستور داد حاکم را با زنجیر به اصفهان بردند. پسر این حاکم از محارم شاه بود و توتون و چپق مخصوص به شاه می داد، شاه صفی حکم کرد تا پسر سیبیل های پدرش را بکند، بعد بینی او را ببرد، بعد گوش ها و چشم ها و دست آخر سر او را از تنش جدا کرد. بعد از این کار، شاه صفی؛ پسر را به جای پدر حاکم قم کرد و پیرمرد عاقلی را به نیابت او مقرر داشت [۴۲] و او را با حکمی بدین مضمون به قم فرستاد:

« اگر تو از آن سگ که به درک رفت بهتر حکومت نکنی، تو را به سخت ترین شکنجه خواهیم کشت

جنايات نادرشاه

نادرشاه و کور کردن پسرش... نادرشاه و مردی که برایش سنگی از افغانستان آورد و کور شد... نادر و

سربازی که او را نجات داد ولی نادر ا را کور کرد **شهید کردن یک روحانی بیگناه**

جد هفتم آیت الله مشکینی، به نام ملا محمد تقی، در همین روستای آلینی زندگی می کردند و محبوبیت فراوانی در میان اهل روستا داشتند. در آن زمان که دوران حکومت نادرشاه بود - گویا نادرشاه، از طرف ترکیه با سپاه خودش می آمده، که به روستای آلینی می رسد. ایشان نقل مراجعه می کردند. وقتی نادرشاه به چشمه آب می رسد، زن و مرد و دختر و پسر، مشغول برداشتن آب از چشمه بودند. نادرشاه تشنه آب بوده و دختر بچه ای کوزه آب خود را به ایشان می دهد. نادرشاه آب را که می خورد، نگاهی به چهره این دختر می اندازد و مجذوب او می شود.

به دختر می گوید: «شما بیا با من باش». دختر بچه می ترسد و فرار می کند و به ده می آید و در خانه جد آیت الله مشکینی بست می نشیند. نادرشاه دستور می دهد که آخوند روستا را که همان جد ایشان ملا

محمد تقی بود - احضار کنند. وقتی او را پیش نادرشاه می آورند، نادرشاه به او دستور می دهد که: «عقد این دختر را برای من بخوان!». ایشان هم طبق ضوابطی که هست، پدر و مادر دختر را می خواهد و می گوید که: «ایشان می خواهد با دختر شما ازدواج کند». آنها می گویند که: «مایل نیستیم و نمی خواهیم». ایشان به نادرشاه می گوید که: «من نمی توانم صیغه عقد را اجرا کنم، چون پدر و مادر دختر راضی نیستند».

نادرشاه می گوید: «تو کاری به این کارها نداشته باش. کار خودت را بکن و عقد را بخوان». ایشان میگوید: «نمیخوانم» و به دلیل همین امتناع، نادرشاه دستور میدهد که خمیری را به شکل عمامه آماده می کنند و به جای عمامه روی سر ایشان می گذارند و روغنی را داغ می کنند و وسط این خمیر - که همان مغز سر این عالم متقی بوده - می ریزند و ایشان به خاطر دفاع از حق این دختر و پدر و مادر، شهید می شوند.

کشتن زنان بیگانه

شاه عباس دوم روزی در حرمخانه باده زیادی خورده و به سه نفر از بانوان دستور داد که آنها هم بنوشند. آنها پوزش خواستند و گفتند که به زودی به حج خواهند رفت. شاه سه بار دیگر پافشاری کرد و به آنها گفت که باده بنوشند: بانوان به همین سخن پوزش خواستند. شاه بی درنگ فرمان داد هر سه را بستند و آتش بسیاری افروخته آنها را در آتش سوختند.

شاه عباس دوم بار دیگری در پی زیاده روی در نوشیدن باده، به یکی از بانوان حرم گفت که او هم باده بنوشد و آن بانو از نوشیدن باده خودداری کرد. شاه خشمگین برخاست و به بزرگ خواجه سرایان گفت که او را نیز مانند آن سه بانوی دیگر در آتش انداخته بسوزانند. آغاباشی می خواست فرمان شاه را به انجام رساند اما در برابر گریه و زاری و درخواست های آن بانو، دلش به رحم آمد و پیش خود گفت که شاه این بانو را دوست دارد فردا که به هوش بیاید او را خواهد بخشید.

از این روی، آن بانو را نکشت. بامداد که شاه از خواب برخاست از آغاباشی پرسید که فرمان را انجام دادی؟ پاسخ شنید که فرمان شاهانه را به تعویق انداختم تا شاید پادشاه اندیشه خود را دگرگون سازد. شاه بی درنگ فرمان داد آغاباشی را در آتش انداخته سوزانیدند و آن بانو را بخشید.

جنایت زکی خان از حکام زندیه

زکی خان زند چون به منزل ایزدخواست درآمد که اهالی آنجا را طلبیده و ادعا کرد که مبلغی از مالیه " را مخفی داشتند و باید از عهده برآیند یکی از محرران انگلیسی می نویسد که مبلغ فوق فقط سیصد تومان بود و چون اهالی ایزدخواست از وقوف بر آن مبلغ انکار ورزیدند و گفتند نمی توانند از عهده ادای آن برآیند حکم کرد تا هجده نفر از روسای آنان را از بالای غرفه ای که خود سکونت داشت بزیور انداختند و به این نیز راضی نشده و یکی از سادات را که به زهد و صلاح اشتهار داشت فرمود تا حاضر کردند و گفت قدری از مبلغ مزبور در نزد توست سید بیچاره بر بیگناهی خود استدلال کرد ولی به جایی نرسید لاجرم او را بعد از آنکه با خنجر کارش را ساخت چون دیگران از بالا به زیر انداختند و بعد از آن فرمان داد تا زن و دخترش را به قراولان مافی بسپارند اما مافیان با وجود سببیت و بهیمیت طبیعی بر این بیرحمی انکار کرده بر قتل زکی خان اتفاق نمودند و بر سر وی ریخته و کار او را یکسره کردند."^۴

محمدعلی شاه قاجار

محمدعلی شاه قاجار (۱۲۵۱-۱۳۰۴ خورشیدی) ششمین پادشاه از دودمان قاجار بود. او در ۱۲۸۵ خورشیدی به سلطنت رسید و به مخالفت با مشروطه پرداخت. مجلس شورای ملی را به توپ بست و آزادیخواهان (از جمله قیام‌های شهری و تنگستانی) را به قتل رساند!

رضاخان:

⁴ <http://www.binesh64.blogfa.com/post/4/>

کشتار و تبعید بیش از ۲۴ هزار نفر از مردم ایران یکی از جرم های رضاخان قلدر است!

برخی جنایات رضاخان به ایران

1. کشتن شعرا، روشنفکران و ادیبانی همچون فرخی یزدی، میرزاده عشقی، واعظ قزوینی و دویست نویسنده و روشنفکر ایرانی و بشهادت رساندن ایه الله سید حسن مدرس
2. تبعید و قتل نقاش بنام ایرانی کمال الملک به جرم استفاده از بورسیه حکومت قاجار برای تحصیل نقاشی
3. قلع و قمع عشایر ایران با سیاست تخته قاپو کردن با کشتار هزاران تن از آنها
4. مقاومت نکردن حتی یک روز در برابر لشکر متفقین و تسلیم بی چون و چرای کشور به بیگانگان در جنگ جهانی دوم
5. قتل عام و مجروح شدن بیش از 1500 تن از مردم عادی مشهد در مسجد گوهرشاد به جرم اعتراض (به بخشنامه‌ی اجباری شدن کلاه‌فرنگی برای ایرانیان (کلاه‌شاپوی فرانسوی
6. قتل بیش از 24 هزار تن به انحاء گوناگون به دست مأموران امنیتی شهربانی رضاخان

از جمله قتل و ترور سران ایللیاتی به‌ویژه بختیاری‌ها و قشقایی‌ها پرداخت. قتل 25 تن از دلیرترین سران قشقایی و بویراحمدی و ممسنی

علاوه بر مأمورانی از شهربانی که تخصص آنها سم خوراندن و یا خفه کردن کسانی بود که به دستور رضاشاه و ریاست شهربانی دیگر ضرورتی به زنده ماندن آنها احساس نمی‌شد، روش آسان‌تری هم برای از میان برداشتن و به قتل رسانیدن مخالفان وجود داشت و آن بهره‌گیری از تخصص پزشکانی ماهر و حاذق در تزریق آمپول هوا و نظیر آن به بخت‌برگشتگان سیاسی و نیز غیرسیاسی در بیمارستان شهربانی و یا محلی دیگر بود. در تمام دوران سلطنت مخوف رضاشاه، دست کم، دو تن را می‌شناسیم که به همین عنوان نام‌آور شدند. اولین آنها دکتر علیم‌الدوله و دومین آنها پزشک احمدی بود. پزشک احمدی (که پیش از آن شاگرد دوافروش بود)، طی دوران ریاست مختاری بر شهربانی، قتل درمانی مخالفان را برعهده داشت و در این وظیفه خطیر بسیار هم با موفقیت عمل می‌کرد

محمدرضا پهلوی:

بر اساس اسناد خارجی مکزیکو:

شاه مخلوع، ۳۶۰ هزار ایرانی را در ۳۰ سال کشت

این عده کشته یا اعدام شده و یا زیر شکنجه جان سپرده اند و گناهشان این بوده که از سیاست خارجی و داخلی و اقتصادی شاه انتقاد میکردند طبق سند منتشر شده تنها در سالهای ۱۹۷۷_۱۹۷۸ میلادی (۵۶_۵۷ شمسی)

۱۱۳ هزار نفر بدست پلیس مخفی شاه سازمان ساواک به قتل رسیده اند .

روزنامه کیهان ، ۷ مرداد ۱۳۵۸ ☞

کشتار پانزده خرداد و کشتار هفده شهریور و کشتن هزاران نفر از مردم ایران به جرم
انقلابی بودن از جرم های محمد رضای پهلوی است!

جنايات دولتها!

دولت اسرئيل:

دولت غاصب اسرئيل از ابتدا با جنايت و ادمكشي شروع شد و تاكنون بدست اين دولت
كودك كش! هزاران نفر از فلسطيني ها و غير فلسطيني ها كشته شده اند.

به مشهورترين جنايات رژيم صهيونيستي عليه ملت فلسطين پرداخته شده است

«كشتار» دير ياسين

در بامداد روز نهم آوريل سال ۱۹۴۸ نيروهاي موسوم به «آرگون» رژيم صهيونيستي از
مناطق شرق و جنوب وارد روستاي «دير ياسين» و نيروهاي «اشتيرن» نيز از قسمت شمال
وارد اين روستا شدند و بدين گونه روستا از هر طرفي بجز طرف غربي به محاصره درآمد

ساكنان روستا كه همگي در خواب بودند با اين اقدام غافلگير شدند؛ آنها در ابتدا به مقابله
با صهيونيست ها پرداختند كه اين امر منجر به هلاكت ۴ تن از مهاجمان و زخمى شدن ۴۰
تن ديگر شد. پس از اين موضوع، صهيونيست ها به منظور مقابله با پايداري ساكنان روستا،
از نيروهاي «بالمخ» در يكي از پادگان هاي نظامي در نزديكي قدس طلب كمك گرفتند،
اين نيروها اقدام به گلوله باران توپخانه اي اين روستا نمودند تا زمينه حمله متجاوزين را

فراهم کنند و با فرا رسیدن ظهر روستا به کلی از حضور نیروهای مقاومت خالی شد، بنابراین نیروهای آرگون و اشتیرن به شیوه تروریستی خود برای قتل عام ساکنان روستا روی آوردند.

بدین ترتیب مهاجمان از طریق منفجر ساختن منازل ساکنان روستا، آن را اشغال کردند و پس از تمام شدن دینامیت‌ها و مواد منفجره، از طریق بمب و توپخانه اقدام به کشتار عناصر مقاومت نمودند و تمامی مردان و زنان و کودکان و سالخورده‌هایی را که در داخل منازل حضور داشتند، هدف تیراندازی های خود قرار می دادند.

متجاوزین ده‌ها تن از ساکنان روستا را کنار هم قرار داده و به طرف آنان تیراندازی می کردند و ۲ روز کامل کشتارها و جنایت های خود را ادامه دادند. نظامیان صهیونیست کشتاری شامل شکنجه، هتک حرمت، قطع اعضا، پاره کردن شکم زنان باردار و ... را به راه انداختند و ۵۳ کودک را از دیوارهای محله قدیمی قدس به پایین پرت کردند و ۲۵ تن از مردان این روستا را در اتوبوس هایی حبس کرده و همانند ارتش قدیم رومانی، آنان را به نشانه پیروزی در خیابان های شهر قدس چرخانده و در نهایت تیرباران کرده و به شهادت رساندند.

تخمین زده می‌شود در این جنایت بین ۲۵۰ تا ۳۶۰ فلسطینی به شهادت رسیده باشند؛ صهیونیست‌ها اجساد قربانیان را در چاه‌های آب روستا انداخته و درهای آن را به منظور سرپوش نهادن بر جنایت‌های خود بستند.

«جنایت» کفر قاسم

بیش از نیم‌قرن از زمانی که نیروهای صهیونیستی در روستای فلسطینی کفر قاسم ۴۷ نفر از جمله زنان و کودکان را به ضرب گلوله کشتند، می‌گذرد، اما این رسوایی همچنان در یادها زنده است.

اندکی پس از ساعت ۱۷ روز ۱۲۹ اکتبر ۱۹۵۶، پلیس رژیم صهیونیستی بدون اعلام قبلی در شش روستای فلسطینی از جمله کفر قاسم پست‌های ایست و بازرسی برپا کرد. سرگرد اسرائیلی «شموئل مالینکی» در یک جلسه کوتاه به افراد خود دستور داد هر غیرنظامی فلسطینی که بعد از ساعت ۱۷ به خانه‌اش رسید به قتل برسانند و اینگونه دومین جنایت بزرگ صهیونیست‌ها در فلسطین پس از دیر یاسین رقم خورد و نظامیان صهیونیست ۴۷ زن و مرد و کودک فلسطینی اهل روستای کفر قاسم را به خاک و خون کشیدند.

جنايات رژيم صهيونيستي در مسجدالاقصى

بنا به گزارش خبرگزاری «آناتولی»، بارزترین جنايات رژيم صهيونيستي در مسجدالاقصى از زمان اشغال در ۷ ژوئن ۱۹۶۷ به شرح زیر است

اوت ۱۹۶۹: مسجد الاقصى توسط «دنيس مايكل روهان» يهودی استراليایی به آتش ۲۱
کشیده شد.

آوريل ۱۹۸۲: به دنبال شلیک یک نظامی صهيونيست در مسجد الاقصى، ۲ فلسطینی ۱۱
شهيد و ۶ تن ديگر مجروح شدند.

اکتبر ۱۹۹۰: شلیک گلوله به سوی فلسطینیانی که قصد داشتند از قرار داده شدن ۱۰
سنگ پایه معبد سليمان در مسجدالاقصى توسط صهيونيست ها جلوگیری کنند، به شهادت
۲۱ تن و مجروح شدن ۱۵۰ فلسطینی انجامید

سپتامبر ۱۹۹۶: گشایش تونلی در زیر دیوار غربی مسجدالاقصی، سبب شورش ۲۵ فلسطینیان گردید بطوری که در عرض چند روز ۶۸ فلسطینی شهید و حدود ۱۶۰۰ تن دیگر مجروح شدند.

ارییل شارون نخست وزیر اسرائیل جنایت کار ترین شخص در جهان بود و هزاران فلسطینی را قتل عام کرد ولی ببینید قدرت پرودگار عالم ایشون چنان در مدت هشت سال مریضی کشید و بیشتر اوقات در کماء بسر می برد تا جائی که بدنش عوفونت پیدا کرد و کرم زد این هست نتیجه جنایت بر علیه انسانیت

کشتار مسجد ابراهیمی (ع) در الخلیل

قتل عام مسجد ابراهیمی (ع) در «الخلیل» کرانه باختری در روز عید فطر سال ۱۹۹۴ (۲۵ فوریه) توسط «باروخ گلدشتاین» که یک یهودی آمریکایی الاصل ساکن فلسطین اشغالی بود، انجام شد.

وی هنگامی که نماز گزاران در حال سجود بودند با مسلسل از کنار یکی از ستون های مسجد به روی آنان آتش گشود و در نتیجه ۲۹ تن را به شهادت رساند و ۱۲۵ تن را زخمی کرد. وی نهایتاً توسط نماز گزاران دستگیر و کشته شد.

این رویداد بازتاب‌ها و اعتراضات فراوانی را علیه صهیونیست‌ها برانگیخت. ارتش اسرائیل در درگیری با فلسطینیان معترض ۲ روز پس از این رویداد ۱۹ تن دیگر را نیز به شهادت رساند.

«حمله به کشتی «ماوی مرمره»

نیروهای نظامی رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۱۰ به کشتی ماوی مرمره که از ترکیه برای ارسال کمک‌های انسانی به نوار غزه راهی شده بود، حمله کرده و ضمن مجروح کردن ۶۰ فعال حقوق بشری، ۱۰ تبعه ترکیه را نیز به شهادت رساندند. بعد از این حادثه بود که روابط ترکیه و رژیم صهیونیستی قطع شد.

رژیم صهیونیستی در پی آواره کردن ساکنان کل یک محله در قدس اشغالی

اهالی محله «شیخ جراح» در قدس اشغالی از سال ۱۹۷۲ با توطئه‌ای صهیونیستی مقابله می‌کنند که قصد بیرون کردن این خانواده‌ها از منازلشان را دارد.

فلسطینی‌ها به موجب توافقنامه‌ای که در سال ۱۹۶۵ میان دولت اردن و «آنروا» (آثرانس امداد و کاریبی ویژه آوارگان فلسطینی وابسته به سازمان ملل) بسته شد مالک این زمین‌ها در قدس محسوب شده و منازل آنها توسط دولت اردن ساخته شد.

اما صهیونیست‌ها مدعی هستند زمینی که منازل فلسطینی‌ها در آن بنا شده قبلاً متعلق به خانواده‌های یهودی بوده است. رژیم صهیونیستی اکنون با تباری در دادگاه‌های قدس توانسته این ادعای دروغ خود را به کرسی بنشاند و صدها فلسطینی با آوارگی اجباری روبرو هستند.

هفته جاری قدس شاهد تظاهرات گسترده در اعتراض به این تصمیم رژیم صهیونیستی بود.

جنگ ۲۰۰۸-۲۰۰۹ علیه نوار غزه

در ۲۷ دسامبر ۲۰۰۸ (۲۲ روزه)، ۸۰ جنگنده اسرائیلی دهها نقطه در نوار غزه را بمباران کردند و در این ضربه اول ۲۰۰ فلسطینی شهید و ۷۰۰ نفر دیگر مجروح شد که بیشتر آنها از اعضای پلیس فلسطین و در مقدمه آنها فرمانده کل پلیس «توفیق جبر» بود.

حمله رژیم صهیونیستی به غزه غزه اندکی پس از خاتمه توافقنامه شش‌ماهه‌ای که بین اسرائیل و مقاومت به امضا رسیده بود، شروع شد. جنگنده‌های اسرائیلی در خلال ۸ روز اول به بمباران گسترده خود در مناطق مختلف غزه ادامه دادند و مقاومت در حد امکان با پرتاب موشک و راکت پاسخ داد. جنگنده‌های اسرائیلی علاوه بر اهداف امنیتی و بر خلاف

قوانین بین‌الملل صدها منزل مسکونی ، بیمارستان، مسجد، مدرسه ، دانشگاه و سازمان‌های وابسته به سازمان ملل در نوار غزه را هدف قرار داد.

در سوم ژانویه ۲۰۰۹-۸ روز پس از شروع جنگ- رژیم صهیونیستی حمله زمینی خود به نوار غزه را آغاز کرد و صدها تانک اسرائیلی با عملیات‌های هوایی همراه شدند و بر وسعت بمباران غزه افزودند.

تل‌آویو از به کارگیری هیچ سلاحی در این کشتارها دریغ نکرد. بعد از اینکه تمامی سلاح‌های خود مانند تانک و جنگنده و غیره را ناکارآمد دید، روی به سلاح‌های تحریم شده بین‌المللی روی آورد و تحقیقات اثبات کرد این رژیم از بمب‌های حاوی فسفر سفید و اورانیوم در بمباران غزه استفاده کرده است. پس از گذشت 23 روز از جنگ، رژیم صهیونیستی به صورت یکجانبه آتش‌بس اعلام کرد.

در این حمله ۱۴۱۹ نفر از نوار غزه شهید شدند که بیشتر آنها از شهروندان عادی و زنان و کودکان بودند. تعداد مجروحان ۵۵۰۰ نفر اعلام شد که برخی از آنها همچنان از معلولیت‌های ناشی از جنگ رنج می‌برند . ۸۳ درصد از شهدا را زنان و کودکان تشکیل دادند.

مقامات اسرائیلی نیز از کشته شدن ۱۳ نظامی و مجروح شدن ۳۰۰ نفر دیگر خبر دادند اما مقاومت فلسطین تاکید کرد که در این جنگ ۱۰۰ نظامی اسرائیلی کشته شده است

جنگ ۲۰۱۲ علیه نوار غزه

جنگ سال ۲۰۱۲ (۸ روزه) با ترور «احمد الجعبري» از فرماندهان ارشد گردان‌های «القسام» شاخه نظامی حماس آغاز شد و رژیم صهیونیستی پس از این ترور حملات هوایی گسترده خود به غزه را آغاز کرد.

مرکز اطلاعات بهداشتی فلسطین در گزارش خود اعلام کرد که در سال ۲۰۱۲ در جریان تجاوزات رژیم صهیونیستی علیه مردم غزه ۲۷۸ فلسطینی شهید و ۲هزار و ۱۵۸ نفر نیز زخمی شدند.

بر اساس این گزارش از میان این شهدا ۱۸۹ نفر در جریان جنگ ۸ روزه رژیم صهیونیستی علیه غزه به شهادت رسیدند و ۲۵۱ نفر از شهدا را مردان و ۲۷ نفر را زنان تشکیل می‌دهند. همچنین تعداد زنان بالای ۱۸ سال نیز ۱۳ نفر و تعداد کودکان شهید زیر ۵ سال نیز ۱۸ نفر بوده‌اند.

در این گزارش آمده است که تعداد زخمی‌ها در سال ۲۰۱۲ نیز ۲ هزار و ۱۵۸ نفر بوده که از این تعداد ۱۵۲۶ نفر در جنگ ۸ روزه زخمی شدند و از این تعداد ۱۶۴۱ نفر مرد و ۵۱۷ نفر نیز زنان هستند. همچنین تعداد زنان زخمی بالای ۱۸ سال ۳۲۲ نفر و تعداد کودکان زخمی زیر ۵ سال نیز ۲۱۲ نفر هستند.

جنگ ۲۰۱۴ علیه نوار غزه

خرداد سال ۱۳۹۳ (۱۲ ژوئن ۲۰۱۴) بود که صهیونیست‌ها از گم شدن سه اسرائیلی ۲۲ در کرانه باختری خبر داده و بلافاصله حماس را به ربودن آن‌ها متهم کردند. به همین بهانه هم بود که یورش به خانه‌های فلسطینی‌ها در کرانه باختری آغاز شد و بیش از ۵۰۰ جوان فلسطینی بازداشت شدند. بعد از مدتی سخنگوی پلیس رژیم صهیونیستی در گفت‌وگو با خبرنگار شبکه بی‌بی‌سی اذعان کرد که گم شدن و مرگ سه اسرائیلی در کرانه باختری ارتباطی با حماس نداشته است.

یک شهرک‌نشین صهیونیست به نام «یوسف حاییم بن داوید» (۲۹ ساله) در تاریخ ۱۱ تیرماه به همراه دو شهرک‌نشین دیگر «محمد ابوخصیر» نوجوان فلسطینی را به بهانه انتقام ربایش سه اسرائیلی یادش شده ربودند و وی را به شهادت رساندند. وی در مورد جزئیات این جنایت گفته است که پس از دزدیدن ابوخصیر وی را به یک مکان دورافتاده می‌برند و با شیء سنگینی به سر وی می‌زنند و سپس او را به شدت مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند.

و در نهایت با ریختن بنزین بر این نوجوان فلسطینی جسد او را زنده زنده آتش میزنند، این اقدامات در کنار اتفاقات دیگر جرقه‌های جنگ سوم غزه را زد.

پس از چندین درگیری اولیه میان رژیم صهیونیستی و مقاومت، کابینه امنیتی این رژیم پس از جلسه سه ساعته تصمیم گرفت تجاوز به نوار غزه را از سه‌شنبه ۱۷ تیر (۸ جولای) آغاز کند و جنگ سوم (۵۱ روزه) علیه غزه آغاز شد. رژیم اسرائیل حمله خود را تحت عنوان «صخره سخت» علیه نوار غزه آغاز کرد و گروه‌های فلسطینی در قالب عملیات «بنیان مرصوص» و «العصف المأكول» پاسخ دادند.

این تجاوز ۵۱ روزه نزدیک به ۲۲۶۰ شهید و نزدیک به ۱۱ هزار مجروح بر جای گذاشت. کودکان و زنان بخش زیادی از کشته شدگان را تشکیل دادند به نحوی که خبرها از شهادت ۵۰۰ کودک و بیش از ۲۵۰ زن حکایت داشت. رژیم صهیونیستی تعداد نظامیان کشته شده در جنگ غزه را ۶۴ نفر اعلام کرده و حماس این تعداد را ۱۶۱ نفر می‌داند این درحالی است که پایگاه خبری «پانورما» تعداد این افراد را بیش از ۶۰۰ نفر اعلام کرد.

پس از چند آتش‌بس موقت در طول جنگ، مقامات رسمی حماس چهارم شهریور (۲۶ اوت) اعلام کردند که با اسرائیل برای پایان دادن به هفت هفته درگیری در غزه به توافق رسیده‌اند.

جنگ ۲ روزه علیه نوار غزه

صبح روز شنبه (۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۸ / ۴ می ۲۰۱۹) بود که رژیم صهیونیستی به مناطقی در نوار غزه حمله کرد و مقاومت با شلیک چندین راکت پاسخ داد؛ اما این اتفاق «موقت» نبود و لحظه به لحظه بر حجم تنش‌ها میان نوار غزه و رژیم صهیونیستی افزوده شد.

حملات رژیم صهیونیستی به نوار غزه در روز و شب یکشنبه (۱۵ اردیبهشت/۵ می) نیز ادامه پیدا کرد و مقاومت نیز با شلیک راکت و موشک قاطعانه پاسخ داد. سرانجام با وساطت مصر و قطر و سازمان ملل دوشنبه (۱۶ اردیبهشت/۶ می) آتش‌بس در نوار غزه برقرار شد و آرامش این منطقه را فرا گرفت.

در حملات دو روزه رژیم صهیونیستی به نوار غزه ۲۷ فلسطینی به شهادت رسیدند که در میان آنها «سه زن، دو نوزاد دختر و دو جنین (در شکم مادر)» دیده می‌شوند.

رژیم صهیونیستی در این حملات دو روزه به ۳۲۰ هدف در نوار غزه حمله کرد که طی آن ۵۸ واحد مسکونی به صورت کامل تخریب شد و ۳۱۰ واحد مسکونی دیگر آسیب جزئی دید.

مسجد، مدرسه، پایگاه‌های آموزشی، برج مراقبت، خودرو، کارگاه، زمین‌های زراعی، سازمان‌های رسانه‌ای، موتورسیکلت و اطراف دانشگاه‌ها و امثال آن جزء اهداف رژیم صهیونیستی در این حملات بوده است.

وزارت زیرساخت فلسطین میزان تخریب‌ها را بالاتر دانست و اعلام کرد، بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد ۱۳۰ واحد مسکونی به صورت کامل و ۷۰۰ واحد مسکونی به صورت جزئی تخریب شده‌اند.

گروه‌های مقاومت فلسطین ۶۹۰ موشک و راکت به سمت فلسطین اشغالی شلیک کردند که در نتیجه آن چهار صهیونیست کشته و ۱۳۰ نفر دیگر زخمی شدند، همچنین یک نفربر و یک جیپ اسرائیلی نیز با موشک مقاومت منهدم شدند.

رژیم صهیونیستی پس از جنگ گسترده سال ۲۰۱۴، بارها به صورت پراکنده حملاتی محدود به برخی اهداف در نوار غزه داشت همانطور که تجاوزات این رژیم در کرانه باختری و تلاش برای یهودی‌سازی قدس در سایه سکوت جهانی همچنان ادامه دارد.

منافقین کوردل:

گروهک تروریستی منافقین تا امروز بیش از 12 هزار نفر از مردم کشور را به شهادت رسانده‌اند. در سال 1367 منافقین 1503 نفر از مردم ایران را به شهادت رساندند. بیشترین تعداد شهدا مربوط به عملیات فروغ جاویدان و کمترین شهدا مربوط به بمب‌گذاری در تهران است؛ حمله مسلحانه شامل تپه زنی، خمپاره زنی و حمله نظامی می‌شود.

گستره جنایات منافقین در سال 1367 بر اساس محل تولد شهدا

جنایات منافقین در ترور و قتل عام ملت ایران در سال 1367 به گستره کل ایران پهناور بوده است. استان تهران با 274 شهید بیشترین و استان یزد با یک شهید کمترین تعداد شهدای حاصل از اعمال تروریستی منافقین را تشکیل می‌دهند.

میانگین سن شهدای جنایات منافقین در سال 1367

شهید «نوشین شریفی»، کودک 3 ساله اهل اسلام آباد غرب، خردسال‌ترین شهید جنایت‌های منافقین در سال 1367 است که در عملیات فروغ جاویدان در روز سوم مرداد بر اثر اصابت گلوله مستقیم در مقابل چشم مادرش به شهادت رسید. و شهید «قاسم الترکمانی» اهل قم با 89 سال سن، مسن‌ترین شهید جنایت منافقین در سال 67 است. شهید ترکمانی برای دفاع از وطن به عنوان نیروی داوطلب در عملیات مرصاد شرکت کرده بود و بر اثر اصابت ترکش به کمر به شهادت رسید.

تعداد شهدا بر اساس شغل

بیشتر شهدایی که سال 67 توسط منافقین به شهادت رسیدند از نیروهای مسلح بوده‌اند. در واقع 907 شهید از مجموع 1503 شهید، نظامی بوده‌اند. 466 نفر از این شهدا از اعضای سپاه پاسداران، 412 نفر از نظامیان ارتش و 29 شهید هم متعلق به نیروی انتظامی بوده‌اند. همچنین 395 تن از این شهدا نیز سرباز بوده‌اند. 156 شهید دانشجو، دانش آموز و معلم بودند. 5 شهید پزشک، پرستار و امدادگر، 159 شهید کارگر، کشاورز و دامدار و 45 شهید کارمند بوده‌اند. اوج رذالت منافقین در ترور زنان و کودکان بی دفاع بود. 20 تن از شهدایی که توسط منافقین در سال 67 به شهادت رسیدند از زنان و کودکان بوده‌اند.

صدام:

صدام شخص جنایتکاری بود که با راه انداختن جنگ علیه ایران اسلامی هم کشور عراق را نابود نمود هم به ایران اسلامی خسارت

های جبران ناپذیری وارد کرد و صدها هزار نفر از مردم ماررا
شهید نمود و صدها هزار نفر از مردم عراق را به کشتن داد و با
پرونده بزرگی از جنایتهایش وارد جهنم گردید.
هنوز هزاران جانباز دفاع مقدس هستند که از جراحتهای
جنگ، رنج می برند و گناه همه اینها به گردن صدام جنایتکار
است.

ارتش بعث عراق در دوران جنگ تحمیلی علیه ایران جنایتهای بزرگی را مرتکب شد که
برخی از آنها به قدری وحشتناک است که مردم درباره آن بسیار شنیده اند و برخی هنوز
ناشنیده و یا کمتر شنیده شده اند.

روایت بزرگترین جنایات ارتش صدام علیه ایران در دوران جنگ ۸ ساله +تصاویر

فاجعه شیمیایی حلبچه

این فاجعه نخستین مرحله از نسل کشی تکان دهنده‌ای بود که صدام بلافاصله پس از پایان جنگ در کردستان عراق به راه انداخت. فاجعه حلبچه خون بارترین حمله شیمیایی به غیرنظامی‌ها در طول تاریخ با بیش از ۵ هزار قربانی بی دفاع است

روایت بزرگترین جنایات ارتش صدام علیه ایران در دوران جنگ ۸ ساله +تصاویر

فاجعه حلبچه در طول جنگ تحمیلی یکی از فاجعه بارترین و غم انگیزترین صحنه‌های این دوران است که تا همیشه در یادها باقی خواهد ماند

بمباران شیمیایی شهرهای ایران

علاوه بر استفاده از سلاح‌های ممنوعه علیه نیروهای نظامی ایران، ارتش بعث در چندین نوبت شهرهای ایران را هم با بمب شیمیایی مورد هدف قرار داد تا رنج آورترین آسیب‌ها را به افراد غیر نظامی وارد کند

روایت بزرگترین جنایات ارتش صدام علیه ایران در دوران جنگ ۸ ساله +تصاویر

بمباران شیمیایی سردشت و نودشه از وحشیانه‌ترین این حوادث هستند

روایت بزرگترین جنایات ارتش صدام علیه ایران در دوران جنگ ۸ ساله +تصاویر

استفاده از سلاح‌های شیمیایی در جنگ

ارتش عراق بارها و بارها در طول جنگ از سلاح‌های ممنوعه استفاده کرد تا جلوی پیشروی و مقاومت نیروهای مسلح ایران را بگیرد.

روایت بزرگترین جنایات ارتش صدام علیه ایران در دوران جنگ ۸ ساله +تصاویر

حجم و گستردگی استفاده از سلاح‌های شیمیایی به حدی بود که اکوسیستم بسیاری از مناطق جنگی و مورد حمله را تا حد زیادی از بین برد. هنوز پس از گذشت ۴ دهه از جنگ، تحمیلی کهنه سربازهای زیادی از عوارض این سلاح‌ها رنج می‌برند.

حمایت از تروریست‌ها

با انتقال پایگاه گروهک تروریستی منافقین به خاک عراق و تشکیل یگان نظامی آن، فصل تازه‌ای از جنایات‌های صدام علیه ایران شکل گرفت.

روایت بزرگترین جنایات ارتش صدام علیه ایران در دوران جنگ ۸ ساله +تصاویر

تجهیز، آموزش و پشتیبانی گروهکی که ترور هزاران شهروند ایرانی را در کارنامه خود دارد، سنگ بنای جنایت‌های بزرگتری بود که بعدها و در تابستان ۱۳۶۷ به اوج خود رسید.

روایت بزرگترین جنایات ارتش صدام علیه ایران در دوران جنگ ۸ ساله +تصاویر

حمله به شهرها و مناطق غیر نظامی

ارتش بعث در راهبرد غیر انسانی خود طی سال‌های جنگ، بسیاری از مناطق مسکونی و غیرنظامی را بارها بمباران کرد تا با استفاده از این اهرم فشار، نیروهای مسلح ایران را به تسلیم وادار کند.

روایت بزرگترین جنایات ارتش صدام علیه ایران در دوران جنگ ۸ ساله +تصاویر

ارتش بعث تمام شهرهایی که در تیررس موشک‌ها خود بود را بارها بمباران کرد و در این بمباران‌ها هزاران غیر نظامی آسیب دیدند و در برخی حملات نیز عده‌ای به شهادت رسیدند.

حمله به مدارس

موشک‌های زمین به زمین، بمب‌ها و خمپاره‌های ارتش عراق بارها به مدارس و مراکز آموزشی اصابت کرد و باعث شهادت کودکان و افراد غیر نظامی شد.

روایت بزرگترین جنایات ارتش صدام علیه ایران در دوران جنگ ۸ ساله +تصاویر

در حمله دشمن بعثی به مدارس ایرانی، در مدرسه شهید حمدالله پیروز بهبهان ۶۹ دانش آموز و در مدرسه زینبیه میانه ۳۳ دانش آموز شهید شدند.

به شهادت رساندن اسرای ایرانی

ده‌ها نفر از نیروهای مسلح ایران پس از اسارت به دست نیروهای ارتش صدام به شهادت رسیدند؛ در صحنه دستگیری، حین انتقال، حسن تخلیه اطلاعاتی، زیر شکنجه و در زندان‌های انفرادی.

بزرگترین جنایات ارتش بعث علیه ایران در دفاع مقدس چه بود؟ + تصاویر

این جنایت ارتش بعث که نقض آشکار کنوانسیون ژنو به شمار می‌رفت، هیچگاه توسط نهادهای بین‌المللی محکوم نشد.

حمله به مراکز درمانی

روایت بزرگترین جنایات ارتش صدام علیه ایران در دوران جنگ ۸ ساله +تصاویر

علی‌رغم تمامی قوانین حقوق بشر، بیمارستان‌ها و مراکز درمانی از تهاجم رژیم بعثی عراق در امان نبودند. بیش از ۲۰۰ پست امدادی، ۱۵۰ پست اورژانس و ۵ بیمارستان ایران در دوران جنگ تحمیلی مورد هدف قرار گرفتند.

شمن بعثی حتی در یک مورد بیمارستان حضرت فاطمه که در کنار رودخانه بهمنشیر بود را مورد حمله شیمیایی قرار داد.

حمله به هواپیماهای غیرنظامی

ارتش صدام علاوه بر حمله به فرودگاه‌های غیرنظامی و هدف قرار دادن هواپیماهای مسافربری ایرانی، حداقل در دو نوبت هواپیماهای غیرنظامی را ساقط کرد.

روایت بزرگترین جنایات ارتش صدام علیه ایران در دوران جنگ ۸ ساله +تصاویر

نخستین هواپیمایی که توسط ارتش بعث ساقط شد، هواپیمای حامل وزیر خارجه الجزایر بر روی آسمان ترکیه بود و پس از آن هم سه سال بعد هواپیمای حامل آیت الله محلاتی و همراهانش در خوزستان توسط رژیم بعثی ساقط شد.

غارت مناطق اشغالی ایران

ارتش بعث عراق پس از اشغال شهرها و روستاها اموال غیرنظامی‌ها را مصادره می‌کرد. به عنوان مثال پس از اشغال خرمشهر که یکی از ثروتمندترین شهرهای خلیج فارس بود، سربازان صدام تمام دارایی‌های رهاشده مردم را با خود جمع کردند و به پشت جبهه انتقال دادند.

روایت بزرگترین جنایات ارتش صدام علیه ایران در دوران جنگ ۸ ساله +تصاویر

اموال باقیمانده در گمرک، لنج‌ها، شناورهای پهلو گرفته در بندر و حتی دام‌های مردم از این غارت درامان نبودند.

اردوگاه کار اجباری یا قتلگاه ۲۲ هزار کودک

و مهاجران سفیدپوست هلندی (بوئرها که خود GB در سال 1901، جنگی بین بریتانیا ☐ ☒ اشغالگر آفریقا بودند) در آفریقای جنوبی 🌍 آغاز شد

با توجه به برتری نظامی و عددی بریتانیا، بوئرها تصمیم به جنگ چریکی گرفتند ➡

در پاسخ، انگلیسی ها سیاست «زمین سوخته» را اتخاذ کردند که در آن شهرک های ☐ ➡ بوئر را سوزانده 🔥 و ویران می کردند تا آنها را از خانه و منابع غذایی ☐ محروم کنند

دهها هزار مرد، زن و کودک به زور به اردوگاه ها منتقل شدند ☐ ☒

بریتانیایی ها ادعا کردند که این یک اقدام بشردوستانه برای مراقبت از بوئرهای آواره ☐ !! می باشد.

از 115000 نفر در اردوگاه ها، تقریباً 28000 نفر جان باختند که حدود 22000 نفر ☐ ⚠ از آنها کودک 🧒 بودند. تعداد کشته شدگان حدود 10 درصد از جمعیت بوئر را تشکیل می دادند. حدود 20000 سیاه پوست نیز در اردوگاه های دیگر جان باختند

در سیستم اردوگاه های کار اجباری اولین باری بود که یک ملت به طور کامل و ☒ سیستماتیک هدف قرار می گرفت.

وهابیت:

وهابیت فرقه ساخته شده توسط استعمار است که وحشیانه در گوشه و کنار دنیا به جان مسلمانان و به خصوص شیعیان می افتند و از هیچ جنایتی هم دریغ ندارند؛ از حمله وحشیانه به مردم یمن تا همکاری و همدستی در انواع توطئه علیه مردم مظلوم دنیا. از ذبح کردن و سر بریدن شیعه های مظلوم و بی گناه تا حمله به زنان باردار و سر بریدن جنین ها. همه این ها گوشه ای از جنایت های آنها در طول فعالیت 280 ساله وهابیت است.

خبرگزاری تسنیم با مرور تاریخ، به نمونه هایی از بزرگترین فجایع و جنایت های فرقه ضاله وهابیت و مشارکت آنها با آل سعود اشاره کرده است.

سال 1187 قمری؛ حمله به ریاض و نجد

اولین منطقه‌ای که طعم تلخ جنگ و غارت وهابی‌ها را چشید، شهر ریاض در عربستان سعودی بود. چند سالی قبل از 1187 هجری قمری بود.

محمد بن عبدالوهاب، بنیان‌گذار فرقه ضاله وهابیت، با محمد بن سعود که جد آل سعود عربستان است، هم‌پیمان شد. همان زمان محمد بن عبدالوهاب و محمد بن سعود که در منطقه درعیه در عربستان ساکن بودند، به قصد غارت و چپاول دارایی‌های مسلمانان به ریاض حمله کردند.

این جنگ حدود سی سال طول کشید. دلیل طولانی شدن جنگ هم آن بود که حاکم ریاض قدرت زیادی داشت و وهابی‌ها نمی‌توانستند به سادگی بر آن منطقه مسلط شوند.

تا اینکه در تابستان سال 1187 عبدالعزیز پسر محمد بن سعود لشکر زیادی فراهم کرد و به ریاض یورش برد. حمله آن‌ها آن‌قدر وحشتناک بود که بسیاری از مردم در این جنگ کشته شدند و بقیه مردم شهر ریاض به همراه حکمران آنجا، همگی ریاض را ترک کردند و به منطقه دیگری به نام احسا پناه بردند. آن‌ها غذا و آبی با خودشان نداشتند، به همین دلیل حدود چهارصد نفر از فراریان شهر ریاض در بیابان‌های بی آب و علف از تشنگی و گرسنگی مردند.

البته وهابی‌ها و آل سعود به همین کشتار اکتفا نکردند. آن‌ها با وجود اینکه شهر ریاض را تصرف کرده و تمام اموال موجود در خانه‌های خالی را به غنیمت گرفته بودند، باز هم در بیابان‌ها به دنبال مردم فراری می‌گشتند و هر کسی را که از تشنگی و گرسنگی نمرده بود با شمشیر به قتل می‌رساندند و دارایی‌هایشان را غارت می‌کردند.

آنها خانه‌های خالی در ریاض را تصرف می‌کردند و همه اموال، اسلحه، مواد غذایی و وسایل خانه را به غنیمت می‌گرفتند و خانه‌ها و نخلستان‌ها را به تصرف خودشان درمی‌آوردند.

نمونه دیگری از جنایت‌های وهابی‌ها در آن زمان در دشمنی‌هایشان با مسلمانان، کشتن مؤذن‌ها بود.

در واقع وهابی‌ها از اینکه بر روی منبرها اذان گفته شود و بر پیغمبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌و آله یاد شده و بر آن حضرت درود بفرستند، ممانعت می‌کردند. به اندازه‌ای که مؤذن‌ها را می‌کشتند. در تاریخ نوشته شده که مرد صالح نابینایی اذان می‌گفت و بعد از اذان بر پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌و آله درود فرستاد. وهابی‌ها او را دستگیر کردند و به دستور محمد بن عبدالوهاب کشتند.

•

سال 1214 قمری؛ حمله به نجف

وهابی‌های جنایتکار در سال 1214 هجری قمری برای اولین بار به عراق حمله کردند و مقصد اصلی یورش آن‌ها حرم مطهر حضرت امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام در نجف اشرف بود. در این حمله، عرب‌هایی از ولایت خزاقل مقابل آن‌ها ایستادگی کردند و توانستند حدود سیصد نفر از آن‌ها را بکشند.

یک سال بعد، یعنی در سال 1215 هجری قمری، هم گروه دیگری از وهابی‌ها برای انهدام حرم مطهر حضرت امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام به سمت نجف حرکت کردند و این بار هم عده‌ای از عرب‌ها در برابرشان ایستادگی کرده و شکستشان دادند.

البته حمله به نجف اشرف به همین جا ختم نشد، بلکه تا ده سال بعد از آن هم به طور مستمر ادامه پیدا کرد. از جمله اینکه در سال 1216 هجری قمری هم وهابی‌ها بعد از حمله وحشیانه به کربلا، به سمت نجف حرکت کردند اما مردم نجف به دلیل آگاهی از کشتار و غارت کربلا با آمادگی به دفاع برخاستند.

حتی زن‌ها هم از خانه‌ها بیرون آمدند و مردهای خود را تشویق و تشجیع به دفاع می‌کردند تا اسیر وهابی‌ها نشوند. به همین ترتیب بود که وهابی‌ها نتوانستند وارد شهر نجف شوند.

سال 1216 قمری؛ حمله به کربلا

اندیشه تسلط بر اماکن مقدس شیعیان در عراق و غارت آنها، تصویری بود که آل سعود از همان ابتدا در سر داشتند؛ اما این اندیشه چگونه و بر چه اساسی در بین وهابی‌ها ایجاد شده بود؟

پاسخ این پرسش شاید همان نامه‌ای باشد که از عراق برای سفارت روسیه در ترکیه فرستاده شد که در آن نوشته شده بود: «در بین وهابی‌ها شهرت داشت که در کربلا ثروت غیرقابل توصیفی وجود دارد که چه‌بسا مانند آن در خزینه‌ها و گنجینه‌های شاه ایران هم نباشد. چون در طی قرن‌های گذشته هدیه‌های ارزشمندی مانند طلا و نقره و سنگ‌های گران قیمت و هدیه‌های کم‌نظیر به حرم امام حسین علیه السلام آورده شده است.»

همان طور که اشاره شد وهابی‌ها برای ورود به نجف اشرف مشکلات زیادی داشتند و هر بار با مقاومت مسلمانان مواجه می‌شدند. اما آنها با لشکر دوازده هزار نفری در سال 1216 هجری قمری توانستند به راحتی وارد کربلا شوند.

به این دلیل که در روز حمله وهابی‌ها، مردم شهر کربلا به مناسبت عید غدیر برای زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به نجف رفته بودند و در کربلا تعداد کمی از مردم که عموماً افراد پیر و ناتوان یا کودکان بودند، باقی ماندند. به همین علت وهابی‌ها به آسانی وارد کربلا شدند و هر کسی را که دیدند کشتند.

در آن روز حدود سه هزار نفر از مردم کربلا کشته شدند و دارایی‌هایشان که قابل نبود، به غارت رفت. در تاریخ هم نوشته شده که در آن روز دویست شتر با زحمت غنیمت‌های غارت شده را از کربلا خارج کرد. البته در مواردی هم نوشته شده که کربلا در آن زمان حاکمی داشت که در دفاع از شهر کوتاهی کرده بود.

وهابی‌ها در این حمله، صندوق چوبی مرقد حبیب بن مظاهر را شکستند و سوزاندند و با آن در ایوان طرف قبله حرم، قهوه درست کردند. آن‌ها قصد داشتند صندوق مرقد شریف امام حسین علیه السلام را هم بشکنند، اما چون بر روی آن شبکه‌های آهنی بود موفق به شکستن آن نشدند. البته آنها زمرد و یاقوت و جواهرات دیگر بر روی مرقد شریف را دزدیدند.

میرزا ابوطالب اصفهانی در سفرنامه خود نوشته است: «هنگام برگشت از لندن و عبور از کربلا و نجف، دیدم که قریب بیست و پنج هزار نفر وهابی وارد کربلا شدند و شعار اقتلوا المشرکین و اذبحوا الکافرین سر می‌دادند. آنها بیشتر از پنج هزار نفر را کشتند و زخمی‌ها حساب نداشت. صحن مقدس امام حسین علیه السلام از جسد کشته‌ها پر و خون از بدن‌های سر بریده شده، روان بود. بعد از یازده ماه بار دیگر به کربلا رفتم. دیدم که مردم آن حادثه دل‌خراش را نقل می‌کنند و گریه سر می‌دهند به طوری که از شنیدن آن، موها بر اندام راست می‌شد.»

سال 1218 قمری؛ تخریب آثار بزرگان در مکه

سال 1218 قمری بود که وهابی‌ها بر مکه مسلط شدند و با وقاحت تمام، همه آثار بزرگان اسلام را تخریب کردند. آنها قبه زادگاه پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام، حضرت خدیجه سلام الله علیها و حتی خلیفه اول را خراب و با خاک یکسان کردند.

حتی آثار باستانی اطراف بیت‌الله الحرام و روی زمزم را تخریب کرده و هر چه از صالحین باقی مانده بود از بین می‌بردند. هنگام تخریب هم طبل می‌زدند و رقص و آوازخوانی می‌کردند.

سال 1334 قمری؛ تخریب قبور ائمه بقیع علیهم السلام

وهابی‌ها بعد از اشغال مکه، به مدینه حمله کردند. این اتفاق در سال 1334 هجری قمری افتاد که آنها مدینه را اشغال کردند، مرقد مطهر ائمه اطهار علیهم السلام در بقیع و مرقد‌های دیگر مانند ابراهیم فرزند پیغمبر اسلام صلی‌الله علیه و آله، قبر حضرت ام‌البنین مادر حضرت عباس علیه السلام، قبه عبدالله پدر پیغمبر صلی‌الله علیه و آله، اسماعیل پسر امام جعفر صادق علیه السلام و قبه همه صحابه و تابعین را بدون استثنا خراب کردند.

آن زمان ضریح فولادی ائمه بقیع علیهم السلام در اصفهان ساخته و مدینه حمل شده بود. اما وهابی‌ها این ضریح ائمه بقیع را از روی قبر امام حسن مجتبی، امام زین‌العابدین، امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهم السلام برداشته و بردند.

قبور عباس عموی پیغمبر صلی‌الله علیه و آله و فاطمه بنت اسد مادر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را که با قبور چهار امام همام، در زیر یک قبه بودند هم ویران کردند.

همچنین زادگاه امام حسن و امام حسین علیهما السلام در مدینه، قبور شهدای بدر و بیت الاحزانی را که امام علی علیه السلام برای حضرت زهرا سلام‌الله علیها ساخته بود، تخریب کردند.

سال 1407 قمری؛ کشتار حاجیان ایرانی

نیروهای وهابی رژیم آل سعود در چهارم ذی‌الحجه 1407 قمری (9 مرداد 1366 شمسی) هزاران نفر از حاجیان بیت‌الله الحرام را به جرم سر دادن فریاد برائت از مشرکین در مکه به خاک و خون کشیدند و حتی آخوندهای درباری آنها فریاد می‌زدند و می‌گفتند: «اقتل المجوس اقتل المشرکین؛ مجوس و مشرکین را بکشید». آنها با چوب و هر دست‌آویزی به جان حاجیان افتادند و آن‌قدر بر سر آنها می‌کوبیدند تا کشته شوند.

البته کشتن حاجیان به دست وهابی‌ها قبل از این هم اتفاق افتاده بود. نمونه‌اش در سال 1341 شمسی بود که وهابی‌ها با حاجیان یمنی که سلاحی برای دفاع نداشتند روبرو شدند. آنها ابتدا به حاجیان امان دادند اما وقتی بالای کوه رفتند و حاجیان در پایین کوه بودند، دهانه توپ‌ها را به سمت حاجیان گرفتند و همه آنها را به جز دو نفر کشتند که ماجرای این حمله وحشیانه توسط همان دو نفر نقل شده است.

سال 1413 قمری (1372 شمسی)؛ جنایت‌های طالبان وهابی در افغانستان

اواخر سال 1372 شمسی بود که یک گروه از وهابی‌ها با عنوان «طالبان» در افغانستان شروع به کشتن مسلمانان کرد. طالبان که از طرف عربستان و امریکا حمایت می‌شد، در شهریور سال 1375 شمسی کابل را تصرف کردند و شیعیان آن شهر را کشتند.

سال 1377 هم به مزار شریف حمله کردند و زنان و کودکان را از پشت‌بام‌ها به رگبار بستند و قتل‌عام کردند. بعد از آن به بیمارستان‌ها حمله کردند و بیماران شیعه را از روی تخت‌ها به شهادت رساندند. جنایت‌های طالبان به قدری بود که در سنگ‌چارک و بامیان و یروان و کاپیسا، شکم زنان باردار شیعه را پاره می‌کردند و جنین آنها را بیرون کشیده و سر می‌بریدند.

سال 1426 قمری (1384 شمسی)؛ بمب‌گذاری در حرمین عسکریین و اهواز

وهابی‌ها در سال 1384 شمسی حوادث زیادی برای شیعیان ایجاد کردند. آن سال بمب‌گذاری‌های پیاپی در اهواز اتفاق می‌افتاد. بعد از دستگیری عاملان این بمب‌گذاری‌ها مشخص شد که از بین 46 نفر دستگیر شده، 44 نفر دارای عقاید وهابیت بودند.

طبق مستندات و اطلاعات موثق، این افراد از سوی اسرائیل، امریکا و انگلیس حمایت می‌شدند و از نیروهای وهابیت در ایران بودند. یک سال بعد این ماجرا در بغداد اتفاق افتاد و در انفجار بزرگی در مسجد تاریخی براثا در بغداد، بیشتر از 70 نفر کشته و 130 نفر هم زخمی شدند.

از طرف دیگر در اسفند ماه 1384 شمسی مقدار 215 کیلوگرم مواد منفجره در حرمین عسکریین منفجر شد که مرقد مطهر امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام را به کلی تخریب کرد. دو سال بعد از آن هم که شیعیان حرم را تعمیر کردند، باز هم وهابی‌ها مناره‌های حرمین عسکریین را منفجر کردند. در این اقدام تروریستی، سقف سرداب غیبت حضرت ولی‌عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف هم به کلی فرو ریخته بود.

سال 1435 قمری (1393 شمسی)؛ حمله داعش

داعشی‌ها هم گروهی دیگر از وهابی‌ها هستند که خود را دولت اسلامی عراق و شام می‌نامند تا از این طریق ذهن مردم دنیا را نسبت به مسلمانان منفی کنند. رهبر این گروه شخصی به نام ابوبکر البغدادی از نیروهای سلفی است که از شبکه القاعده جدا شده است. او دوره‌های نظامی را در اسرائیل گذرانده و یا سرویس‌های جاسوسی امریکا ارتباطات نزدیکی دارد.

داعشی‌ها مدتی پیش به سوریه حمله کردند و جنایت‌های بسیاری در آنجا انجام می‌دهند. در عین حال به شهرهایی از عراق از جمله سامرا حمله کردند و تعداد زیادی از شهروندان سامرا را کشتند.

حتی پرچم القاعده را هم بر روی مسجدهای اهل سنت برپا می‌کردند. در عین حال تلاش می‌کردند تا به حرم مقدس امامین عسکریین علیهما السلام حمله کنند اما ارتش و نیروهای مردمی عراق مانع از این اقدام شد.

بن سلمان:

بن سلمان را باید یزید زمان دانست که همانند یزید که جوانی جنایتکار بود بن سلمان هم جوانی جنایتکار است و علاوه بر کشتن افراد کشور خودش، دستش به خون هزاران یمنی بیگناه آغشته شده است.

سران و فرماندهان نظامی عربستان سعودی در تجاوز نظامی به یمن که از ۲۵ مارس ۲۰۱۵ میلادی آغاز شده است، علاوه بر آمریت در استفاده از سلاح‌های غیرمجاز مانند بمب‌های خوشه‌ای، فسفری و گرمافشاری، به بمباران مناطق غیرنظامی، مراکز مذهبی، تاریخی، آموزشی، بیمارستان‌ها، مدارس، مساجد و بازارها دست زده‌اند. علیرغم هشدارهای بین‌المللی، محاصره زمینی، هوایی و دریایی یمن توسط عربستان سعودی موجب کمبود مواد غذایی، دارو و ایجاد قحطی شده است

دولتهای امریکا و اروپا:

امریکا از بدو ولادت! با کشتار سرخ پوستها ماهیت پلید خود را آشکار نمود و تا کنون لحظه از کشتن افراد بیگناه دست برنداشته است مخصوصاً سیاه پوستان بدست پلیس جنیتکار امریکا کشته می شوند! و دولت امریکا از آنها حمایت می کند. سازمان سیا در همه جای دنیا مشغول توطئه است و کلاً همان طور که حضرت امام فرمود امریکا، شیطان بزرگ است همچنین دولتهای اروپایی هر کدام پرونده قطوری از جنایت های بیشمار در حق مردم دنیا دارند. که در اینجا به قطره ای از جنایتهای بیشمار امریکا و اروپا اشاره میشود:

مروری بر جنایت های آمریکا

برخی از مهم ترین جنایت های آمریکا در طول حیات سیاسی این کشور به شرح زیر است:

1- کشتار و نسل کشی 100 میلیون سرخ پوست آمریکایی

کشتار سرخ پوستان جنایت پردامنه و طولانی مدتی بود که به دنبال کشف قاره آمریکا توسط دریانوردان اسپانیایی در قرن شانزدهم آغاز شد. این کشتارها عمدتاً توسط کشورهای استعمارگر اروپایی خصوصاً اسپانیا، پرتغال، فرانسه و انگلستان به منظور سلطه بر مناطق مختلف قاره آمریکا و با هدف دستیابی اموال و املاک سرخ پوستان صورت می گرفت. بعدها و به خصوص در نیمه دوم قرن نوزدهم، آمریکاییان با کوچ دادن اجباری و جنگ هایی که به دنبال آن صورت می گرفت نقش پررنگی در کشتار سرخ پوستان آمریکای شمالی ایفا کردند.

جنگ‌های آمریکا با اولین حمله به سرخپوستان در شهر جیمزتاون در سال 1662 میلادی آغاز شد که به دنبال آن جنگ با سرخپوستان آلگوکین طی سال‌های 1635 و 1636 و جنگ سال‌های 1675 و 1676 که منجر به ویرانی نیمی از شهرهای ماساچوست شد را در پی داشت. دیگر جنگ‌ها و حملات آمریکا به سرخپوستان تا سال 1900 ادامه داشت. در مجموع آمریکایی‌ها حدود 100 میلیون سرخ پوست را به قتل رساندند.

"2-جنایت جنگی آمریکا در "درسدن"

با توجه به اینکه متفقین در جنگ جهانی دوم پیروز شده بودند، هیچ کدام از جنایات جنگی ایالات متحده در جنگ جهانی توسط دادگاهی بررسی نشد. اما این به معنای آن نبود که این جنایت‌ها در تاریخ جهان ثبت نشود.

نیروهای آمریکایی در آلمان به طور مستقیم یا غیر مستقیم باعث شدند غذای کافی به اسرای جنگی آلمانی و همچنین غیر نظامیان حاضر در منطقه تحت تسلط خود نرسد که این باعث کشته شدن هزاران آلمانی بر اثر گرسنگی شد.

نیروهای آمریکایی تمام آلمانی‌های عضو وافن اس‌اس را که در داخائو در سال ۱۹۴۵ به اسارت گرفته بودند تیرباران کردند. نیروهای لشکر ۴۵ پیاده نیروی زمینی ارتش آمریکا همچنین ۷۵ اسیر جنگی ایتالیایی را در منطقه بیسکاری قتل عام کردند.

در بمباران درسدن در جنگ جهانی دوم بمب افکن‌های نیروی هوایی ارتش آمریکا و متحدانش ۳۹۰۰ تن بمب انفجاری قوی و بمب‌های آتش‌زا را طی ۴ یورش، در کمتر از ۱۵ ساعت بر روی درسدن ریختند و ۳۴ کیلومتر مربع از شهر را کاملاً ویران کردند. در آتش‌سوزی بزرگی که در نتیجه بمباران رخ داد بقایای شهر نیز نابود شد.

به ادعای ارتش آمریکا در سدن یک مرکز مهم نظامی بود که ۱۱۰ کارخانه و ۵۰۰۰۰ شاغل در آن در حمایت از دولت نازی مشغول به فعالیت بودند. این در حالی بود که صرفاً زیرساخت‌های مخابراتی، پل‌ها و مناطق وسیع صنعتی خارج از شهر بمباران شدند و حملات بمباران مناطق، بدون هیچ فرقی بین نظامی بودن یا نبودن آنها و بی هیچ تناسبی با اهداف نظامی بود.

در تعداد کشته شدگان حاصل از این بمباران اختلاف نظر است و تعداد کشته‌ها از ۳۴۰۰۰ نفر تا تعداد بسیار بالایی ذکر شده است که اکثر قریب به اتفاق غیر نظامی بودند.

بنابر گفته "ارهارد موندرا"، عضو کمیته باتزن (مؤسسه زندانیان سیاسی سابق در جمهوری دموکراتیک آلمان)، در روزنامه "دی‌ولت": «براساس اظهارات سرهنگ دوم دی ماتس افسر سابق ستاد مشترک ارتش آلمان در منطقه نظامی در سدن، ۳۵۰۰۰ نفر از قربانیان کاملاً شناسایی شدند، هویت ۵۰۰۰۰ نفر تا حدودی آشکار شد، اما در حدود ۱۶۸۰۰۰ نفر.» به هیچ وجه قابل شناسایی نبودند.

3- فاجعه هیروشیما و ناگازاکی

بمباران اتمی هیروشیما و ناگازاکی دو عملیات اتمی بود که در زمان جنگ جهانی دوم به دستور هری ترومن، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، علیه امپراتوری ژاپن انجام شد. در این دو عملیات، دو بمب اتمی به فاصله ۳ روز بر روی شهرهای هیروشیما و ناگازاکی انداخته شد که باعث ویرانی و کشتار گسترده شهروندان این دو شهر شد.

انفجار اتمی در دو شهر هیروشیما و ناکازاکی را شاید بتوان یکی از بزرگ‌ترین جنایت‌های تاریخی آمریکا قلمداد کرد که به مرگ آنی 220 هزار تن منجر شد و صدها هزار تن نیز طی سال‌های پس از آن بر اثر تاثیرات آن فاجعه دچار بیماری‌های حاد شدند.

4- کشتار 3 میلیون ویتنامی با مشارکت آمریکا

جنگ ویتنام نام مجموعه عملیات و درگیری‌های نظامی‌ای است که از سال ۱۹۵۵ تا ۱۹۷۵ بین نیروهای ویتنام شمالی و جبهه ملی آزادی‌بخش ویتنام جنوبی معروف به "ویت‌کنگ" از یک سو، و نیروهای ویتنام جنوبی و متحدانش به ویژه ایالات متحده آمریکا از سوی دیگر رخ داد.

جنگ آمریکا علیه ویتنام در زمان ریاست جمهوری لیندون جانسون آغاز شد و بر اساس آمار در طی 16 سال جنگ، حدود 3 میلیون ویتنامی کشته شدند.

کشتار می‌لای "به مثابه یکی از جنایت‌های جنگی آمریکا، واقعه‌ای در روز ۱۶ مارس ۱۹۶۸ میلادی است که در جریان جنگ ویتنام بود و طی آن ۳۴۷ تا ۵۰۴ شهروند غیرنظامی جمهوری ویتنام جنوبی توسط سربازان واحد گردان سوم تجسسی ارتش آمریکا به قتل رسیدند. اکثر قربانیان غیرنظامیان زن و کودک بودند. قبل از قتل، برخی از قربانیان مورد شکنجه و قطع اندام نیز قرار گرفته بودند. برخی از اجساد نیز در جریان کشتار توسط سربازان قطعه‌قطعه شده بودند. علاوه بر کشتار دهکده‌های می‌لای، جنایت‌هایی در می‌خه و سون می در جریان جنگ ویتنام رخ داد که افراد زیادی در آن کشته شدند.

از جمله مهم‌ترین جنایات آمریکا در جنگ ویتنام، سم‌پاشی مناطق ویت‌کنگ‌ها با ماده شیمیایی بود. عنصر نارنجی که توسط هواپیماهای آمریکایی بر این مناطق بارید با ماده دی

اکسین، سال‌های سال منجر به بیماری‌هایی چون سرطان و معلولیت ذهنی در این منطقه شده است.

امریکاییان سالانه 500 هزار تن بمب به این سرزمین ریختند، جنگل‌ها را با ناپالم سوزاندند و انسان‌ها را زنده زنده بریان کردند.

از سال 1965 کشورهای هم‌مرز ویتنام، کامبوج و لائوس نیز به دلیل کمک سربازان این دو کشور به ویت‌کنگ‌ها هدف حملات هوایی آمریکا قرار گرفتند. تجاوز به زنان، شکنجه دادن آنها و کشتن مردم عادی توسط نیروهای آمریکایی از 1967 به بعد شدت یافت و جنایت بزرگی در تاریخ جهان ثبت کرد.

5- کشتار مردم کره توسط آمریکا در سال 1950

جنگ کره جنگی میان جمهوری کره (کره جنوبی) با پشتیبانی نیروهای سازمان ملل متحد به رهبری ایالات متحده و جمهوری دمکراتیک خلق کره (کره شمالی) با پشتیبانی چین و کمک نظامی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بود که در ۲۵ ژوئن ۱۹۵۰ با ورود نیروهای تحت فرمان حکومت کمونیستی کیم ایل سونگ به بخش جنوبی آغاز شد.

کشتار غیرنظامیان از جنایت‌های آمریکا در این جنگ بود که حدود ۳۰۰ شهروند کره‌ای توسط نیروهای ارتش آمریکا و بین ۲۶ تا ۲۹ ژوئیه ۱۹۵۰ در روستای نو گون ری کشته شدند. این کشتار توسط واحدهای لشکر یک مکانیزه آمریکا و در زیر پل آن روستا انجام شد. این واقعه را دومین واقعه تلخ بعد از کشتار می لای می دانند.

6- جنایت آمریکا در افغانستان

جنگ آمریکا در افغانستان از ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۴، دوره‌ای از جنگ است که به بهانه آمریکا مبنی بر حمله القاعده به نیویورک و واشنگتن در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد.

این جنگ ده‌ها هزار تلفات مستقیم غیرنظامی برجا گذاشت. بیش از ۴۰۰۰ سرباز آیساف و پیمانکاران غیرنظامی، ۱۵۰۰۰ نیروهای امنیت ملی افغانستان و همچنین بیش از ۲۰ هزار غیرنظامی کشته شدند. در حال حاضر آمار دقیقی از تعداد کل کشته شدگان این جنگ در دست نیست، اما طبق مطالعات پروفیسور "مارک هرولد" که در روزنامه گاردین منتشر شد، فقط در سه ماه اول جنگ بیش از ۴۰۰۰ تن کشته شده‌اند. تنها در سال ۲۰۰۹ بمب‌های دست ساز و مین‌های کنارجاده‌ای ۱۰۵۴ نفر قربانی گرفته‌اند. در عین حال، ده‌ها هزار غیرنظامی از زمان آغاز حملات هوایی آمریکا در سال ۲۰۰۱ تا زمان حاضر در افغانستان جان باخته‌اند.

ارتش آمریکا ۷ اکتبر ۲۰۰۱ برای نخستین بار اهدافی را در ولایت‌های کابل، قندهار، و B-52 ننگرهار، قندوز، جوزجان، لوگر، تخار، نیمروز، فراه و غزنی با جنگنده‌های موشک‌های کروز مورد حمله قرار دادند. در سه هفته اول این حملات بیش از هزار نفر در این مناطق کشته شدند.

در ۱۷ اکتبر ۲۰۰۱ حداقل ۲۹ غیرنظامی در روستایی در نزدیکی قندهار در حمله یک جنگنده آمریکا کشته شدند. به گزارش روزنامه «گاردین»، کاروانی متشکل از ۱۲ خودروی حامل نمایندگان قبایل ولایت شرقی که به دعوت حکومت موقت کابل به منظور شرکت در ارتش آمریکا AC-130 مراسمی در حال حرکت به سوی پایتخت بودند توسط هواپیمای هدف قرار گرفته و ۶۵ نفر کشته شدند. همچنین سازمان ملل متحد در ۲۱ دسامبر همان سال اعلام کرد که در ۲۹ دسامبر ۲۰۰۱ جنگنده‌های ارتش آمریکا یک روستا در نزدیکی

شهر گردیز مرکز ولایت پکتیا را بمباران کرده‌اند. در این حمله حداقل 52 غیرنظامی افغان از جمله تعدادی زیادی زن و کودک کشته شدند. سخنگوی پنتاگون در آن زمان مدعی شد که انبار مهمات طالبان در روستای مذکور منهدم شده است. شمار تلفات غیرنظامیان افغان در سال 2001-2002 از مرز تعداد قربانیان 11 سپتامبر گذشت.

پروفسور مارک هیرالد تاکید می‌کند که 3800 افغان از 7 اکتبر الی 7 دسامبر 2001 توسط امریکا به قتل رسیده‌اند. خبرگزاری آسوشیتدپرس طی گزارشی در 3 دسامبر 2001، تحت عنوان «بمب ایالات متحده روستای زراعی را با خاک یکسان کرد» از کشته شدن 155 تا 300 تن از ساکنان روستای کامه ادو در ننگرهار خبر داد. روزنامه دیلی گراف نیز به تاریخ 20 دسامبر 2001 در گزارشی تحت عنوان «غیرنظامیان بهای بمب‌های منحرف شده آمریکا را می‌پردازند» اعلام کرده که ده‌ها تن کشته شده‌اند. خبرگزاری پژواک و رسانه‌های بین‌المللی دیگر نیز در 25 اکتبر 2006 از کشته شدن حدود 90 غیرنظامی در روستای پنجوایی قندهار خبر دادند. نیروهای آمریکایی با بمباران این روستا فاجعه بزرگی آفریدند، اما هرگز از این قتل‌عام‌ها عذرخواهی نکردند.

براساس گزارش دولت افغانستان در ماه مه 2007 طی دو روز بمباران جنگنده‌های آمریکایی به روستایی در نزدیکی هرات، دست‌کم 42 نفر، از جمله تعدادی زن و کودک قتل‌عام شدند. در این بمباران 100 خانه ویران و حدود 1600 نفر بی‌خانمان شدند. در پی حمله هوایی روز 22 اوت 2008 به روستای عزیزآباد در ولایت هرات، نیز 90 غیرنظامی کشته شدند. مقامات امنیتی افغانستان 4 مه 2009 اعلام کردند که حملات هوایی ناتو به رهبری آمریکا در منطقه گرانی ولایت فراه باعث کشته شدن 145 غیرنظامی از جمله 92 کودک و 22 زن شد. حملات هوایی آمریکا در 23 ژوئیه 2010 به منطقه سنگین ولایت ننگرهار باعث کشته شدن بیش از 52 زن و کودک بی‌گناه شد. بیش از 400 نفر در خیابان‌های کابل به تظاهرات پرداخته و این حمله را محکوم کردند. هیئتی از کابل برای

تحقیق به منطقه اعزام شدند. براساس بررسی‌های هیئت، تمامی کشته شدگان زنان و کودکان بودند. نیروی هوایی ایالات متحده آمریکا در 3 اکتبر 2015، با جنگنده لاکهید بیمارستان قندوز در شمال افغانستان را هدف حمله قرار داد. در این حمله AC-130U دستکم 42 غیرنظامی کشته و 30 نفر مجروح شدند. سازمان پزشکان بدون مرز پس از این فاجعه اعلام کرد که بیش‌تر کلیه هشدارها راجع به موقعیت مکانی بیمارستان به نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا داده شده بود و این حمله عمدی صورت گرفته است. این سازمان در ادامه حمله به بیمارستان را نقض حقوق بین‌الملل عنوان کرد و تمامی کارمندان خود را از این شهر خارج کرد.

7- همدستی با رژیم بعث عراق در هشت سال جنگ تحمیلی علیه ایران

جنگ رژیم بعث عراق با ایران، طولانی‌ترین جنگ متعارف در قرن بیستم میلادی و دومین جنگ طولانی این قرن پس از جنگ ویتنام بود که نزدیک به هشت سال به طول انجامید. جنگ به صورت رسمی در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ برابر ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ آغاز شد. در این روز درگیری‌های پراکنده مرزی دو کشور با یورش هم‌زمان نیروی هوایی عراق به ده فرودگاه نظامی و غیرنظامی ایران و تهاجم نیروی زمینی این کشور در تمام مرزها به یک جنگ تمام عیار تبدیل شد. در طی این جنگ نابرابر که همه قدرت‌های جهانی بخصوص آمریکا از صدام حمایت می‌کردند، ۱۶ هزار نفر در جریان بمباران مناطق مسکونی به شهادت رسیدند و بقیه در جبهه‌های نبرد شهید شدند. شهدای بسیجی ۸۵ هزار و ارتشی ۴۸ هزار نفر بودند. بیش از ۳۳ هزار دانش‌آموز و بیش از ۳۵۰۰ دانشجو هم طی این هشت سال به شهادت رسیدند. روحانیت نیز ۳۳۱۷ شهید داشتند. در این دوران شہت ساله نیز ۸۸ مسیحی، ۱۸ کلیمی و ۹ زرتشتی در دفاع از خاک میهن شهید شدند و ۲ هزار تبعه غیرایرانی نیز با حضور در جبهه‌ها به شهادت رسیدند.

در پشت صحنه این جنایت‌های جنگی وحشیانه، آمریکا قرار داشت که تلاش داشت از اهرم‌های منطقه‌ای برای مهار ایران و قدرت روزافزون انقلاب اسلامی جلوگیری کند. تحریم اقتصادی آمریکا علیه ایران، عراق را بیش از گذشته با انگیزه‌تر کرد. ماهواره‌های آمریکا تصاویر نبرد و اطلاعات استراتژیک نظامی را ساعت به ساعت به ایستگاه‌های آمریکا منعکس می‌کردند و ایستگاه‌های ردیابی، کلیه مکالمات نیروهای مسلح ایران را ثبت کرده و در اختیار ارتش صدام حسین می‌گذاشتند. تشکیل شورای همکاری خلیج فارس و ایجاد یک نیروی نظامی امنیتی در خلیج فارس با نظارت و رهبری آمریکا، در واقع حضور نظامی آمریکا در منطقه را مشروعیت بخشید تا در صورت تضعیف عراق و برتری ایران، آمریکا مستقیماً کفه ترازو را به نفع عراق سنگین‌تر کند.

رژیم بعث عراق همچنین جنگ از راه دور (جنگ نفتکش‌ها، جنگ شهرها و حملات موشکی بر علیه مراکز اقتصادی) را در رؤس اهداف نظامی خود قرار داد و آمریکا در راس کشورهایی بود که امکانات نظامی وسیعی را در این زمینه در اختیار دولت بعثی عراق قرار دادند.

8- جنایت آمریکا در عراق

جنگ عراق یک عملیات نظامی است که در ۲۰ مارس ۲۰۰۳ با حمله یک ائتلاف بین‌المللی به رهبری ایالات متحده به عراق آغاز شد. این جنگ با خروج آخرین تیپ رزمی آمریکایی در ۱۹ اوت ۲۰۱۰ به‌طور رسمی خاتمه یافت. هر چند بعد از آن هم حدود ۵۰ هزار نیروی آمریکایی عمدتاً به بهانه آموزش سربازان عراقی در این کشور باقی ماندند.

دو توجیه عمده برای آغاز این جنگ توسط جرج بوش رئیس‌جمهور وقت آمریکا مطرح شد که یکی از آن‌ها رابطه صدام حسین با القاعده و دیگری نابود کردن سلاح‌های کشتار جمعی عراق بنابر توافق‌نامه ۱۹۹۱ بود. تجاوز به زنان و کودکان، بهره‌گیری از سلاح شیمیایی، کشتار جوانان و مخالفان حمله نظامی آمریکا، تخریب نهادهای آموزشی و بهداشتی، غارت اموال مردم، کشتار بی‌دلیل بی‌گناهان، آزار و اذیت کودکان، کشتار دسته‌جمعی اهالی روستاهای عراق، زنده به گور کردن مخالفان، به آتش کشیدن روستاهای مخالف حضور نظامی آمریکا در عراق و... برخی از جنایت‌های آمریکا در کشور عراق است.

شمار نظامیان آمریکایی که در جنگ آمریکا در عراق کشته شدند به ۴ هزار و ۷۹۵ نفر رسید و هزینه جنگ در عراق ۷۸۰ میلیارد دلار برآورد شده است.

براساس این جنگ افروزی آمریکا، در عراق تا سال ۲۰۰۷ سوءتغذیه کودکان به ۲۸٪ رسید و گزارش‌ها حاکی از آن بود که حدود ۶۰ تا ۷۰٪ از کودکان عراقی دچار مشکلات روانی شده‌اند. بیشتر عراقی‌ها به آب آشامیدنی سالم دسترسی نداشتند. به نظر می‌رسید شیوع وبا در شمال عراق به سبب کیفیت پایین آب بوده باشد. بیش از نیمی از پزشکان عراقی بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ این کشور را ترک کردند. گفته می‌شود که کاربرد اورانیوم ضعیف‌شده و فسفر سفید در سلاح‌های آمریکایی باعث نارسایی‌های نوزادان و سرطان گسترده در فلوجه شده است.

بنابر آمارهای کمیساریای عالی سازمان ملل برای پناهندگان، ۴/۴ میلیون عراقی تا پایان ۲۰۱۵ آواره شده‌اند. در طول جنگ جمعیت مسیحیان عراقی به شدت کاهش پیدا کرد به طوری که از ۵/۱ میلیون نفر در ۲۰۰۳ به ۵۰۰۰۰ نفر در ۲۰۱۵ رسید.

طبق آمار ویکی لیکس پیرامون گزارش‌های روزانه طبقه‌بندی شده جنگ عراق، از ژانویه ۲۰۰۴ تا دسامبر ۲۰۰۹ نیز ۶۶۰۸۱ غیرنظامی کشته شدند. این در حالی است که در تاریخ اوت ۲۰۰۷ منتشر شده است، ORB براساس پژوهش مؤسسه نظرسنجی ۱۰۳۳۰۰۰ مرگ خشونت‌بار ناشی از جنگ در کشور عراق افتادگی است

جنایت‌های انگلستان در طول تاریخ

1- جنایت انگلیس در افغانستان

جنگ اول افغانستان و انگلیس (۱۸۳۹ - ۱۸۴۲) در بخش جنوبی دره هلمند روی داد. این جنگ، یکی از اولین لشکرکشی‌های بزرگ قرن نوزدهم در جریان رقابت‌ها بر سر تصاحب قدرت و نفوذ در منطقه آسیای مرکزی بود که با عنوان بازی بزرگ امپراتوری بریتانیا شناخته می‌شود. در این جنگ تعداد زیادی از مردم حوالی هلمند به قتل رسیدند و ترس و وحشت در افغانستان به وجود آمد. در عین حال، آبادانی و توسعه افغانستان متوقف شد و قتل و غارت در این کشور فزونی یافت و تعدادی از غیرنظامیان در این لشکرکشی کشته شدند.

2- اشغال هند و قحطی‌های کشنده

طی اشغال هند توسط نیروهای بریتانیا، بر اساس منابع مختلف تاریخی، در دهه ۱۷۷۰ میلادی بیش از ۱۰ میلیون هندی تنها در ایالت بنگال این کشور، بر اثر قحطی و گرسنگی،

بیماری، بدرفتاری و شکنجه به دست نظامیان انگلیس و یا بر اثر فشار کار اجباری جان خود را از دست دادند. از سال 1942 نیز قحطی دیگری به دلیل تصمیم استعماری دولت بریتانیا و شخص چرچیل در هندوستان به وقوع پیوست که در حدود 5 میلیون هندی دیگر را به کام مرگ کشاند. طی سال‌های 1942 تا 1944 بین 3/5 تا 5 میلیون هندی بر اثر قحطی جان باختند. به دستور چرچیل در این سال‌ها، تمامی کشتی‌هایی که برای انتقال مواد غذایی به هند مورد استفاده قرار می‌گرفت، به انتقال تجهیزات و آذوقه برای نیروهای نظامی انگلستان در شمال آفریقا به کار گرفته شدند و بدین ترتیب قحطی بزرگی این بار نیز در ایالت بنگال هند جان میلیون‌ها هندی را گرفت.

کشتار آمریت سر در پنجاب هندوستان به تاریخ 1919 یکی دیگر از فجایع جنگی انگلیس در هندوستان است. در طی این کشتار، معترضین به شکل مسالمت‌آمیز در مکانی جمع شدند تا به حکومت‌داری امپراتوری بریتانیا و شرایط اقتصادی اعتراض کنند. نیروهای انگلیسی به جای شنیدن صدای معترضین تمام خروجی‌ها را بستند و همه را به رگبار بستند. در عرض 10 دقیقه حدود 1000 نفر کشته و همین میزان به شدت زخمی شدند. پارلمان انگلستان سر تیپ ریچینالد دایر فرمانده نیروها که دستور شلیک را صادر کرده بود را احضار کرد ولی به وی مدال شجاعت داد و با پاداشی 900 هزار دلاری وی را ناجی هندوستان نامید.

3- جنگ بوئر در آفریقای جنوبی

انگلستان در طول جنگ‌های بوئر (1900 تا 1902) چندین هزار انسان بی‌گناه را فقط برای جلوگیری از خطرات احتمالی شورش داخلی، در اردوگاه‌های کار اجباری زندانی کرد. در عرض یک سال 10 درصد از مردم بوئر در مریضی و گرسنگی این اردوگاه‌ها مردند تا

دولت بریتانیا به اهداف استعماری و اقتصادی خود در آفریقا برسد. سیاست‌های انگلیس برای کنترل مردم آفریقای جنوبی حدود 48 هزار کشته غیرنظامی، شامل زنان و کودکان برجای گذاشت. این آمار جدای از 30 هزار کشته‌شده جنگ بوئر است

4-نسل کشی ایرانیان در سال‌های 1917 تا 1919

در طول تاریخ، انگلیس جنایات متعددی را در ایران مرتکب شده است. یکی از آن جنایات کشتار تقریباً 40٪ از جمعیت ایران در طول سال‌های 1917 تا 1919 میلادی بوده است. به دیگر سخن انگلیس تقریباً 9 تا 10 میلیون نفر از جمعیت ایران را در طول این سال‌ها قتل عام کرد.

در آن دوران انگلیس نه تنها از پرداخت پول درآمدهای نفتی ایران امتناع می‌کرد بلکه غلات ایران را غارت کرده و نیز اجازه نمی‌داد تا غلات و مواد غذایی از کشورهای دیگر، نظیر آمریکا، هند و ... وارد ایران شود و این امر باعث شده بود تا قیمت مواد خوراکی و غلات در ایران به شدت افزایش یابد و قحطی ایران را فرا بگیرد و در اثر گرسنگی و سوء تغذیه بین 9 تا 10 میلیون نفر از ایرانیان طی دو سال جان خود را از دست بدهند.

براساس اسناد وزارت امور خارجه آمریکا، جمعیت ایران در سال 1914 میلادی 20 میلیون نفر بوده است. این جمعیت در 5 سال بعد، یعنی در سال 1919 به 11 میلیون نفر تقلیل یافته است و علت آن سیاست نسل‌کشی انگلیس در ایران بوده است.

5-بمباران شیمایی عراق توسط انگلیس

بمباران شیمیایی عراق به دستور چرچیل یکی از فجایع انسانی در طول تاریخ است. انگلیسی‌ها سلاح‌های شیمیایی خود را در عراق آزمایش کرده‌اند که مقدمات اشغال عراق در سال 2003 را فراهم کرد.

در سال 1919 سرهنگ آرتور هریس ملقب به هریس بمب افکن گفت: اعراب و کردها اکنون می‌فهمند که معنی واقعی بمباران چیست زیرا ظرف 45 دقیقه می‌توانیم روستاها و یک سوم ساکنان آن را نابود کنیم.

در آن زمان فرماندهی نیروی هوایی انگلیس در آسیای غربی، آزمایش سلاح شیمیایی بر اعرابی که سرسختانه مقاومت می‌کردند را تقاضا کرد. وینستون چرچیل وزیر جنگ وقت حمایت گسترده خود را از بکارگیری گازهای سمی بر ضد عشایر عراق اعلام کرد. استفاده از گازهای کشنده در سال 1920 نیز ادامه یافت. نیروی هوایی انگلیس بار دیگر در سال 1925 از این سلاح‌ها برای سرکوب اهالی سلیمانیه عراق استفاده کرد. انگلیسی‌ها پاسخ ناآرامی‌های داخل عراق را با حملات شیمیایی ارتش در جنوب، و بمباران جنگنده‌های نیروی هوایی سلطنتی بریتانیا در شمال و جنوب دادند. بمب‌گذاری، بمباران شبانه، بمب‌افکن‌های سنگین، بمب‌های تأخیری (که به خصوص جان کودکان را تهدید می‌کند) همه و همه در طول حملات بر روستاهای کاه‌گلی و سنگی توسط انگلیس در کشور عراق رخ داد.

نیروی هوایی سلطنتی در آغاز به منظور سرکوب شورش اعراب و کردها و محافظت از ذخایر نفتی تازه اکتشاف شده و محافظت از شهرک‌نشینان یهودی در فلسطین و دور نگاه داشتن ترکیه به عراق اعزام شد. چرچیل به خصوص بر استفاده از سلاح‌های شیمیایی مصر بود و می‌گفت این سلاح‌ها باید علیه "اعراب سرکش" به طور آزمایشی به کار روند. در این راستا حملات به روستاها آغاز شد.

یکی دیگر از روش‌های انگلیسی‌ها در برخورد با عراقیان به رگبار بستن اهالی قبایل در حال فرار از آلودگی شیمیایی بود. با این روش چندین هزار عراقی دیگر نیز کشته شدند.

6- قتل عام مردم آلمان توسط انگلیس در جنگ دوم جهانی

انگلستان و فرانسه در 3 سپتامبر 1939 علیه آلمان رایش اعلان جنگ دادند. دو روز بعد از این واقعه انگلستان بمباران شهرها و جمعیت غیرنظامی آلمان را آغاز کرد. در 5 سپتامبر 1939 اولین حملات هوایی علیه شهرهای کوکس‌هاون و ویلهلم‌شاون انجام گرفت؛ در 12 ژانویه 1940 شهر وسترلند بمباران شد. در 20 مارس، 110 بمب انفجاری و آتش‌زا بر فراز شهرهای کیل و هرنوم رها شدند. در این حمله یک بیمارستان به کلی تخریب شد. در آوریل 1940، بمب‌افکن‌های ارتش بریتانیا حملاتی فزاینده علیه شهرهایی انجام دادند که دارای هیچ نوع تأسیسات و اهمیت نظامی نبودند. وینستون چرچیل در 11 می 1940، و درست یک روز بعد از انتصاب به عنوان نخست‌وزیر و وزیر جنگ تصمیم گرفت دستوری مبنی بر انجام حملات هوایی وسیع علیه مردم غیرنظامی آلمان صادر کند. با این حال وی مردم انگلستان را از اتخاذ این تصمیم مطلع نکرد. قربانیان بمباران درسدن، تلفات و نحوه کشته شدن قربانیان، فجیع‌تر و فراتر از یک عملیات و بمباران ساده نظامی بود. هدف نیروهای متفقین نابود کردن مردم آلمان به ترسناکترین شکل ممکن بود. وی در صبح روز بعد از بمباران به هواپیماهای سبک دستور داد که بازماندگان بمباران‌ها را در ساحل رودخانه الب به رگبار ببندند.

7- کشتار مردم ایرلند شمالی

در شمال ایرلند شواهد معتبری در رابطه با تعداد موارد کشتار شهروندان غیرنظامی از سوی سربازان انگلیسی موجود است. بین سال‌های 1970 و 2000 پرسنل نظامی انگلیس بیش از 300 شهروند مرد، زن و کودک را به قتل رسانده‌اند. تمامی قربانیان غیرمسلح بودند و هیچ یک خطر جانی برای سربازان انگلیسی به شمار نمی‌رفتند. در میان کشته‌شدگان کشیشان کاتولیک، زنان مسن، کودکان و حتی دختران نوجوان به چشم می‌خورند. اسنادی از دولت انگلیس منتشر شده است که در سال 1972 به تمامی سربازان انگلیسی متهم به کشتار شهروندان غیرنظامی در شمال ایرلند بخشودگی تعلق گرفت.

8-کشتار مردم یمن

شکنجه‌گاه‌های عدن در یمن طی سال‌های 1963-1966 یکی دیگر از جنایت‌های انگلستان است. در دهه 1960 یمنی‌ها برای در دست گرفتن بندرگاه یمن دست به کار شدند. انگلیسی‌ها بهترین راه سرکوب مخالفان را در ایجاد شکنجه‌گاه‌های مخوف دیدند. نگهداری مخالفان در سلول‌های یخچالی با تن کاملاً برهنه موجب شد بسیاری از آن‌ها ذات‌الریه بگیرند و از بین بروند. سوزاندن بدن‌ها با سیگار، نشاندن زندانیان برهنه روی نیزه و تجاوز جنسی از دیگر شکنجه‌های این مراکز بود.

جنایت‌های فرانسه

1-جنگ الجزایر

در 18 مه 1830 فرانسه به بهانه آن که فرمانروای الجزایر، سه سال پیش از آن، برای وصول هفت میلیون فرانک طلب این کشور از فرانسه، پاریس را تهدید کرده بود، دستور حمله به الجزایر را صادر کرد. اما بر خلاف تصور دولت مردان فرانسه، مردم الجزایر در مقابل حمله به کشورشان به شدت مقاومت کردند و حتی پس از اشغال این کشور توسط سربازان فرانسوی، امیر عبدالقادر الجزایری، سال‌ها با آن‌ها مبارزه کرد. با این وصف، به دلیل برتری تجهیزات فرانسویان، آنان پس از کشتار و شکنجه مردم و تجاوز به عنف در این کشور و سرکوب مقاومت آزادی‌خواهان مسلمان الجزایری، بر این کشور مسلط شدند.

سرانجام در سال 1962، پس از یک جنگ استقلال طلبانه خونین که طی آن بین 500000 تا 1500000 نفر به دست ارتش فرانسه و جبهه ملی آزادی کشته شدند، کشور الجزایر به پایتختی الجزیره اعلام استقلال کرد. بهانه حمله به الجزایر ادب کردن پادشاه آن کشور خوانده شد اما نتیجه آن تخریب آبادی الجزایر و آوارگی ملت آن و شکنجه و کشتن هزاران الجزایری و تجاوز وحشیانه به نوامیس آنان بود. از جمله جنایت‌های تاریخی این اشغال جدا کردن سر مسلمانان توسط نیروهای فرانسوی در الجزایر بود.

2- جنایات فرانسه در جنگ جهانی دوم

کشتار آندلوت یکی از فجایع جنگی فرانسوی‌ها در 12 سپتامبر 1944 است. در این تاریخ نیروهای فرانسوی حدود 500 اسیر آلمانی را در انباری جمع کردند و به دستور فرمانده با تانک به جمعیت شلیک کردند. دست و پای قربانیان به همه سو پراکنده می‌شد و آن‌هایی که هنوز نفس می‌کشیدند را با مسلسل تیرباران کردند.

در دوران جنگ جهانی دوم، در آوریل 1945 شهر فرودنشتات در جنوب غربی آلمان مورد هجوم نیروهای فرانسوی قرار گرفت. فرانسوی‌ها این شهر را که مردم غیرنظامی در

آن سکونت داشتند به مدت 16 ساعت زیر توپ گرفتند. حدود 600 ساختمان، یعنی 95 درصد از کل شهر در این چند ساعت نابود و 1400 خانوار آواره شدند. فرانسوی‌ها طی حملات بعدیشان از هر گونه خشونت و تجاوزی استفاده کردند. سربازان فرانسوی سربازان آلمانی را آغشته به گازوئیل می‌کردند و به آتش می‌کشیدند و سوختنشان را تماشا می‌کردند. صدها اسیر آلمانی در فرودگاه لو بورژه در نزدیکی پاریس کشته شدند و بسیاری از اسرا زیر چرخ‌های تانک توسط فرانسوی‌ها از بین رفتند.

3- کمک‌های فرانسه به رژیم بعث در جنگ تحمیلی علیه ایران

مجموعه کمک‌های نظامی و اطلاعاتی فرانسه از قبل از جنگ ایران و عراق یعنی سال ۱۹۷۳ شروع شد و با شروع جنگ ۸ ساله نیز این کمک‌ها شدت گرفت. حجم کمک‌های نظامی و فروش تجهیزات فرانسه به عراق در طول جنگ تا حدی بود که این کشور در رده دوم فروشندگان تسلیحات به عراق قرار گرفت. با توجه به سند شماره 53/4/2099/د مورخ ۲ آوریل ۱۹۸۷ وزارت دفاع عراق، فیلیپ روندو، از نقش خود در ارسال هواپیماهای میراژ و موشک‌های رولاند خطاب به عدنان خیرالله سخن می‌گوید. وی همچنین خبر از بحث در هیئت دولت فرانسه بر سر امکان دستیابی محدود عراق به سلاح هسته‌ای در جنگ می‌دهد.

دکترین نیروی هوایی عراق بیش از شوروی به فرانسه نزدیک بود. رژیم بعث از بهترین خلبانان خود بجای هواپیماهای شوروی، بر روی هواپیماهای فرانسوی استفاده می‌کرد. فرانسه قرار داد فروش ۱۳۳ فروند داسو میراژ اف ۱ را بین سال‌های ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۷ با عراق امضا کرد. فرانسه ۵ فروند سوپر اتاندارد در اختیار عراق قرار داد که به موشک اگزوست مجهز شده و در جنگ نفتکش‌ها توسط عراق بکار گرفته شد. در همین راستا،

فرانسه هلیکوپترهای آئروسپاسیال آلوئت ۴ پوما (بالگرد) سوپر فرلون را در اختیار عراق قرار داد.

اطلاعاتی که در سال ۱۹۹۰ منتشر شد نشان می‌داد که فرانسه از تأمین کنندگان زنجیره تولید بمب‌های شیمیایی برای عراق علیه ایران بوده‌است. ده‌ها هزار ایرانی که بخش عمده‌ای از آنان را غیر نظامیان تشکیل می‌دادند از جمله ده‌ها هزار کرد عراقی با بمب‌های شیمیایی صدام قتل‌عام یا مجروح شدند و پس از تحمل سال‌ها درد و رنج از دنیا رفتند.

4- عملیات هوایی، نظامی و اطلاعاتی فرانسه علیه لیبی

فرانسه در سال 2011 میلادی نقش مهمی در حملات هوایی ناتو به لیبی داشته‌است. پاریس همچنین تایید کرده‌است که یک پایگاه نظامی پیشرفته را در شمال نیجر در مرز لیبی احداث کرده‌است. حمله هوایی علیه ارتش لیبی اولین بار توسط نیروی هوایی فرانسه انجام شد و طی اقدامات نیروهای فرانسوی، بسیاری از غیرنظامیان کشته شدند.

دولت ایالات متحده در طول دوران ممنوعیت مصرف در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ الکل را مسموم کرد که منجر به کشته شدن بیش از ۱۰ هزار نفر شد.

دولت ژاپن!

در جنگ جهانی دوم، ژاپن در کنار آلمان بود. در جریان حمله ژاپن به چین، ژاپنی‌ها در مجموع ده میلیون چینی را مستقیم یا غیر مستقیم کشتند. صدها هزار نفر از این چینی‌ها

زنده به گور شدند. گزارشی می‌گوید که ده‌ها هزار سرباز هندی هم در همین راستا کشته شده‌اند

کی دیگر از اعمال ژاپن در جنگ جهانی دوم انجام جراحی بدون بیهوشی روی اسیران جنگی بود. در مجموع تخمین زده می‌شود که ژاپنی‌ها روی ۲۷۰۰ اسیر جنگی، از جمله ۱۷ خلبان اسیر آمریکایی عمل جراحی بدون بیهوشی انجام داده‌اند و نتایج آن را در محافل علمی گزارش کرده‌اند. دکتر شیرو ایشی پزشک ژاپنی به تنهایی روی بیش از ۷۰۰ اسیر جنگی سلاح‌های بیولوژیکی، قطع عضو بدون بیهوشی، و عمل جراحی بدون بیهوشی تست کرد. و بسیاری از این اتفاقات روی کودکان انجام می‌شد. در سال ۱۹۴۸ سی پزشک و یک پرستار زن به جرم آزمایش سلاح‌های بیولوژیکی روی صدها غیرنظامی چینی محاکمه شدند. آنها به اعدام و احکام بلند مدت محکوم شدند اما کم‌کم آزاد شدند و در سال ۱۹۵۸ دیگر هیچ‌کدام از آنها در زندان نبود. به شیرو ایشی امان‌نامه داده شده در صورتی که اطلاعات خود از آزمایش روی اسرا را تحویل بدهد، او محاکمه نخواهد شد و نشد.

ژاپنی‌ها روشی به اسم راهپیمایی مرگ داشتند که در آن اسیران را اینقدر پیاده راه می‌بردند تا بیش از ۹۰ درصد آنها می‌مردند. در بین ده درصدی که زنده می‌ماندند هم تعدادی کشته می‌شدند.

یکی دیگر از جنایات جنگی ژاپنی‌ها مسابقه قطع سر صد اسیر بود. روزنامه‌های ژاپنی با آب و تاب گزارش‌هایی را پخش می‌کردند که در آن یکی از افسران ژاپنی، مثلاً در فیلیپین، موفق شده بود رکورد قطع کردن سر صد اسیر را چند صدم ثانیه بهبود ببخشد!

افراد متفرقه از جنایتکاران که در کشورهای مختلف دست به جنایت می‌زدند:

قاتلان زنجیره‌ای با بالاترین تعداد قربانی شناخته‌شده

پرکارترین قاتل زنجیره‌ای نوین «هارولد شیپمن» است؛ با ۲۱۸ قتل اثبات‌شده که با در نظر گرفتن قتل‌های مشکوک به ۲۵۰ مورد نیز می‌رسد. به‌استثنای «فهرست قاتلان متخصص پزشکی و شبه‌پزشکی» که توانایی کشتن را به‌سادگی و در روز روشن را دارند و گروه‌ها و زوج‌های قاتل زنجیره‌ای، این فهرستی تلفیقی از قاتلان زنجیره‌ای نوین است که در حال حاضر بالاترین تعداد قربانی اثبات‌شده را دارند.

توضیحات قربانیان احتمالی قربانیان اثبات شده سال‌های فعالیت کشور نام

۱۷۲- ۱۳۸ تا ۱۹۹۹ [۲] ۱۹۹۲ کلمبیا اکوادور [۲] ونزوئلا [۲] لوئیس گارایتو
قاتل کودک، قاتل شکنجه‌گر و تجاوزگر معروف به «هیولا». اعتراف کرد که در طی ۳۰۰+
یک دوره هفت ساله، ۱۴۰ پسر بچه بین ۸ تا ۱۶ ساله را در کلمبیا و کشورهای همسایه
به قتل رسانده است. وی مظنون به قتل بیش از ۳۰۰ قربانی است که بیشتر کودکان خیابانی
[هستند. [۳] ۴]

قاتل کودک و ۳۰۰+ ۱۱۰ تا ۱۹۷۹ ۱۹۶۹ کلمبیا پرو اکوادور پدرو لوپز
تجاوزگر معروف به «هیولای آندس». دختران جوان در سنین ۸ تا ۱۲ ساله را مورد هدف
قرار می‌داد. در سال ۱۹۸۰ دستگیر و در سال ۱۹۸۳ به قتل سه دختر جوان محکوم شد،
اما ادعا شد که صدها نفر را کشته است. با وجود اینکه به عنوان یکی از پرکارترین قاتلان
[سریالی قرن بیستم شناخته می‌شد، اما در اواخر دهه ۱۹۹۰ آزاد شد. [۵]

قاتل کودک و تجاوزگر ۱۰۰ ۱۰۰ تا ۱۹۹۹ ۱۹۹۸ پاکستان جاوید اقبال
معروف به «کوکری». اقبال ۱۰۰ کودک خیابانی را با خفه کردن آنها و حل کردن اجساد در
اسید به قتل رساند. وی در سال ۱۹۹۹ به لطف نامه ای که برای روزنامه ارسال کرده بود
دستگیر شد و قرار بود به روشی که قاضی اظهار داشت اعدام شود: «تو در مقابل والدینی
که فرزندانشان را کشتید، خفه می‌شوید. سپس به ۱۰۰ قطعه بریده شده و در اسید ریخته
خواهید شد؛ به همان روشی که کودکان را کشتید.» [۶] با این حال، او قبل از اعدام در زندان
[درگذشت. [۷]

قاتل-متجاوز سریالی ۸۱ ۷۸ تا ۲۰۱۰ ۱۹۹۲ روسیه میخایل پوپکوف

با نام مستعار «گرگینه» که به مدت دو دهه در آنگارسک، ایرکوتسک و ولادیوستوک فعال بود. وی پس از محکومیت به ۲۲ قتل در سال ۲۰۱۵، به ۵۹ قتل دیگر نیز اعتراف کرد که در سال ۲۰۱۸، برای ۵۶ مورد آن مجرم شناخته شده و محکوم شد. [۸] ۹

تا ۱۹۸۶ ۱۹۷۴ کلمبیا اکوادور برزیل (ادعا شده) [۱۰] دانیل کامارگو باربوسا قاتل کودک و زن، به احتمال زیاد بیش از ۱۵۰ قربانی تجاوز و [۱۰] ۱۸۰ ۷۲ قتل دارد. هدف اولش دختر بچه‌ها بودند، زیرا احتمال باکره بودنشان زیادتر بود. به قتل ۷۲ نفر اعتراف کرده‌است. در کلمبیا، دختران جوانی را خفه کرد و سپس دستگیر شد اما از زندان فرار کرد و قتل‌هایش را در اکوادور ادامه داد. [نیازمند منبع] وی که در سال ۱۹۸۶ دوباره بازداشت شد و در همان زندانی که قاتل زنجیره‌ای «پدرو لویز» بود، نگهداری شد. [کامارگو توسط برادرزاده‌ی یکی از قربانیانش در زندان کشته شد. [۱۰] ۱۱]

وی ادعا کرد که بیش از ۱۰۰+ ۷۱ تا ۲۰۰۳ ۱۹۶۷ برزیل پدرو رودریگس فیلو ۱۰۰ قربانی را کشته‌است، ۴۷ نفر از آنها زندانی بودند. او همچنین پدرش را کشته و تکه‌ای از قلب او را خورد. او دو قربانی اول خود را در سن ۱۴ سالگی به قتل رساند. برای اولین بار در سال ۱۹۷۳ بازداشت شد و به ۱۲۸ سال زندان محکوم شد، اما حداکثر زمانی [که یک فرد می‌تواند در برزیل زندانی باشد، ۳۰ سال است. [۱۲]

این قاتل سریالی اسرارآمیز ۷۰+ ۷۰ تا ۱۹۷۸ ۱۹۷۷ هند کاپتیمار شانکاریا هندی از چکش برای کشتن بیش از ۷۰ زن و مرد در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۷۸ تا ۱۹۷۹

استفاده کرد. آخرین سخنان او این بود: «من بیهوده قتل کردم. هیچ کس نباید مانند من [شود].» [۱۳][۱۴][۱۵]

معروف به «هیولای قاتل». ۶۷ ۶۷ تا ۲۰۰۳ ۲۰۰۰ چین یانگ شین‌های
شب‌ها وارد خانه قربانیان می‌شد و با استفاده از تبر، ساطور، چکش و بیل آنها را به قتل
[می‌رساند. در سال ۲۰۰۴ توسط گلوله اعدام شد.] ۱۶

۵۳ ۵۶ تا ۱۹۷۸ ۱۹۹۰ اتحاد جماهیر شوروی آندری چیکاتیلو
معروف به «قصاب روستوف» یا «سرخ‌پوش». محکوم به قتل ۵۳ زن و کودک بین
سال‌های ۱۹۷۸ و ۱۹۹۰. قبلاً یک مرد را به جرم نخستین قتل وی محکوم و اعدام شد. در
[سال ۱۹۹۴ توسط گلوله اعدام شد.] ۱۷

۵۲+ ۵۲ تا ۱۹۸۹ ۱۹۹۶ اتحاد جماهیر شوروی اوکراین آناتولی اونورفونکو
معروف به «جانور اوکراین»، «نابودگر» و «شهروند اُ». محکوم به قتل نه نفر در سال
۱۹۸۹ و ۴۳ نفر در سال‌های ۱۹۹۵-۱۹۹۶. از ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۵ به‌طور غیرقانونی در طول
اروپا سفر کرد. اینکه آیا او در این مدت کسی را کشته‌است یا نه، نامعلوم است. ابتدا به
اعدام محکوم شد اما بعداً به حبس ابد تغییر کرد. در سال ۲۰۱۳ در اثر نارسایی قلبی
[درگذشت.] ۱۷

به قتل سه زن ۹۳ ۵۰ تا ۱۹۷۰ ۲۰۰۵ ایالات متحده آمریکا ساموئل لیتل
محکوم شد، اما تحقیقات بعدی ۳۱ قتل دیگر را با وی مرتبط کرد. اکنون تصور می‌شود که
لیتل پرکارترین قاتل سریالی آمریکا باشد. او ادعا کرد که در حدود ۹۳ نفر را کشته‌است،

سه مورد بیشتر از اعتراف اولیه‌اش که ۹۰ نفر بود. اف‌بی‌آی بعداً ۵۰ قتل که مربوط به [لیتل بود را تأیید کرد. تحقیقات در مورد جنایات وی ادامه دارد. [۱۸]] ۱۹

معروف به «کابو برونو»؛ افسر ۵۰+ ۱۹۸۲۵۰ برزیل فلوریزوالدو د الیویرا سابق پلیس و پارتیزان که در حومهٔ سائو پائولو جنایتکاران را به قتل می‌رساند. در سال [۲۰۱۲ توسط مهاجمان ناشناس به قتل رسید. [۲۰]

ملقب به «قصاب»؛ رابرت ۴۹ ۴۹ تا ۱۹۸۳۲۰۰۲ کانادا رابرت پیکتون پیکتون قاتل سریالی کانادایی بود که ۴۹ زن را به قتل رساند و با دادن اجزای بدنشان به عنوان غذا به خوک‌هایش، جسد آنها را از بین می‌برد. وی فقط به ۶ قتل محکوم شد اما به ۴۹ مورد متهم شده بود. متأسفانه، به دلیل عصبانیت خانواده‌های قربانیان، تنها ۴۳ فقره از اتهامات باقی مانده یا کاهش یافته‌است.

نقاش ۷۱-۹۰+ ۴۹ تا ۱۹۸۲۲۰۰۰ ایالات متحده آمریکا گری ریجوی ساختمانی که به قتل ۷۱ زن اعتراف کرد. همچنین به عنوان «قاتل گرین ریور» نیز شناخته می‌شود. وی تقریباً به‌طور انحصاری کارگران جنسی در سیاتل را هدف قرار داد. مظنون به قتل بیش از ۹۰ قربانی، اعتراف به قتل ۷۱ نفر، محکوم به قتل ۴۹ نفر. [۲۱] محکوم به حبس ابد بدون آزادی مشروط. در حال حاضر در زندان ای‌دی‌اکس فلورنس در کلرادو [زندان شده‌است. [۲۲]

معروف به «قاتل ۶۰ ۴۸ تا ۱۹۹۲۲۰۰۶ روسیه الکساندر پیچوشکین شطرنجی». محکوم به قتل ۴۸ قربانی و مظنون به قتل ۶۰ نفر. ادعا کرد که ۶۲ نفر را به

قتل رسانده‌است، زیرا نمی‌دانست که دو قربانی وی زنده مانده‌اند. گفت هدفش تبدیل

[شدن به پرکارترین قاتل سریالی روسیه بوده‌است. به حبس ابد محکوم شد. ۲۳]

از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۳، ۴۵ نفر را ۶۰+ ۴۵ تا ۲۰۰۳ ۱۹۹۵ چین وانگ کیانگ

[کشت و به ۱۰ نفر تجاوز کرد. در سال ۲۰۰۵ اعدام شد. ۲۴]

محکوم به ۷۰-۸۰+ ۴۲ تا ۱۹۹۷ ۱۹۸۶ اندونزی احمد سورادجی

خفه کردن حداقل ۴۲ زن و دختر در یک سری از کشتارهای آیینی که معتقد بود به او

[قدرت جادویی می‌دهد. در سال ۲۰۰۸ توسط جوخهٔ تیر اعدام شد. ۲۵]

در اواخر دههٔ ۱۹۶۰، راما ۴۱ ۴۱ تا ۱۹۶۸ ۱۹۶۵ هند راما راگاو

راگاو شهر بمبئی را به خشونت کشید. وی قربانیانش را در حالی که خواب بودند، به قتل

رساند.

عضو گارد ۳۹ ~ ۳۹ تا ۲۰۱۴ ۲۰۱۱ برزیل تیاگو هنریکیو گومز دا روچا

امنیتی برزیل بود که به قتل ۳۹ نفر اعتراف کرد. وی در زندان اقدام به خودکشی کرد. او

[محکوم به ۲۵ سال زندان شد. ۲۶]

معروف به تد باندی ۳۸+ ۳۸ تا ۱۹۹۵ ۱۹۹۴ آفریقای جنوبی موسی سیتول

آفریقای جنوبی. پیش از اینکه قربانیان خود را، که بیشتر زنان بیکار بودند، به مکانی

ایزوله منتقل کند و در آنجا به تجاوز، شکنجه و قتل آنها بپردازد، با آنها به عنوان یک تاجر

ملاقات می‌کرد و قربانیان خود را با چشم‌انداز شغل فریب می‌داد. او محکوم به ۲۴۱۰ سال

[حبس شد و تا مدت ۹۳۰ سال شامل آزادی مشروط نخواهد شد. ۲۷]

۱۰۰-۸۰ ۳۶ تا ۲۰۰۵ ۱۹۸۴ اتحاد جماهیر شوروی اوکراین سرحی توکا

یک بازپرس جنایی سابق پلیس اوکراین، دختران بین ۸ تا ۱۸ سال را خفه کرد و پس از کشتن آنها، بدنشان را مورد سواستفاده جنسی قرار داد. ادعا می‌شود که ۱۰۰ نفر را به قتل رسانده است. به حبس ابد محکوم شد. در سال ۲۰۱۸ در اثر نارسایی قلبی [درگذشت. ۲۸]

۴۳-۵۵+ ۳۶ تا ۱۹۸۵ ۱۹۷۱ اتحاد جماهیر شوروی گنادی میخازویچ

زنان را خفه می‌کرد. او علاوه بر کشتن قربانیان، پول و اشیای با ارزش آنها را می‌دزدید (که گاه به عنوان هدیه به همسرش می‌داد). در سال ۱۹۸۷ توسط جوخه آتش [اعدام شد. ۲۹]

معروف به «قوس +۳۶ ۳۶ و زودتر ۱۹۰۶ مراکش محمد مسفوی قاتل مراکش؛ زنان را تخدیر و معیوب می‌کرد و به قتل می‌رساند. او در سال ۱۹۰۶ اعدام شد.

۳۵ ~ ۳۵ تا ۱۹۳۰ ۱۹۲۰ رومانی یوگسلاوی مجارستان (ادعا شده) ورا رنزی

قاتل سریالی رومانیایی با نام مستعار «بیوه سیاه» به قتل ۳۵ مرد در اثر مسمومیت با آرسنیک محکوم شد اما اعتراف کرد که فقط ۳۲ قربانی را به قتل رسانده است. رنزی پرکارترین قاتل زن سریالی در جهان است. با این حال، اطلاعات کمی در مورد رنزی و جنایات او وجود دارد، زیرا اطلاعات شخصی (تاریخ جنایی، سوابق دانشگاهی، و غیره) همانند آنچه امروزه در دسترس است، فهرست نویسی نشده بود. این باعث شده تا برخی

از جرم شناسان به این باور برسند که او فقط شخصیتی افسانه‌ای در تاریخ و سنت رومانی
[بوده‌است، نه یک شخص واقعی].^{۳۰}

قاتل سریالی ۳۶+ ۳۵ تا ۱۹۷۸ ۱۹۷۴ ایالات متحده آمریکا تد باندی
آمریکایی که به خاطر جذابیت و ظاهر خوبش معروف بود. باندی رسماً به ۳۰ قتل اعتراف
کرد، اما در گذشته به قتل ۳۵-۳۶ زن اعتراف کرده بود، و برخی تخمین‌ها به ۱۰۰ قربانی
یا بیشتر رسیده‌است. برای دو بار فرار از زندان و قتل چندین قربانی در یک روز بدنام
است. بعضی اوقات قربانی جدید را در ساعت متفاوتی از همان مکان قربانی قبلی
[می‌ربود].^{۳۱} وی در سال ۱۹۸۹ توسط صندلی برقی اعدام شد.^{۳۲}][^{۳۳}

۳۴+ ۳۳ تا ۱۹۷۸ ۱۹۷۲ ایالات متحده آمریکا جان وین گیسی
معروف است که بین سالهای ۱۹۷۲ و ۱۹۷۸ حداقل ۳۳ پسر نوجوان و مرد جوان
را به قتل رسانده‌است و ۲۶ نفر از آنها را زیر خانه خود در شیکاگو دفن کرد. گیسی به
دلیل این که در اغلب رویدادهای اجتماعی کودکان را با پوشیدن لباس دلک سرگرم
[می‌کرد، به عنوان «دلک قاتل» شناخته می‌شد. در سال ۱۹۹۴ با تزریق سم اعدام شد.^{۳۴}

عراق Flag of Iraq (1921–1959).svg امپراتوری عثمانی علی اصغر بروجردی

ایران Flag of Iran (1925).svg

معروف به «اصغر قاتل»؛ ۳۳ نفر را که اغلب کودک ۳۳ تا ۱۹۳۴ ۱۹۰۷
[بودند، در عراق و ایران به قتل رساند. او در سال ۱۹۳۴ به طناب دار آویخته شد.^{۳۵}

۳۳ ۳۳ تا ۱۹۲۳ ۱۹۲۱ اتحاد جماهیر شوروی واسیلی کومارف

معروف به «گرگ مسکو»؛ تاجر اسب که ۳۳ مرد را کشت. در سال ۱۹۲۳ توسط جوخه آتش اعدام شد.

در هنگام دستگیری +۱۰۰ ۳۳ تا ۱۹۹۹ ۱۹۸۲ مکزیکی فرناندو هرناندز لیوا

در سال ۱۹۹۹، به ۱۰۰ قتل و شش آدم‌ربایی اعتراف کرد. او قبلاً در سالهای ۱۹۸۲ و ۱۹۸۶ دستگیر شده بود، که بار دوم به جرم قتل بود که بعد از آن از زندان فرار کرد. اما بعداً همه چیز را انکار و ادعا کرد که توسط پلیس و خانواده قربانیان مورد ضرب و شتم قرار گرفته‌است تا وی را وادار به اعتراف کنند. او که متهم به ۱۳۷ قتل در پنج ایالت جنوبی مکزیکی، محکوم به ۳۳ قتل و ۵۰ سال زندان بود تلاش کرد که خود را در زندان بکشد. اگر ادعای او درباره ۱۰۰ قربانی صادق باشد، لیوا یکی از بدترین قاتل‌های جهان [بوده‌است؛ هرچند در حال حاضر او بدترین قاتل سریالی مستند مکزیکی است]. ۳۶

رهبر مافیا معروف +۳۲ ۳۲ تا ۲۰۰۶ ۱۹۹۹ مصر رمضان عبدالرحیم منصور

به ال تورینی («قطار سریع‌السیر»). کودکان بی خانمانی که سوار قطارهای بین قاهره، اسکندریه، قلیوبیه و بنی سویف می‌شدند را مورد تجاوز و شکنجه قرار می‌داد. اکثر این قربانیان پسران ۱۰ تا ۱۴ ساله بودند. قربانیان معمولاً هنگام جان‌کندن یا بعد از مرگ از قطار متحرک به بیرون انداخته می‌شدند. گاهی آنها را به نیل انداخته یا زنده دفن می‌کردند. در سال ۲۰۱۰ اعدام شد. ۳۷]

زنان مسن را در چندین ۳۲ ۳۲ تا ۲۰۱۲ ۲۰۱۱ روسیه ولگا دیوانه

منطقه روسیه به قتل رساند. پاول شایاخمتوف قزاقستانی که به جرم قتل دو زن مسن در

سامارا مقصر شناخته شد، به ظن ارتکاب این قتل‌ها دستگیر شد، اما نیروهای پلیس بر این
 [باورند که قاتل واقعی، که احتمالاً اهل تاتارستان می‌باشد، هنوز آزاد است]. ۳۸

(منبع: ویکی‌پدیا)

اصغر قاتل!

اصغر قاتل	۱۳۹۹ - ۱۳۱۳	۸	۳۳	سال ۱۳۱۳ میدان در توپخانه در ملأ عام اعدام شد.	در نوجوانی با خانواده‌اش به عراق مهاجرت کرد. در عراق ۲۵ کودک و نوجوان پسر را پس از تجاوز جنسی به قتل رساند و سر از بدنشان جدا می‌کرد. پس از اینکه در هنگام قتل دیده شد به ایران فرار کرد و در تهران در مدت ۸ ماه، هشت پسر و مرد جوان را پس از تجاوز جنسی کشت و بعد از بریدن سر جنازه را در چاه‌ها یا خرابه‌های اطراف تهران پنهان می‌کرد. نخستین قاتل سریالی رسانه‌های ایران از او به عنوان یاد می‌کنند ایران
مجید سالک محمودی	۱۳۵۹ - ۱۳۶۴	۲۱	49 نفر را کشت !	سال ۱۳۶۴ زندان در قصر خودکشی کرد	مقتولین خود را خفه می‌کرد و بیشتر آنها زن بودند آذربایجان استان‌های و قزوین تهران، البرز، اردبیل، شیرازی ، گیلان

خودکشی‌های دسته جمعی!

شهر دنپاسار، بالی

در سال 1906 وحشتناک‌ترین خودکشی جمعی در شهر دنپاسار در طی حمله هالندی‌ها
 اتفاق افتاد. در هنگام حمله به کاخ سلطنتی هالندی‌ها صدای طبل‌ها را که از داخل می
 رسید می‌توانستند بشنوند و دودی را که از کاخ بلند می‌شد را ببینند. ناگهان آنها صفوف

منظمی را دیدند که در راس آنها مهاراجا و روحانیون بودند که در سکوت واما از کاخ بیرون می شدند. هنگامیکه صفوف توقف کردند

مهاراجا علامت داد و یکی از روحانیون او را با چاقو کشت و دیگران همه آغاز به کشتن خود کردند. هالندی ها آنقدر حیرت زده بودند که به سوی صفوف آتش گشودند. در نتیجه بیش از هزاران نفر کشته شدند

جنبش مذهبی «دروازه های بهشت»، کالیفرنیا

فرقه «دروازه های بهشت» یک جنبش مذهبی امریکایی است، که اعضای آن براین باور بودند که زمین دوباره متولد می شود. در سال 1997 یک گروه از مردم با اعتقاد به اینکه در جایی نزدیک به زمین در فضا سفینه موجودات فضایی در پرواز است و باید به آن رسید و برای رسیدن به آن باید مرد و 39 نفر با نوشیدن معجونی از ودکا و فنوباریتال در خانه بزرگ سفیدی که از پیش اجاره کرده بودند خودکشی کردند. همه یک شکل لباس پوشیده بودند در جیبهای آنها پولهای برابر و یکسان پیدا نمودند. زیر سر قربانیان کیسه هایی با اشیا داخل شان بود قتل ها در طی سه روز انجام شده بودند. به همین جهت بازماندگان پس از مرگ قربانیان آنجا را تمیز کردند و سپس خود نیز خودکشی کردند. در طی یک هفته 39 نفر خودکشی کردند. تمامی اینها تنها بخاطر آن بود که روح آنها به سفینه فضایی موجودات فضایی برسند

«فرقه جهانی «معبد خورشید»

در سال 1984 لوک ژوره و جوزف دی مامبو فرقه «معبد خورشید» را بنیان گذاری کردند و آغاز به آموزش پیروان خود نمودند، که زندگی یک توهم است. و پیروان فرقه می توانند دوباره متولد شوند و در سیاره دیگر در صور فلکی اکبر زندگی نمایند. دکتر ژوره و پیروانش بر این باور بودند، که آنها در زندگی گذشته یک شوالیه زائر بیت المقدس و تناسخ در کالبد عیسی مسیح دارد. در سال 1994 خودکشی جمعی شروع شد. ابتدا در دو روستا در سوییس پیروان فرقه بطور دسته جمعی خود را مسموم نمودند و به خود نیز شلیک کردند و همدیگر را خفه کردند. در سال 1995، 16 جسد که در قالب ستاره خوابیده بودند، در فرانسه کشف شدند. در سال 1997 در کبک در یک خانه آتش سوزی رخ داد و پس از آن پولیس پنج جسد سوخته پیدا کرد. خوشبختانه بچه ها زنده باقی مانده بودند. اما مست مواد مخدر بودند. در مجموع 74 نفر از پیروان فرقه «معبد خورشید» خودکشی کردند.

کلیسای «جنبش احیای ده فرمان خدا»، اوگاندا

این جنبش مذهبی در سالهای 1980 در اوگاندا توسط سه نفر بنیان نهاده شد که می گفتند مریم مقدس بر آنها ظاهر شده و گفته است که آنها باید بروند و موعظه کنند. پیروان فرقه اعتقاد داشتند که پایان دنیا 17 مارچ سال 2000 خواهد بود. در روز معین شده بیش از 500 نفر در کلیسا جمع شدند و دعا کردند و آواز خواندند و گوشت کباب شده گاو را نوش جان نمودند. پس از مدتی ساختمان کلیسا منفجر شد و همه کشته شدند.

بعد از آن در خانه هایشان اجساد تعدادی دیگر از پیروان جنبش یافت شد. امروزه هنوز جای بحث است که آیا این اتفاق خودکشی جمعی و یا کلا اینکه قتل عام بوده است

فرقه «معبد مردم»، جانز تاون

در جانز تاون یکی از وحشتناک ترین خودکشی های جمعی اتفاق افتاده است، در این حادثه 913 تن از پیروان فرقه محلی سم خوردند. مریدان فرقه ای که توسط جیم جونس بنیان نهاده شد در ابتدا با یک هدف والا جمع شدند تا به نیازمندان کمک کنند. اما به تدریج پیروان این فرقه شروع به تحلیل های روانشناسانه نمودند و پس از قتل نماینده کنگره توسط مریدان فرقه، رهبران فرقه بر اعضای فرقه ترس القاء نمودند و آنها را بسوی خودکشی سوق دادند. در این حادثه 913 نفر منجمله 276 بچه سم خوردند. جونس با شلیک یک گلوله در سر کشته شد. تا به حال مشخص نشده که این یک خودکشی جمعی و یا قتل عام بوده است.

کوکلوس کلان ها!

با پایان جنگ های داخلی آمریکا موسوم به جنگ های انفصال که به آزادی سیاهان و لغو برده داری انجامید، موج نفرت از سیاهان در ایالات جنوبی بالا گرفت و باعث رشد تدریجی نهضت ضد سیاهان شد. این نهضت با ضرب و جرح گاه و بیگاه سیاهان، ترور آنان و تخریب خانه و کاشانه شان و سرقت اموال آنان و وارد آوردن انواع فشار و سختی علیه سیاهان جلوه گر شد. در حالی که تنها چند ماه از پایان جنگ ضد برده داری گذشته بود، در

هر یک از ایالات جنوب آمریکا، قوانین و مقررات دست و پاگیری علیه حقوق سیاهان به تصویب رسید و روال گذشته و تبعیضات قدیمی به نحوی دیگر خود را نمایان کرد.

(Ku Klux Klan) در 24 دسامبر سال 1865 م. سازمان تروریستی کوکلوکس کلان توسط جمعی از نژادپرستان متعصب تروریست و با هدف نابودی و ارباب سیاهپوستان در جنوب آمریکا تأسیس شد. این سازمان به سرعت توسعه یافت و گروه گروه مردمی که از برده‌داری محروم شده بودند به این سازمان مخوف پیوسته پس از مسلح شدن، به جان سیاهان افتادند.

فعالیت سازمان کوکلوکس کلان به معنی حصار قبيله یا گروه دایره، در سال‌های 1866 تا 1869 بسیار وسیع و گسترده بود و هزاران سیاهپوست آمریکا به دست اعضای این فرقه به طرزی فجیع به قتل می‌رسیدند. اعضای کوکلوکس کلان، شب‌هنگام، ماسک سفید مخصوصی بر چهره زده لباس بلندی مانند کفن سفید بر تن می‌کردند و نوعی کلاه سفید نوک‌تیز به سر می‌گذاشتند. آنان هر شب که دستور ترور و قتل داشتند، ابتدا مراسم مخصوصی را به جا می‌آوردند. در آن مراسم آنان به دور یک صلیب چوبی که ارتفاع آن به بیش از سی متر می‌رسید حلقه می‌زدند و شاهد سوختن آن می‌شدند و با هم سرود مذهبی می‌خواندند.

هر شب که مردم آمریکا چنین مراسمی را نظاره می‌کردند، فردایش شاهد چنین جسد سیاهپوست در داخل جوی‌های آب، زیر پل‌ها و یا در نقاطی دور از شهرها بودند. سازمان کوکلوکس کلان که مخالف آزادی اجتماعی سیاهپوستان آمریکا بود، فعالیت‌های جنایت‌کارانه خود را برای قتل سیاهان و ترور کسانی که موافق آزادی اجتماعی سیاهان بودند، بار دیگر در شانزدهم اکتبر 1915 آغاز کرد. این فعالیت‌ها طی دهه‌های پس از آن

با شدت و ضعف ادامه یافت اما در طول دهه 1960 کارنامه خون‌باری از کوکلوکس کلان ارائه شد.

از جمله کشته‌شدگان این گروه تروریستی، مالکوم ایکس، رهبر مسلمانان سیاه‌پوست آمریکا و مارتین لوتر کینگ رهبر مسیحیان سیاه‌پوست این کشور در سال‌های 1965 و 1968 می‌باشند که از جمله برجسته‌ترین قربانیان این گروه بودند. دولت‌های آمریکا که همگی بدون استثنا، سیاست‌های‌شان مبتنی بر گرایش‌ها و تمایلات نژادپرستانه بوده و همواره سیاهان را به‌دیده تحقیر و نفرت می‌نگرند، نه تنها از تاریخ تشکیل این فرقه جنایت‌کار در قرن نوزدهم تاکنون حاضر نشده‌اند آن را که هنوز دل به احیای برده‌داری بسته است، توقیف نمایند و باز، نه تنها هیچ یک از اعضای این سازمان تا به امروز مجازات نشده‌اند، بلکه گاه چهره‌های سرشناس این تشکیلات، به‌عنوان مقامات دولتی در هیئت حاکمه آمریکا، پست‌های مختلفی را نیز اشغال کرده‌اند.

به‌طوری که در سال 1924 در کنگره حزب دموکرات، از حدود 1000 نماینده، 343 نفر از اعضای کوکلوکس کلان بودند. دهه 1920 اوج کامیابی کوکلوکس کلان بود. برخی از شاخه‌های بومی این گروه دست به پاره‌ای به دار کشیدن‌های بی‌دادرسی و دیگر کنشهای خشن زدند. اکنون نیز سازمان مزبور که از سوی اتحادیه‌های بزرگ مالی آمریکا حمایت می‌شود، به‌صورت یک تشکیلات رسمی مذهبی، دارای شعبه‌هایی در سراسر ایالات متحده است. این در حالی است که آمریکا همواره از شعار دفاع از حقوق بشر دم می‌زند و خود را مهد آزادی و برابری عنوان کرده است.

نام کوکلوکس کلان از سوی بسیاری از گروه‌هایی که با اعلامیه جهانی حقوق بشر مخالفند یا باورمندان به جدایی نژادی به کار برده می‌شود. در دهه‌های 1950 و 1960 این گروه‌ها دست به یک سری کارهای خشن مانند بمب‌گذاری‌هایی که به کشتار کودکان و کارگران انجامید دست می‌زدند.

این گروهک همواره در برنامه‌ها و کشتارهای خود کودکان را نیز به همراه داشتند تا به آنها آموزش‌های لازم را یاد دهند

همراهی پلیس آمریکا در بسیاری از تجمعات این گروه خشم بسیاری از گروه‌های ضدنژادپرستی در آمریکا را در آن سال‌ها برانگیخته بود

حمایت‌های گسترده دولت آمریکا از این گروهک تروریستی تعداد زیادی از هنرمندان را بر آن داشت تا با طرح‌هایی از جنس تصویر بالا به مقابله با آنها بپردازند

کوکلوکس کلان‌ها لباسی سفید با کلاهی نوک‌تیز با به تن می‌کردند

آنان هر شب که دستور ترور و قتل داشتند، ابتدا مراسم مخصوصی را به جا می‌آوردند، در آن مراسم آنان به دور یک صلیب چوبی که ارتفاع آن به بیش از سی متر می‌رسید حلقه می‌زدند و شاهد سوختن آن می‌شدند و با هم سرود مذهبی می‌خواندند

هر شب که مردم آمریکا چنین مراسمی را نظاره می کردند، فردایش شاهد چنین جسد سیاه پوست داخل جوی های آب، زیر پل ها و یا در نقاطی دور از شهرها بودند

بسیاری از محققین معتقدند این گروهک تروریستی با هر گونه دین و باوری که با عقاید آنها مخالفت داشته است برخورد این چنینی می کرده و این اتفاق فقط محدود به سیاه پوستان، مسلمانان و مسیحیان نبوده است

برخی معتقد بودند که این گروهک بعد از سال 1940 موجودیت و هویت خود را از دست در گفت و گویی با CNN داد و دیگر هیچ حرکت رسمی را آغاز نکرد اما چند ماه پیش یکی از رؤسای سابق این گروهک این سؤال را مطرح کرده بود: آیا در این شرایط کنونی آمریکا این گروهک دوباره ظهور می کند؟

این گفت و گو با فرانک آنکونا، رهبر سنت گرای گروهک کوکلوس کلان انجام شده بود. او کسی است که پیش از این با گلوله یکی از رؤسای همین گروه را به دلیل اختلاف شخصی کشته بود و رهبری بسیاری از کشتارها را به عهده داشته است.

گفته می شود که این روزها 7000 نفر به شکل مستقیم طرفدار و از اعضای اصلی آن هستند. فوریه همین سال هم رهبر این گروهک در فلوریدا در گفت و گویی تصویری که در شبکه یوتیوب منتشر شده است، همکاری پلیس آمریکا با این گروهک تروریستی را افشا کرده است. ما دوباره شاهدیم تعدادی با لباس مخصوص این گروه همانند گذشته که پلیس آنها را در راهپیمایی های شان همراهی می کرد، در خیابان ها حضور پیدا کرده اند. آیا در روزهای آینده شاهد افزایش خشونت های نژادپرستانه در آمریکا و سکوت دولت آن کشور خواهیم بود؟

کشتار سیاه پوستان

یکی از مهمترین جنایات نژاد پرستانه علیه سیاه پوستان امریکا در سال 1919 رخ داد که بیش از 43 سیاه پوست در آن هدف گلوله قرار گرفتند 16 تن به دار اویخته و 8 نفر سوزانده شدند.

در این کشتار که از 27 جولای تا 3 آگوست رخ داد و در تاریخ امریکا به «تابستان سرخ» مشهور است گروه های نژاد پرست، سیاهانی که برای رسیدن به حقوق برابر مبارزه می کردند را به طرز فجیعی به قتل رساندند.

ماجرا از این قرار بود که اواخر تابستان سال 1919 مقاله ای در روزنامه "شیکاگو دیفندر" از سوی "ساموئل جونز" منتشر شد که درباره مردی سیاه پوست و شکنجه و محاکمه وی صحبت می کرد که تنها جرمش ازدواج با یک زن سفید پوست بود.

جونز "بعد از این افشاگری در خانه اش همراه 25 نفر از اعضای خانواده توسط گروه های "سفیدپوست، قتل عام شد و علاوه بر خانه او، بسیاری از خانه های سیاه پوستان اطراف نیز به آتش کشیده شد که همین حادثه موجب شد تمام سیاه پوستان ایالت های شمال و جنوب دست به شورش بزنند و تعداد زیادی از آنان کشته و سوزانده شوند. گرچه تمامی این شورش ها با دخالت پلیس سرکوب شد اما زمینه ای شد تا در نهایت قانون حقوق سیاه پوستان در سال 1964 میلادی به تصویب برسد

لئوپولد دوم پادشاه بلژیک از مخوف ترین هیولاهای تاریخ که تاریخدانان او را ترکیبی از هیتلر و استالین میدانند.

او 10 میلیون آفریقایی را در کنگو نسل کشی کرد و دست میلیونها نفر را قطع کرد

کشتار سرخ پوستان

کشتار سرخ پوستان جنایت پر دامنه و طولانی مدتی بود که به دنبال کشف قاره آمریکا توسط دریانوردان اسپانیایی در قرن شانزدهم آغاز شد. این کشتارها عمدتاً توسط کشورهای استعمارگر اروپایی خصوصاً اسپانیا، پرتغال، فرانسه و انگلستان به منظور سلطه بر مناطق مختلف قاره آمریکا و با هدف دستیابی اموال و املاک سرخ پوستان صورت می گرفت. بعدها و به خصوص در نیمه دوم قرن نوزدهم، آمریکاییان با کوچ دادن اجباری و جنگ هایی که به دنبال آن صورت می گرفت نقش پررنگی در کشتار سرخ پوستان آمریکای شمالی ایفا نمودند

مردی که 60 نفر از سادات را کشت!

شیخ صدوق (ره) به سند معتبر از عبدالله بزاز نیشابوری روایت کرده که گفت: در میان من و حمید بن قحطبه طوسی معامله ای بود. در سالی به نزد او رفتم. چون خبر آمدن مرا شنید در همان روز ورود، مرا طلبید پیش از آن که جامه های سفر را تغییر دهم و آن هنگام . وقت زوال از ماه مبارک رمضان بود

بر او وارد شدم، دیدم حمید در خانه ای نشسته است که نهر آبی در میان آن جاری چون است. چون سلام کردم و نشستم، آفتابه و لگن آوردند. دستهای خود را شست و مرا نیز امر کرد که دستهای خود را بشویم. آنگاه خوان طعام او را حاضر کردند. از خاطر من محو شده بود که ماه رمضان است و من روزه دارم. چون دست به جانب طعام بردم روزه را به خاطر آوردم، دست کشیدم. حمید گفت: چرا طعام نمی خوری؟ گفتم: ماه مبارک رمضان است و من بیمار نیستم علتی و مرضی ندارم که موجب افطار باشد، آن پلید گفت: من نیز. علتی ندارم و بدنم صحیح است. این بگفت و بگریست.

از خوردن طعام فارغ شد گفتم: ایها الامیر (ای امیر!) سبب گریه شما چه بود؟ چون

گفت: سببش آن است که در وقتی که هارون در طوس بود، شبی از شبها در میان شب مرا طلبید، چون به نزد او رفتم، دیدم شمعی به نزد او می سوزد و شمشیر برهنه نزد او گذاشته است و خادمی پیش او ایستاده. چون مرا دید گفت: تا چه اندازه در اطاعت من حاضری؟ گفتم: به جان و مال تو را مطیع و فرمانبردارم. پس ساعتی سر به زیر افکند. آنگاه مرا رخصت برگشتن داد. چون برگشتم باز پیک او به طلب من آمد و این مرتبه ترسیدم و گفتم: انالله و انا الیه راجعون گویا اراده قتل مرا کرده است. چون بر او داخل شدم، باز پرسید که چگونه است اطاعت تو نسبت به من؟

فرمانبرداری می کنم به جان و مال و فرزند و عیال: گفتم

پس تبسمی کرد. باز مرا رخصت بازگشتن داد. همین که داخل خانه خود شدم، دیگر بار رسول او آمد و مرا به نزد او برد. چون بر او وارد شدم سخن سابق را تکرار کرد. این دفعه من جواب گفتم: اطاعت می کنم تو را به جان و مال و فرزند و دین خود.

رشید چون این جواب را شنید، بخندید و گفت: این شمشیر را بگیر و آنچه این خادم تو را بدان امر می‌کند بجای آر. پس خادم شمشیر را به دست من داد و مرا به خانه ای برد که در آن خانه مقفل بود. خادم در یکی از آنها را گشود. در آن حجره بیست نفر دیدم از پیران و جوانان و کودکان که گیسوان داشتند و در بند و زنجیر بودند و همگی از فرزندان علی و فاطمه (علیهماالسلام) بودند

آن خادم گفت: خلیفه تو را امر کرده است که اینان را گردن زنی. پس یک یک را بیرون می‌آورد و من در کنار آن چاه ایستاده بودم و آنان را گردن می‌زدم. تا آن که تمام آنان را کشتم. پس سرها و تن‌های ایشان را در آن چاه افکند و حجره دیگر را گشود. در آن حجره نیز بیست نفر از اولاد علی و فاطمه زهرا (علیهماالسلام) مقیم بودند

خادم گفت: خلیفه امر کرده که اینان را نیز مقتول سازی. پس یک یک را من گردن می‌زدم و او سرها و بدن‌ها را در چاه می‌افکند

پس در حجره سوم را گشود. در آن حجره نیز بیست نفر از سادات علوی و فاطمی محبوس و در قید و بند بودند و گیسوها که علامت سیادت بود داشتند. خادم گفت: خلیفه امر کرده که اینان را هم گردن بزنی. پس یک یک را بیرون آورد و من آنها را گردن زدم؛ تا از قتل نوزده تن اینان پیرداختم. چون نفر بیستم را آورد و من آنها را گردن زدم؛ تا از قتل نوزده تن اینان پیرداختم. چون نفر بیستم را آورد مرد پیری بود. پیرمرد گفت: دستت بریده باد ای ملعون! نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) وقتی از تو پرسد برای چه شصت تن از اولاد مرا مظلوم و بیگناه بکشتی چه پاسخ خواهی داد و چه عذری خواهی آورد؟

من چون این سخن را شنیدم بر خود لرزیدم. پس خادم نزد من آمد و بانگ بر من زد.
ناچار آن سید علوی پیر را به قتل رساندم و بدنهای همه را در چاه افکندم

حال می اندیشم، من که شصت تن از اولاد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را مظلوم و بی
تقصیر کشته ام؛ نماز و روزه، مرا چه فایده بخشد؟ یقین دارم که پیوسته در جهنم خواهم
بود.

بی رحم ترین پرستاران قاتل در طول تاریخ را بشناسید

وظیفه اصلی پرستاران کمک به درمان مریض جهت التیام سلامتی آنها هست اما بعضی از
پرستاران بوده اند که آدم کش بوده اند. همه ی به خوبی میدانیم یک اشتباه کوچک در
بیمارستان میتواند به چه مشکل بزرگی تبدیل شود و گاهی حتی مرگی را هم رقم بزند.
همین علت هست که پرستاران و پزشکان

تمام تلاش خود را می کنند تا برترین شرایط را برای بیماران خود فراهم کنند. اما در این
میان پرستاران شیطان صفتی هم وجود دارند که به بهانه های گوناگون بجای کمک به

التیام حال بیماران، جان آنها را میگیرند. شمار زیادی از این پرستاران در مجلات خبری چون بی بی سی و تلگراف جزو خطرناک ترین زنان و مردان جهان و قاتلان سریالی اعلام شده اند.

بی رحم ترین پرستاران قاتل در طول تاریخ را بشناسید

قاتل ارتشی ها

کریستین گیلبرت "یکی از پرستاران بنگاه دکتری" و ترانز "در نورث هامپتون" ماساچوست بود. جاییکه چهار نفر از بیماران بستری در این بنگاه رابه قتل رساند که همگان در ارتش فعالیت می کردند. نخستین قربانی او مردی سی و پنج ساله به اسم هنری هودون، یکی از نیروهای هوایی ارتش بود

که به خاطر جراحاتی قشری در بیمارستان بستری شد اما پس از چند روز بر اثر ایست قلبی جان خود را از دست داد. پس از تحقیقات مشخص شد که ایست قلبی او به خاطر تزریق ماده ای بوده که باعث افزایش تپش قلب می شود

بی رحم ترین پرستاران قاتل در طول تاریخ را بشناسید

گیلبرت از همین روش برای کشتن باقی قربانیان هم بهره‌گیری کرد. دومین قربانی مردی چهل و یک ساله به اسم کنت کاتینگ بود، در دستان خودش از جهان رفت؛ در حالی که باقی کارکنان بیمارستان خیال می‌کردند گیلبرت در حال تلاش برای بازگرداندن او به زندگی بوده هست. راز گیلبرت 15 ماه بعد فاش شد

و به جرم سه قتل درجه یک و دو و همینطور اقدام به قتل مجرم شناخته شد. طبق قانون کشور آمریکا این جرائم می‌توانست حکم اعدام داشته باشد اما گیلبرت به حبس ابد محکوم شد

خطرناک ترین پرستار

انه گریگ ”یکی از پرستارانی هست که به علت به قتل رساندن 20 نفر از بیماران نه “تنها در لیست خطرناک ترین زنان جهان قرار گرفت، بلکه لقب “فرشته مرگ” را نیز بخود

تعلق داد. در بین 20 نفر قربانی که به دست او کشته شدند، 4 کودک نیز بودند که آنه
آنها را به وسیله تزریق زهر به قتل رسانده بود.

بی رحم ترین پرستاران قاتل در طول تاریخ را بشناسید

این پرستار در سال 1977 در بیمارستانی در بورکشایر انگلستان بعنوان پرستار کار میکرد.
او از کودکی به اینکار علاقه مند بود. او بعد از این که مدتی در یکی از صومعه های
انگلستان بکار پرستاری مشغول بود، به بیمارستان رفت تا کارش را به شکل جدی تری
انجام بدهد.

در آن روزها آنه آنقدر شاد بود که دوستانش وی را پرنده شاد صدا می کردند. او به مدت
30 سال در آن بیمارستان کار میکرد و همه ی وی را پرستاری مسئول و مهربان
می دانستند تا این که فکر قتل بیماران به ذهن آنه خطور کرد. زمانی که او مشغول کشتن
بیماران بود، پزشکان بیمارستان از شیوه یکسان مرگ بیماران شان حیرت زده شده

و پلیس را در جریان قرار دادند. آنه که پرستاری بیمارانی را که مرده بودند به عهده داشت به علت شک پلیس شش ماه از کار معلق شد. در این شش ماه هیچ بیماری بر اثر مسمومیت از جهان نرفت. بهمین خاطر پلیس به قالت بودن آنه خاطر جمععی پیدا کرد و به این طریق فرشته مرگ بازداشت شد

آنه در جلسه محاکمه خود گفت: “من طاقت مشاهده زجر کشیدن بیمارانی را نداشتم. مخصوصاً کودکان، سالمندان و کسانی که از بیماری های صعب العلاج رنج می بردند.” این زن ادعا کرد شمار زیادی از کسانی که به قتل رسانده بود، خود تمایل به مردن داشتند و آنه آنها را به زور نکشته هست. در سال 2002 آنه به انگ قتل بیمارانی با تزریق زهر به اعدام محکوم شد

بی رحم ترین پرستاران قاتل در طول تاریخ را بشناسید

در سال 1981 روبرت دیاز بعنوان پرستار شیفت شب در سه بیمارستان گوناگون در لس آنجلس مشغول بکار بود. او قربانیان خود را با تزریق بیش از حد لیدوکائین به قتل میرساند. او قربانیانش را از میان سالمندانی گزینه میکرد که به مواظبت های مخصوصاً نیاز داشتند. تزریق او باعث حمله قلبی شدید

و در نهایتی مرگ آنها می شد. به این ترتیب، هیچکس به مرگ شان مشکوک نمی شد تا این که این مرگ ها باعث شد هر سه بیمارستان باهم مکاتبه ای داشته باشند و تحقیقات خود درمورد پرستار مشترک در بخش سالمندان را شروع کنند.

در این تحقیقات مشخص شد 19 نفر از بیمارانی که تحت مواظبت دیاز بودند، جان خود را از دست داده اند. همینطور همه ی آنها در دوران مرگ کبود شده و رنگ پوست شان آبی شده بود. زمانی که منزل دیاز بررسی شد، مقدار زیادی ویال لیدوکائین پیدا شد. دیاز به جرم قتل 28 نفر به اعدام محکوم شد که قرار بود حکمش پس از آخر تحقیقات کامل ایفا شود اما او بر اثر ایست قلبی در سال 2010 در 72 سالگی در زندان جان خود را از دست داد.

فرشتگان مرگ لاینز

فرشتگان مرگ لاینز لقب چهار پرستار بود که در بیمارستان لاینز در وین مشغول بکار بودند. آنها والتارد واگنر، ابرنه لیدوف، ماریا گروبر و استفانیا مایر اسم داشتند و قتل های زنجیره ای خود را از سال 1983 شروع کردند. قربانیان آنها بیماران سالمندی بودند که پزشکان امیدی به بهبودشان نداشتند و بعد از دستگیری هدف خود را از اینکار، دلسوزی و کمک کردن به این افراد عنوان کردند.

بی رحم ترین پرستاران قاتل در طول تاریخ را بشناسید

شمار قربانیان فرشتگان مرگ که همگان بالای 75 سال بودند، 48 نفر اعلام شد. راز این گروه پرستار بی رحم بالاخره در سال 1991 برملا شده و دستگیر شدند. البته پس از دستگیری و اعترافات این چهار نفر، پلیس معتقد بود که شمار قربانیان بیشتر از 48 نفر بوده هست. با این که فرشتگان مرگ لاینز در عرض چند سال مرتکب قتل های زیادی شدند اما تا سال 2008 تمامی آنها مورد عفو قرار گرفته و آزاد شدند.

قاتلی که مردگان را احیا میکرد

از دسامبر 2003 تا فوریه 2004 به طرز مشکوکی شمار فوتی های بیمارستان هورتون انگلیس بالا رفت و عجیب تر از همه ی این بود که همه ی آنها به خاطر مشکلات تنفسی جان خود را از دست داده بودند. نخستین متهم بنجامین گین بود که پرستار اصلی بخش به حساب می آمد و به نحوی با تمامی بیماران فوت شده تماس داشت

همینطور گزارش شد که وقتی خبر داده می شد یکی از بیماران گریبانگیر مشکل تنفسی شده هست، بنجامین بجای این که غمگین شود، هیجان زده برای احیای او می رفت

بی رحم ترین پرستاران قاتل در طول تاریخ را بشناسید

در واقع طبق گزارش همکارانش احیا کردن کاری بود که او خیلی دوست داشت و اینکار را با هیجان انجام می داد. در ابتدا بنجامین به انگ قتل دو نفر از بیماران بازداشت شد اما با اعترافات خودش مشخص شد که 15 نفر را با بهره گیری از داروی بی حس کننده عضلات یا تزریق بیش از حد مسکن به قتل رسانده هست. بنجامین به جرم قتل این 15 نفر به 17 بار حبس ابد محکوم شد

قاتل حواس پرت

استفن لتر ”پرستار بیمارستان سانتوفن کشور آلمان در سال های 2003 و 2004 بود.“ همان یک سالی که او پیروز شد 28 نفر از بیماران بیمارستان رابه قتل برساند. البته او بعد از دستگیری با گمراهی پلیس گفت که 12 نفر رابه قتل رسانده هست

بی رحم ترین پرستاران قاتل در طول تاریخ را بشناسید

با مشخص شدن شمار دقیق قتل هایی که استفن مرتکب شده بود، او در دادگاه برای دفاع از خود گفت: “شاید 28 نفر درست باشد، من درست به خاطر نمی آورم. حافظه کوتاه مدت من بسیار ضعیف هست.” بیشتر قربانیان استفن نیز بالای 70 سال بودند و او معتقد بود تنها به مرگ آسان تر و بدون درد آنها کمک میکند

اما با تحقیقات پلیس و گفتگو با دکتر معالج بیماران مشخص شد حال شمار زیادی از کسانی که استفن به قتل رسانده هست ناگوار نبوده و حتی رو به التیام بوده هست. استفن نیز به جرم قتل 28 نفر به حبس ابد بدون عفو مشروط محکوم شد

پرستار روانی

آینو نیکوپ یک قاتل سریالی فنلاندی بود که در بین سال های 2004 تا 2009 بعنوان پرستار کار می کرد. در بین این سال ها پنج نفر از بیمارانی که آینو از آنها مواظبت میکرد به طرز مشکوکی جان خود را از دست دادند و علت مرگ شان هرگز مشخص نشد تا این که در مارس 2009، زمانی که آخرین قربانی از جهان رفت، مسئولان بیمارستان به او مشکوک شده و پلیس را خبر کردند.

بی رحم ترین پرستاران قاتل در طول تاریخ را بشناسید

او به جرم قتل پنج مریض در طول سال های خدمت خود بازداشت شد. دادگاه او در دسامبر 2010 بر گزار شد ولی به خاطر این که آینو از نوعی بیماری روانی رنج می برد، قاضی وی را به تحمل 12 سال حبش محکوم کرد. این حکم باعث شد تا خانواده قربانیان به رأی دادگاه انتقاد کنند اما اینکار آنها فایده ای نداشت. آینو به قاضی گفت: “من بیمارانی را می کشتم که دیگر امیدی به زنده بودن شان نبود

بی رحم ترین پرستار کودکان

برخلاف پرستاران دیگر که قربانیان شان بیماران سالمند بودند، قربانیان “جنه آنه جونز” را کودکان و نوزادان تشکیل می دادند. جنه بعنوان پرستار کودکان در بیمارستان بکسار کانتی سن آنتونیو مشغول بکار بود. در سال 1981 پرستاران این بیمارستان متوجه شدند رویدادها عجیبی برای نوزادان این بیمارستان رخ می دهد و به طرز وحشتناکی شمار فوتی ها بالا رفته هست.

بی رحم ترین پرستاران قاتل در طول تاریخ را بشناسید

کودکان بیمارستان هم بر اثر مشکلاتی جان خود را از دست می دادند که هیچ ربطی به بیماری روز اول شان نداشت. نوزادانی که تندرست و بدون مشکل متولد میشدند یک یا دو روز بعد با مشکلات تنفسی جان خود را از دست می دادند. همین موضوع باعث شد تا سرپرستار بخش، چریل پندرگراف، تحقیقات خود را در این ارتباط شروع کند.

او فهرستی از کودکانی که خیلی ناگهانی جان خود را از دست داده بودند تهیه و مشخص کرد که پرستار آنها در دوران مرگ چه کسی بوده هست. او به سرعت متوجه شد که تمامی نوزادان و کودکان فوت شده، تحت نظر جنه بوده اند و بهمین خاطر این موضوع را با پلیس در بین گذاشت.

پس از بررسی های پلیس، جنه به جرم قتل 46 کودک به 99 سال حبس و به جرم اقدام به قتل نوزادان و کودکانی که پزشکان پیروز به احیای آنها شده بودند، به 60 سال حبس محکوم شد.

پرستاری با 16 قتل

جوزف دیووی آکین تا سال 1990 در بیمارستان نورث فولتان رژیونال در آتلانتا بعنوان پرستار مشغول بکار بود اما پس از آن به بیمارستان گرین کوپر آلاباما رفت. مدت کوتاهی از ورود جوزف به این بیمارستان می گذشت که یکی از بیماران آنجا به اسم رابرت پریس سی و دو ساله بر اثر مصرف بیش از اندازه لیدوکائین جان خود را از دست داد.

بی رحم ترین پرستاران قاتل در طول تاریخ را بشناسید

در آن دوران جوزف در اتاق او بودو برای این که کسی به او شک نکند، خود را در حال احیای مریض نشان داد. در عرض مدت کوتاهی شمار کسانی که گریبانگیر حمله قلبی تنفسی میشدند به شدت افزایش یافت در حالیکه در هر زمانی که حال یکی از بیماران بد می شد جوزف در آنجا حضور داشت

همین امر باعث شک اطرافیان شده و وی را زیر نظر گرفتند تا این که بالاخره در دوران تزریق دارو به یکی از بیماران دکتری وی را دیده و با پلیس تماس گرفتند. جوزف به جرم قتل 16 مریض به حبس ابد محکوم شد

آزمایشی که قاتل را لو داد

در سال 1980 ریچارد آنجلو پرستار بیمارستانی به اسم گو ساماریتان در نیویورک بود. نخستین باری که پزشکان به اقدامات ترسناک او مشکوک شدند زمانی بود که او برای یکی از بیماران تزریقی انجام داد و از مریض پس از مدت کوتاهی آزمایش گرفته شد. آزمایش او بهره‌گیری از داروئی را نشان می‌داد که از طرف دکتر تجویز نشده بود.

بی رحم ترین پرستاران قاتل در طول تاریخ را بشناسید

پس از این موضوع منزل آنجلو کنترل شده و نظیرهای دیگری از همان دارو در منزل او پیدا شد اما آنجلو توانست همه ی را متقاعد کند که از این دارو برای تنگی نفس خود بهره‌گیری میکند و در آن روز نیز مریض گریبانگیر تنگی نفس شده بود. با این توضیحات و با دقت به پیشینه کاری خوبی که تا آن روز از خود نشان داده بود توانست بار دیگر بکار خود بازگردد.

همینطور آنجلو گذشته از این که بعنوان پرستار مشغول بکار شود، آتش نشان نظیر ای بود که به خاطر شجاعت هایش بارها از او تقدیر شده بود. همین موضوع باعث می شد تا دیگران کمتر به او شک کنند. آنجلو پشت همین چهره دروغین بین 25 تا 27 مریض را با

تزریق داروهای باز کننده ریه به قتل رساند تا این که مرگ های پی در پی و یک شکل
بیماران بالاخره رازش را برملا کرده و دستگیر شد. آنجلو به 61 سال حبس محکوم شد

نخستین قتل، نوزاد نارس

کاتاریانا پانتیلا، پرستار فنلاندی به جرم قتل سه نفر از بیماران در بین سال های 2007 تا
2010 دستگیر شد. نخستین بیماری که کاتاریانا به قتل رساند نوزاد ناری بود که تزریق
دارو وی را به سوی مرگ بود. کاتاریانا به خانواده نوزاد گفته بود این نوزاد به خاطر این که
خیلی زودتر از موعد مقرر به جهان آمده

جانش را از دست داده هست. به این ترتیب هیچکس به او شک نکرد تا این که مدتی بعد
دو نفر از بیماران او که یکی به خاطر سکته مغزی گریبانگیر فلج بود و دیگری یک مریض
روانی که هر دو حالات مساعدی داشتند، به طرز مشکوکی از جهان رفتند

بی رحم ترین پرستاران قاتل در طول تاریخ را بشناسید

پس از کالبدشکافی، مرگ آنها بر اثر تزریق دارو گزارش شد. این موضوع باعث شد تا رئیس بیمارستان به کاتاریانا شک کرده و پلیس را در جریان بگذارد. پس از دستگیری، او به قتل هایی که انجام داده بود اعتراف کرده و تا دوران اعدام به زندان انداخته شد. این زن در مارس 2010 در سلول خود از جهان رفت.

قتل در دو دهه

چارلز کولن در طول 16 سالی که بعنوان پرستار مشغول بکار بود، در مراکز پرستاری و بیمارستان های گوناگونی در نیوجرسی و پنسیلوانیا فعالیت کرد. اگر چه دادگاه تنها توانست 29 قتل وی را ثابت کند اما چارلز در واقع 40 نفر از بیماران بیمارستان های گوناگون را به قتل رسانده بود. او در طول مدت کاری خود پنج بار اخراج شد و حتی دو بار وادار شد تا از کار استعفا دهد.

بی رحم ترین پرستاران قاتل در طول تاریخ را بشناسید

شیوه کشتن چارلز نیز تزریق های مرگبار بود که بیشتر با “دیگوسین” انجام می داد. طریق کارش و روشی که قربانیان را به قتل می رساند آنقدر به مرگ طبیعی نزدیک بود که توانست دو دهه بدون این که کسی به او مشکوک شود به کارهای وحشتناکش ادامه دهد. او بیشتر در شیفت شب کار می کرد که همین امر باعث می شد تا انجام قتل ها برایش آسان تر باشد، به طوریکه تنها در عرض کمتر از یکسال 13 مریض را به قتل رساند.

چارلز هم مثل بیشتر پرستاران قاتل، بیماران سالمند را بعنوان قربانی انتخاب می کرد. تنها یکی از قربانیان او جوانی بیست و یک ساله به اسم مایکل استرنکو بود که بیماری سختی داشت و چارلز معتقد بود هرگز التیام نخواهد یافت. چارلز با کمک به پلیس در پیشروی پرونده و اعترافات خود توانست مجازات اعدام را به 397 سال حبس بدون عفو مشروط کاهش دهد.

قاتل 200 نفر

افرن سالدیوار اواخر سال های 1990 پرستار شیفت شب بنگاه دکتری ادونتیست کالیفرنیا بود؛ مرکزی که بیشتر افراد سالمند و ناتوان در آن نگه‌داری میشوند. او قربانیان خود را از میان همین افراد انتخاب میکرد و عقیده داشت با اینکار نه تنها مرتکب گناه نمی‌شود بلکه به آنها برای رسیدن به آرامش کمک می‌کند.

بی رحم ترین پرستاران قاتل در طول تاریخ را بشناسید

افرن ” برای قتل قربانیانش از تزریق داروی بی حس کننده عضلات به میزان چندان “ بهره‌گیری میکرد. در روز دستگیری برای همه ی ثابت شده بود که افرن شش نفر رابه قتل رسانده و درست زمانی که نیت داشت قربانی بعدی رابه قتل برساند، دستگیر شد.

این پرستار به جرم قتل عمد شش نفر به اعدام و هفت بار حبس ابد محکوم شد اما پس از تحقیقات بیشتر مشخص شد شمار قربانیان او حتی می‌تواند بیشتر از 200 نفر باشد. یکی از همکاران افرن در گفت و گو ای با دیلی سرو گفت: ”من مدتی بود که به کارهای عجیب او مشکوک شده بودم تا زمانی که داروهایی را که در کمدش پنهان کرده بود پیدا کردم. پشیمانم که چرا زودتر وی را معرفی نکردم. اگر وی را لو می دادم مهلت پیدا نمی‌کرد این شمار انسان بیگناه رابه همین سهولت به قتل برساند.